

نام شناخت

(تبارشناسی معنای نامهای کسان)



www.3dhouse.com/afrefo

Raphaël Lacodon 2003

تسرون ویلی



عنوان: نام شناخت

نویسنده: شروین وکیلی

تاریخ نگارش: تابستان 1382

انتشارات داخلی موسسه‌ی فرهنگی خورشید راگا

دیباچه

خرد، دانستنِ معنای اسامی است.

کنفوسیوس

پرسش از معنای نامها، و کنجکاوی در این مورد که هر اسمی چه ریشه‌ای و چه اجزایی و چه معنایی دارد، سرگرمی فکری ساده‌ایست که شاید بسیاری از ما هر از چند گاهی شیفته‌اش شویم. اما این که اسم مردم چه معنایی دارد، و چرا در هر زبان و فرهنگی معناهای خاصی برای نامیدن افرادی از جنسیتها، رده‌های شغلی، و طبقات اجتماعی گوناگون به کار گرفته می‌شود، پرسشی جامعه‌شناسانه است. اگر در کنجکاوی بازیگوشانه‌ی نخستین تنها به

فهمیدن معنای اسم فردی نامدار بسنده می‌کردیم، در پرداختن به دومی باید از مطالعات زبانشناسانه، داده‌های اسطوره‌شناسی، و مدارک تاریخی بهره برد. به این ترتیب، این دو پرسش که «اسم مردم چه معنایی دارد؟»، و این که «چرا اسم مردم چنین معنایی دارد؟» می‌توانند به عنوان سرفصل دو رده از پژوهشها در حوزه‌ی فرهنگ عامه و جامعه‌شناسی فرهنگ پنداشته شوند.

پرسش از نامها، برای نگارنده از روزگاری بسیار دور آغاز شد و برای دیر زمانی در قلمرو سوال نخست باقی ماند. نخستین دفترچه‌ای که اسم آدمیان را -از همشاگردی‌ها گرفته تا شخصیت‌های داستانها- در آن یادداشت می‌کردم، هنگامی نوشته شد که دانش آموزی دبستانی بودم. اگر به تحلیلهای روانشناختی علاقمند باشیم، می‌توانیم تبارشناسی این پرسش را به شرایط خاص حاکم بر اسم خودم تحویل کنیم. دغدغه‌ی کنکاش در دلیل نامیده شدنِ فلانی به فلان اسم و معنای این برچسب، شاید به دلیل تفاوت اسم کوچک همان کودک دبستانی با نامهای هنجار در میان اطرافیانش پدید آمده باشد. به هر صورت، تبدیل شدنِ سوال بازیگوشانه‌ی نخستین به پرسش پیچیده‌ترِ دومی، مدیون پژوهشی است که از چند سال پیش در حوزه‌ی تاریخ فرهنگ آغاز شد. در آن

هنگام بود که برخورد با نامهای عجیب و غریبِ نامدارانی که اسمشان هزاران سال پیش به فراموشی سپرده شده بود، به اشتیاقِ بازبینیِ داده‌های گردآوری شده در این دفترچه‌ها دامن زد.

پرداختنِ جدی به تاریخ، سر و کار داشتن با اسامی غریبی همچون «اونتاش ناپیریشا» و «خائِمِ واسِتِ مِرِنِ آمونِ نِجِرِ حقایونو» (!!)) را می‌طلبد، و این کاری است که بدون دانستن معنای نامها بسیار خسته کننده و دشوار می‌نماید. هنگامی که نتیجه‌ی این پژوهش را در قالب دوره‌های تاریخ فرهنگ گردآوری نمودم و تصمیم گرفتم در قالب مجموعه‌ای از کتابها صورتبندی‌شان کنم، در این فکر بودم که بر هر کتاب پیوستی کوچک اضافه کنم و معنای نامهای مربوط به آن دوره‌ی تاریخی را در آن شرح دهم. اما به زودی دغدغه‌ی پرسش دوم چنان گریبانگیرم شد که به طور جدی‌تر در بحث نامها وارد شدم و خود را با خزانه‌ای از داده‌ها روبرو دیدم که تجزیه کردنشان به پیوستهای کم‌رَمَق شایسته نمی‌نمود. پس تصمیم بر آن شد که این داده‌ها در قالب نام‌نامه‌ای با توضیح مختصر جمع‌بندی کنم.

مجموعه‌ی حاضر حدود سه هزار نام را در بر می‌گیرد. این نامها به تمام فرهنگهای اثرگذار در تاریخ، و نژادها و اقوام عمده تعلق دارند. بخش بزرگی از این نامها هم‌اکنون به اشکال مختلف کاربرد دارند و این امر نمایشگر یکی از وجوه نامها، یعنی محافظه‌کاری و پایداری عجیبشان در مسیر زمان است. بسیار مایل بودم در همین متن به بحثهای جدی‌تری درباره‌ی جامعه‌شناسی تاریخی نامها و الگوهای خاص نامگذاری بپردازم، اما تنگنای فضا و زمان چنین کاری را ممکن نساخت. پس ناگزیر، پرداختن به تحلیلی عمیقتر و پاسخگویی به پرسش دوم را به وقتی دیگر وا می‌گذارم، و پاسخ به پرسش ساده‌تر نخست را بسنده می‌دانم. چرا که بدون دستیابی به دانشی عام درباره‌ی معنای نامها، بحث درباره‌ی ماهیت و الگوهای تکاملشان دشوار است.

اسامی این مجموعه، از میان فهرستهایی بلند بالا و طولانی از اسمهای اقوام گوناگون برگزیده شده‌اند. در برخی از موارد -مثلا نامهای سرخپوستی- تنها به شخصیهایی با اهمیت تاریخی و شهرت نسبی اکتفا کرده‌ام، و در برخی دیگر -مانند نامهای چینی- ترجیح داده‌ام عناصر معنادار تشکیل دهنده‌ی اسمهای مرکب را فهرست کنم و فهم معنای ترکیبهای تاریخی آشنا تر را به خواننده

واگذار کنم. در مورد برخی از اقوام -مثلاً اورارتوهای باستان، لولوبی‌ها، بومیان استرالیا، و اسکیموها، اسناد و منابع چنان تُنک و کم‌مایه بود که ناگزیر اشاره به آنها را تا گردآوری داده‌هایی بیشتر به تعویق انداخته‌ام.

تعداد مراجع به کار گرفته شده برای تنظیم فهرست کنونی چنان زیاد و تناقضهای میان تفسیرهای گوناگون در مورد یک نام خاص در مواردی چنان زیاد بود که تنظیم کتابنامه و فهرست مراجع را بی‌فایده دیدم. تنها مراجع مهمی که به شکلی نظام‌یافته به معنای نامها پرداخته‌اند و برای استفاده‌کننده‌ی ایرانی قابل دستیابی هستند، بانک‌های داده‌ی موجود بر شبکه‌ی اینترنت هستند. مهمترین سایتهای سودمند در این زمینه عبارتند از www.behindthenames.com و www.genealogy.com لازم به تذکر است که بسیاری از این سایتهای به شکلی نه چندان مستند به بحث از معنای نامها پرداخته‌اند و به همین دلیل هم تفاوت آرا و اختلاف نظر در میانشان بسیار دیده می‌شود. در متن کنونی رویکرد زبانشناسی تاریخی را اصل گرفته‌ام و نامها را بر مبنای معنای ریشه‌شان در زبان مبدأ معنا کرده‌ام. در

مواردی هم که درباره‌ی معنای اسمی اختلاف نظر جدی و مستدل وجود داشت، تمام روایتها را گوشزد کرده‌ام.

در ذکر نامها، تلفظ اصلی آن در زبان مبدأ را اصل گرفته‌ام و با علایم سجاوندی این تلفظ را در حد امکان به پارسی بیان کرده‌ام، و املا‌ی استانده‌ی انگلیسی اسمهایی که در زبانهای اروپایی به شکلی رواج داشته‌اند را پس از نام در میان دو کمان () آورده‌ام. برای رعایت اختصار، زنانه یا مردانه بودن نامها را با علامت ♀ و ♂ نشان داده‌ام. بعد از آن زبان خاستگاه نام را در دوکمان به صورت کژدیسه نوشته‌ام و به دنبالش معنای نام را با حروف درشت و ریشه‌ی آن با حروف ریزتر آورده‌ام. در برخی موارد برای شناسایی اهمیت اسطوره‌شناختی یا تاریخی آن اسم، شرحی با حروف کژنویس در داخل علامت [] نگاشته شده است. همچنین هنگام اشاره به تبار و خانواده‌ی اسمها از ریزبینی پرهیز کرده‌ام و تمام زبانهای آریایی حوزه‌ی تمدن ایرانی را با برچسب پارسی، و مثلاً همه‌ی نامهای آمریکای پیشاکلمبی را با برچسب سرخپوست مشخص کرده‌ام. گذشته از چند نام که در سالهای اخیر یافتیم و به اصل این اثر افزودم، کلیت آن همان است که در سال 1380 نوشته شد و در 1382

قراردادی بستیم و انتظار چنین بود که نشر نی منتشرش کند، که به دلیل فضای
نامساعد آن روزها نکرد و کتاب ماند تا امروز که الکترونیکی منتشر می‌شود.

ا

آئولوس (♂ Aulus لاتین) صلح، از ریشه‌ی لاتین.

آئونگوس (♂ Aonghus آنگلوساکسون) قدرت یگانه، از ریشه‌ی اسکات

aon (یک) و ghus (قدرت).

آئیولوس (♂ Aiolos یونانی) تندرو، از ریشه‌ی یونانی باستان aiolos

(تندرو) [خدای باده‌ها].

آباس (♂ Abas یونانی) سوسمار [از پهلوانان تروایی در ایلیاد].

آبان (♀ پارسی) منسوب به آب، با ایزدباستانی آنها آپام نپات هم ریشه است
[صفت آناهیتا در اساطیر ایرانی].

آبتین (♂ پارسی) فرزند آب، آورنده‌ی روشنی، از ریشه‌ی اوستایی آئوئیه
(فرزند آب) که همتای واژه‌ی سانسکریتِ آپتیه (آورنده‌ی روشنی، صفت ابر)
است [پدر فریدون که به دست صحاک کشته شد].

آبدروس (♂ Abederus یونانی) پسرِ جنگ [اسم منطقه‌ای در یونان].
آبدون (♂ Abdon عبری) ابرِ داوری [ابری که قوم یهود را در بیابان
راهبری می‌کرد].

آبشالوم (♂ Abshalom عبری) پدرم صلح است، از ریشه‌ی عبری آب
(پدر) و شلوم (صلح).

آبیر (♂ Abner عبری) پدرم نور است، از ریشه‌ی عبری آب (پدر) و نیر
(نور).

آبیل (♂ Abiel عبری) پدرم خداست، از ریشه‌ی عبری آب (پدر) و ایل
(خدا).

آپریل ♂ April (آنگلوساکسون) گشاینده، از ریشه‌ی لاتین (aperire) گشودن) [نام یکی از ماه‌های اروپایی].

آپولو (♂ Apollo یونانی) مربوط به سیب (!)، نابودکننده، از ریشه‌ی یونانی باستان pol lum (سیب) [خدای خورشید و موسیقی].

آپیس (♂ Apis یونانی) مدتها پیش، از ریشه‌ی یونانی باستان .apis

آتا (♂ ترکی) پدر، موسس [آتاتورک = پدر ترکیه].

آتاراه (♂ Atarah عبری) خوشبخت، شاد.

آتاهامیتی اینشوشیناک (♂ ایلامی) اینشوشیناک پدری وفادار است، از ریشه‌ی ایلامی آتاهامیتی (پدر وفادار) و اینشوشیناک (خدای شوش) [شاه ایلام].

آتای (♂ ترکی) مشهور، معروف.

آترئوس (♂ Athreus یونانی) بی‌پروا، از ریشه‌ی یونانی باستان a (نه، پیشوند نفی) و qrew (ترسیدن، احتیاط کردن) [از پهلوانان آخانی].

آتروپوس (♂ Atropus یونانی) انعطاف‌ناپذیر، از ریشه‌ی یونانی باستان a (نه، پیشوند نفی) و tropeien (خم شدن، تغییر شکل دادن) [از پهلوانان ایلیاد].

اَتَسَز (♂ ترکی) بی نام یا لاغر، از ریشه‌ی ترکی آت (گوشت) یا آو (نام) و سیز (نه، فاقد) [از امیران خوارزمشاهی].

اَتَلاق (♂ ترکی) فهم، شعور.

اَتِلانت (Atlanta ♂ یونانی) نستوه، از ریشه‌ی یونانی باستان a (نه، پیشوند نفی) و tleih (خسته شدن) [نام قومی اساطیری].

اَتَلی (♂ ترکی) اسب سوار.

اَتِنا (♀ Athena یونانی) ملکه‌ی بهشت [ایزدبانوی خردمندی و صلح].

اَتوسا (♀ پارسی) دارنده‌ی پاهای زیبا، برساخته از بن اوستایی هو(نیک، زیبا) و

تَتوسَه (پا، ران) [همسر گشتاسپ و مادر اسفندیار در روایت زرتشتی]

اَتوم (Atum ♂ مصری باستان) کامل [خدای خورشید شامگاهی].

اَتیس (Atys ♂ یونانی) بدشانس [در اساطیر یونانی چوپانی که عاشق سیبل شد]..

اَتیلا (♂ ترکی) آهن [جهانگشای هون].

اَجار (♂ ترکی) قوی پنجه، کسی که با چنگ کندن چیزی [اسم قبیله‌ایست].

اَچیق (♂ ترکی) وسیع، گسترده.

آحاب (Ahab ♂ عبری) عمو، از ریشه‌ی عبری آهی (برادر) و آب (پدر)
[از شاهان یهودی].

آخْموسیه (Ahmose ♂ مصری باستان) ماه زاده شد، از ریشه‌ی مصری
باستان آح (ماه) و موسیه (نوزاد، زاییده شدن) [نخستین فرعون دودمان هژدهم].
آخان (Achan ♂ عبری) ترسناک، مهیب، از ریشه‌ی عبری آخار (ترسناک).
آخائئوس (Achaeus ♂ یونانی) عزادار، از ریشه‌ی یونانی باستان
acaia [جدِ اساطیری یونانیان/آخائی‌ها].

آخپرِکارِ (Akheperkare ♂ مصری باستان) روح رع پر عظمت است،
از ریشه‌ی مصری باستان آخپر (عظمت)، کا (روح) و رع [لقب توت‌موزیس اول
از فراعنه‌ی دودمان هژدهم].

آخپرِنِرع (Akheperenre ♂ مصری باستان) رع پر عظمت است، از
ریشه‌ی مصری باستان آخپر (عظمت) و رع [لقب توت‌موزیس دوم از فراعنه‌ی
دودمان هژدهم].

آخِپِروِرِع (♂ Akheperure مصری باستان) تجلیات رع پر عظمت هستند، از ریشه‌ی مصری باستان آخِپِر (عظمت) و رع [لقب آمن حوتپ دوم، از فراعنه‌ی دودمان هژدهم].

آخْشام (♂ ترکی) عصر، غروب.

آخِلوِئِیس (♀ Achelois یونانی) مهار کننده‌ی مرگ، از ریشه‌ی یونانی باستان aceien.

آخِن آتِن (♂ Akhenaten مصری باستان) خدمتگزار آتون، از ریشه‌ی مصری باستان آخِن (خدمتگزار) و آتون (خدای خورشید) [لقب آمن حوتپ چهارم، از فراعنه‌ی دودمان هژدهم].

آخیلوس (♂ Achillus یونانی) نام رودی در یونان، درد (؟)، برگرفته از taxelous نام رودی) یا از ریشه‌ی یونانی acos (درد) [پهلوان بزرگ آخائی در ایلیاد].

آدا (♀ پارسی) پاداش و جزای روز قیامت، پادافره، به معنای پاداش است [نام دیگر ایزدبانوی آشی در متون اوستایی است].

آدا (♂ ترکی) جزیره.

آداخ (♂ ترکی) نامزدی.

آدالیا Adalia (♂ عبری) یهوه عادل است، از ریشه‌ی عبری آدل (عادل) و ایل (خدا).

آدبورگا Eadburga ♀ آنگلو ساکسون) دژ ثروتمند، از ریشه‌ی انگلیسی باستان ead (ثروت) و burga (دژ، قلعه)

آدلاید Adelaide ♀ آنگلو ساکسون) شریف‌زاده، اصیل‌زاده، از ریشه‌ی ساکسونی adal (نجیب، شریف) و heid (نوع، رده) [زنِ اوتوی بزرگ در اساطیر آنگلو ساکسون].

آدلپرید Adelpyrd ♀ آنگلو ساکسون) قدرتِ اشرافی، از ریشه‌ی انگلیسی باستان Adel (اشرافی، نجیب) و pryrd (قدرت).

آدلرد Adelred ♂ آنگلو ساکسون) مشاور اشرافی، از ریشه‌ی انگلیسی باستان Adel (اشرافی، نجیب) و raed (مشاور) [نام دو تن از شاهان ساکسون در انگلستان].

آدلستان (♂ Adelstan انگلوساکسون) سنگِ سلطنتی، از ریشه‌ی انگلیسی باستان Adel (اشرافی، نجیب) و stan (سنگ) [از شاهان باستانی انگلستان].

آدلفرید (♂ Adelfrid انگلوساکسون) صلح اشرافی، از ریشه‌ی انگلیسی باستان Adel (اشرافی، نجیب) و frid (صلح).

آدم (Adam ♂ عبری) ساخته شده، یا سرخ، از ریشه‌ی آشوری آدامو (ساخته شده) یا واژه‌ی عبری آدام (سرخ).

آدولف (Adolph ♂ آلمانی) گرگ نجیب، از ریشه‌ی آلمانی aed (نجیب) و wolf (گرگ).

آدونیجاه (♂ Adonijah عبری) سرور من یهوه است، از ریشه‌ی عبری آدونی (سرورم) و جاه (یهوه).

آدونیس (♂ Adonis فنیقی) سرور ما، از ریشه‌ی آرامی آدو (ارباب) و پسوند نا (مال ما) [از خدایان کشاورزی سوریه].

آدیتی (♀ هندی) بی‌کرانه، بی‌پایان، در سانسکریت **अदिती** از دو بخشِ آ (نه) و دیتَه (تمام شدن) تشکیل یافته است [ایزدبانوی زاینده‌ی ایزدان بسیار در وداها]

آدیسا (♂ Adisa آفریقایی) کسی که روشن و شفاف است، از ریشه‌ی یوروبا [باقی مانده در نام آدیس‌آبابا]

آذر (♀ ♂ پارسی) آتش، از ریشه‌ی اوستایی **𐬰𐬀𐬭𐬀** (آثَرَه) و پهلوی آتور و آتخش [از ایزدان مهم ایرانی، پسر اهورامزدا].

آذرباد/آتورپات (♂ پارسی) نگهبان آتش، بر ساخته از آتور (آتش) و پات (پاییدن) در پارسی باستان [سردار هخامنشی که راه ورود اسکندر به ماد را سد کرد و نام خود را به آذربایجان داد]

آذرگُشَسپ/ آذرگشنسپ (♂ پارسی) آتشِ اسب، از ریشه‌ی پهلوی آتور (آتش)، گوشَن (نرینه) و آسپ (اسب) [سردار بزرگِ خسرو پرویز].

آریئا (♀ Areia یونانی) شبیه جنگ، از ریشه‌ی یونانی باستان **ares** [لقب آتنا].

آرابلا (♀) **Arabella** آنگلوساکسون) نیایشگران، از ریشه‌ی لاتین

arabellere (نیایش کردن).

آراتا (♂) **Arata** ژاپنی) تازگی.

آراچی (♂) ترکی) میانجی، واسطه.

آراز (♂) ترکی) رود ارس.

آرام (♂) **Aram** عبری) متعالی، از ریشه‌ی سامی باستان [جد آرامی‌ها].

آران (♂) ترکی) جلگه، زمین پست.

آرانتخا (♀) **Arantxa** باسک) بوته‌ی پر خار.

آرتائونِتس / آرتاوند (♂) پارسی) دارنده‌ی پارسایی، یونانی شده‌ی آرته

(پارسایی) و پسوند -وند [از مهندسان دوران داریوش بزرگ]

آرتابَرزن / ارته‌برزَنه (♂) پارسی) بلندای پارسایی، راستیِ تناور، بر ساخته از ارته

(پارسایی و راستی) و برزَنه (بلند و تناور) در پارسی باستان [پسر داریوش

بزرگ]

آرتاتَهَم / آرتَه تَحْمَه (♂ پارسی) نیروی پارسایی، کسی که به خاطر پرهیزگاری
زورمند شده، از ریشه‌ی پارسی باستان آرتَه (پارسایی) و تَهْمَه (زورمندی و
درشتی) [زرگری از کارمندان تخت جمشید]

آرتاخائِس / آرتَه خایَه (♂ پارسی) از نژاد پارسا، از تبار راستکاران، یونانی
شده‌ی نامی که در پارسی باستان از آرتَه (پارسایی) و خایَه (تبار، نژاد) تشکیل
شده [از مهندسان مشهور دوران داریوش بزرگ]

آرتاسوراس / آرتَه سورَه (♂ پارسی) قدرتِ پارسایی، بر ساخته از دو بخشِ آرتَه
(پارسایی) و سورَه (نیرومند) [شهربان ماد در عصر هخامنشی]

آرتاکام / آرتَه کامَه / آرتاکامِس (♂ پارسی) آرزومندِ راستی، دوستدار پرهیزگاری،
بر ساخته از آرتَه (راستی و پرهیزگاری) و کامَه (آرزو، میل) در پارسی باستان
[نام سردار فریگی کوروش بزرگ]

آرتام (♂ ترکی) برتری، ارزش.

آرتاواز / آرتاباسوس (♂ پارسی) نیکوکار، احتمالا همان آرتاورز است [شاه
ارمنستان در دوران سلوکی]

آرتاورز/ ارتَه‌وَرْدِیَه (♂ پارسى) نیکوکار، پارسا، بر ساخته از آرتَه (پارسایى) و

وَرْدِیَه (ورزیدن، انجام دادن) [سردار داریوش بزرگ]

آرتَمِیس (♀ Arthemys یونانى) سرچشمه‌ی برترِ آب [ایزدبانوی شکار].

آرتور (♂ Arthur سلت) مردِ خرس، از ریشه‌ی سلتی art (خرس) و

viros (مرد) [پادشاه افسانه‌ای انگلستان].

آرتِیق (♂ ترکی) زیاد، برتر، بالا.

آرخِلائوس (♂ Archelaus یونانى) فرمانروى مردمان، از ریشه‌ی

یونانى باستان arci (رهبر، برتر، رأس).

آرخِیاس (♂ Archias یونانى) برجسته، آشکار، از ریشه‌ی یونانى باستان

از ریشه‌ی یونانى باستان arci (رهبر، برتر، رأس).

آرخِیپِه (♀ Archippe یونانى) جادوگرِ مسلط، از ریشه‌ی یونانى باستان

arci (رهبر، برتر، رأس).

آردالوس (♂ Ardalus یونانى) کثیف.

آردِن (♂ Arden آنگلساکسون) دره‌ی عقاب، از ریشه‌ی انگلیسى باستان

arn (عقاب) و den (دره).

آرس (Ares ♂ یونانی) ویرانگر، از ریشه‌ی یونانی arh (ویرانی)
[خدای جنگ]

آرش (♂ پارسی) درخشنده، از ریشه‌ی اوستایی اِرِخشَه (درخشان) [پدر
منوچهر کیانی، در حماسه‌ی نبرد ایران و توران، کمانگیری است که مرز
دوکشور را با پرتاب تیری تعیین کرد].

آرشبالد (Archibald ♂ آنگلوساکسون) جسورِ بزرگ، از ریشه‌ی
یونانی باستانarci (برترین، بزرگترین)، و اسم ساکسونی bald (شجاع).
آرغیش (♂ ترکی) کاروان.

آرکل (Arkell ♂ آنگلوساکسون) کلاهخودِ عقاب، از ریشه‌ی نوردیک
باستان arn (عقاب) و kell (کلاهخود).

آرگئوس (Argeius ♂ یونانی) سفید شده، از ریشه‌ی یونانی باستان
argos (درخشش).

آرگوس (Argus ♂ یونانی) درخشان [argus از پادشاهان ایلید].

آرگونات (Argonauts ♂ یونانی) کشتی درخشان، از ریشه‌ی یونانی
argus (درخشش) و nautos (ناو، کشتی) [دریانوردانی که به جستجوی
پشم زرین با جیسون همراه شدند].

آرگیوپه (Argiope ♀ یونانی) سفیدرو، از ریشه‌ی یونانی باستان argus
(درخشان) و ioph (چهره) [مادر اروپا و زن شاه فنیقیه].

آرمان (♂ پارسی) آرزو، حیرت، امید، از ریشه‌ی پارسی [از سرداران
خسرو پرویز].

آرمنوس (♂ Aremenus یونانی) اتحاد.

آرنا (♀ Arnaea یونانی) میش.

آرناکیا (♀ Arnakia یونانی) پوست گوسفند.

آرنولد (♂ Arnold) آنگلو ساکسون) قدرت عقاب، از ریشه‌ی نوردیک
باستان arn (عقاب) و wald (قدرت).

آرنه (♀ Arene یونانی) شبیه مرد، مردانه [اسم شهری در بئوسی].

آروگان (♂ هندی) قهرمان، در زبان تامیلی அருகம் مترادفی است برای
مهاویره [بنیانگذار آیین جین]

آرونا (♀ Aruna هندی) غروب، از ریشه‌ی سانسکریت.

آرونداتی (♀ Arundhati هندی) نامحدود، نام ستاره‌ایست، از ریشه‌ی

سانسکریتِ آ (نه، پیشوند نفی) و روند‌هاتی (محدود) [زنِ واشیستا].

آروِیگ (♀ Arevig ارمنی) شبیه خورشید.

آریا (♀ Aria یونانی) بلوط، از ریشه‌ی یونانی باستان aria [معشوقه‌ی

آپولون].

آریادنه (♀ Ariadne یونانی) مقدس‌ترین، از ریشه‌ی یونانی باستان

ari (برترین، بیشترین) و adnh (تقدس) [دختر شاه کرت].

آریامن (♂ پارسی- هندی) دوستی با بیگانگان، مهمان‌نوازی [در وداها

अयमन् از ایزدان خورشیدی و در اوستا 𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎 نماینده‌ی

مهمان‌نوازی است]

آریستاگوراس (♂ Aristagoras یونانی) برگزیده‌ی بازار، از ریشه‌ی

یونانی باستان aristos (برگزیده) و agora (بازار، جای شلوغ) [شاه

میلتوس در قرن پنجم پ.م].

آریستایوس (♂ Aristaeus یونانی) بهترین، از ریشه یونانی باستان
arista (بهترین).

آریستوفانس (♂ Aristophanes یونانی) آراسته، دارای بهترین
ظاهر، از ریشه یونانی باستان aristos (بهترین، برگزیده) و fanhs
(ظاهر، سر و وضع) [درام نویس مشهور یونانی و نویسنده ی کمدی ابرها].

آریستوکلیس (♂ Aristocles یونانی) افتخارِ اشراف، از ریشه یونانی
باستان aristos (بهترین، برگزیده) و klha (افتخار) [نام اصلی افلاطون]
آریستومنیس (♂ Aristomenes یونانی) نیروی برگزیده، بهترین
قدرت، از ریشه یونانی باستان aristos (بهترین) و menes (قدرت)
[رهبر قیام مسنی ها بر ضد اسپارته ها در قرن هشتم پ.م].

آریستید (♂ Aristid یونانی) برگزیده، نخبه، از ریشه یونانی
باستان aristos (بهترین) [از افسران یونانی در نبرد سالامین].

آریسو (♀ Arisu ژاپنی) آلیس، شکل ژاپنی شده ی نامی اروپایی..

آریل (♂ Ariel عبری) شیرِ خدا، از ریشه ی عبری آری (شیر) و ایل
(خدا).

آریون (Arion یونانی) بومی ارجمند، از ریشه‌ی یونانی باستان **ari** (برترین، بیشترین) [اسبی بادپا که از آمیزش هادس و دمتر پدید آمد].

آژئوس (Azeus ♂ یونانی) خدمتگزارِ معبد، برگرفته از نام ژئوس. آژرمیدخت (♀ پارسی) دوشیزه‌ی همیشه جوان، از ریشه‌ی پهلوی آ (نه، پیشوند نفی)، زَرمه (پیر، شکسته) و دوخت (دختر، دوشیزه) [ملکه‌ای ساسانی].

آژمان (♂ ترکی) بزرگ، تنومند .

آژاکس (Ajax ♂ یونانی) نوحه‌خوان، مویه‌کنان، از ریشه‌ی یونانی باستان **aiastes** (نوحه خواندن) [از پهلوانان آخائی در ایلیاد].

آژیده‌اک / اژدها / ضحاک (♂ پارسی) اژدها، از ریشه‌ی پهلوی آژی (مار بزرگ)، ده و آک (عیب، نقص) به معنای ماری که ده نقص بزرگ را داراست [فرزند مرداس تازی که جمشید را نابود کرد و هزار سال بر ایران فرمان راند].

آسا (Asa ♂ عبری) پزشک، از ریشه‌ی عبری باستان.

آسپاسیا (Aspasia ♀ یونانی) کسی که خوش آمده، یا دارنده‌ی اسب (؟) [همسر پریکلس آتنی]

آستروپه (♂ Astrope یونانی) خورشید چهره، از ریشه‌ی یونانی باستان
Astros (اختر، ستاره) و ioph (چهره) [از پهلوانان آخائی در ایلپاد].
آستریتر (♀ Astrithr آنگلوساکسون) ایزد زیبا، از ریشه‌ی نوردیک
باستان as (خدا) و trithr (زیبارو).
آسترید (♂ Astrid آلمانی) خدای زیبا، از ریشه‌ی ساکسونی as (خدا)
و trid (زیبا).
آستریوس (♂ Asterius یونانی) آسمان پرستاره، از ریشه‌ی یونانی
باستان Astros (اختر، ستاره).
آستور (♂ Astor آنگلوساکسون) شاهین، از ریشه‌ی نوردیک باستان.
آستیوخوا (♂ Astiocha یونانی) صاحب شهر، کدخدا [از پهلوانان
ایلپاد].
آستیاغ (♂ Astyagus پارسی) نیزه‌انداز، شکل یونانی شده از
آرشتی‌ویگه که از دو بخش آرشتی (نیزه) و ویگه (پرت کردن) تشکیل شده
[آخرین شاه ماد]

آسِخْرِع (Aasehre ♂ مصری باستان) رع بزرگِ مجلس است، از ریشه‌ی مصری باستان آسِخ (بزرگِ مجلس) و رع [لقبِ نجسی، نخستین فرعون دودمان چهاردهم].

آسْدیس (Asdis ♂ آلمانی) خدا-ایزدبانو، از ریشه‌ی نوردیک باستانِ as (خدا) و dis (ایزدبانو).

آسْک (Asc ♂ آنگلو ساکسون) درخت زبان گنجشک، از ریشه‌ی ساکسونی.

آسْکالافوس (Ascalaphus ♂ یونانی) جغدِ گوش کوتاه [از پهلوانان آخائی در ایلپاد].

آسْکالوس (Ascalus ♂ یونانی) تا وقتی که.

آسْکَلِپیوس (Asclepius ♂ یونانی) همواره نجیب [پسر آپولون و خدای پزشکی].

آسِنَاث (Asenath ♂ عبری) او به پدرش تعلق دارد، از ریشه‌ی مصری [نام همسرِ مصری یوسف].

آسوپوس (♂ Asopius یونانی) خاموش نشدنی، از ریشه‌ی یونانی
باستان a (نه، هرگز) و sopi (خاموش).

آسیا (♂ Asia لاتین) شرق، از ریشه‌ی آشوری «آسو» (شرق) [اسم رومی
ایالتی واقع در آسیای صغیر].

آکویلا (♂ Aquilla لاتین) عقاب.

آسیه (♀ عربی) پزشک، غمگین [اسم زن فرعون و مادرخوانده‌ی حضرت
موسی].

آشتی (♂ پارسی) سازگاری و صلح و دوستی، از ریشه‌ی اوستایی آخشتی و
پهلوی آشت و آشتیه [نام ایزد صلح و آشتی در ایران باستان است].

آشیر (♂ Asher عبری) شادی.

آشور (♂ Ashur عبری) قطب زمین در ریشه‌ی سومری (آنشار)، یا سرور
در ریشه‌ی هند و ایرانی (آسوره) [ایزد بزرگ آشوریه‌ها].

آشور ایتل ایلانی (♂ آشوری) آشور قهرمان خدایان است، از ریشه‌ی آشوری
آشور (خدای بزرگ)، ایتل (قهرمان) و ایلانی (خدایان) [شاه آشور در
623 پ.م.].

آشور بانیپال (♂ آشوری) آشور تاج را بخشید، به آشوری: آشور بانی (بخشید) و اپلی (تاج) [شاه آشور در 668-627 پ.م].

آشور نصیرپال (♂ آشوری) آشور حافظ تاج من است، از ریشه‌ی آشوری آشور (خدای بزرگ آشوریان)، نصیر (حفاظت می‌کند) و اپلی (تاج) [نام چند تن از شاهان آشور].

آشوکا (♂ هندی) بی‌درد و غم، در شکل سانسکریت اش (अशोक) بر ساخته از آ (نه) و سوکه (غم، سوگ) [اولین شاه بودایی هند، قرن سوم پ.م].

آشیل / آخیلیس (Achilles ♂ یونانی) بدون لب، از ریشه‌ی یونانی باستان a (بدون) و cilles (لب) [از پهلوانان آخانی در نبرد تروا].

آغاجی (♂ ترکی) حاجب، پرده دار.

آغاوی (♀ Aghavi ارمنی) کبوتر.

آغداش (♂ ترکی) سنگ سفید، از ریشه‌ی ترکی آق (سفید) و تاش (سنگ) [آغداشلو: دارای سنگ سفید].

آغسال (♂ ترکی) مایل به سفید، از ریشه‌ی ترکی آق (سفید) و سال (شبهه).

آغوش (♂ ترکی) پرنده‌ی سپید، از ریشه‌ی ترکی آق (سفید) و قوش (نام پرنده‌ایست) [لقب غلامان ترک].

آفارئوس (Aphareus ♂ یونانی) بی‌لباس، برهنه، از ریشه‌ی یونانی باستان a (بدون) و farhs (لباس، جامه) [از پهلوانان آخائی در ایلپاد].
آفرودیت (♀ Aphrodite یونانی) فرزند کف دریا [ایزدبانوی عشق و باروری].

آق قویونلو (♂ ترکی) صاحب گوسفند سپید، از ریشه‌ی ترکی آق (سفید)، قویون (گوسفند) و لو (پسوند مالکیت) [قبیله‌ای ترک که پیش از صفویان حاکم بخشی از ایران بودند].

آق‌سُنُقُر (♂ ترکی) شاهین سپید، از ریشه‌ی ترکی آق (سفید) و سنقر (شاهین).

آکادموس (Academus ♂ یونانی) اهل محله‌ای ساکت [پهلوانی که خانه‌اش را برای تدریس در اختیار افلاتون گذاشت، نام آکادمی از او مشتق شده].

آکاستوس (♂ Acastus یونانی) ناپایدار، از ریشه‌ی یونانی باستان a
(نه) و casqos (پایدار، ثابت) [از پهلوانان ادیسه].

آکایوس (♂ Akakios یونانی) بی‌گناه، از ریشه‌ی یونانی باستان
a پیشوند نفی) و kakios پلیدی، گناه).

آکتایا (♀ Actaea یونانی) ساحلی، ساکن کنار دریا، از ریشه‌ی یونانی
باستان akta (ساحل).

آکتایون (♂ Actaeon یونانی) ساکن ساحل، از ریشه‌ی یونانی باستان
akta (ساحل) [برادر سمله که با جادوی آرتمیس به گوزنی تبدیل شد و به
دست سگهای شکاری اش کشته شد].

آکتور (♂ Actor یونانی) رهبر [پادشاه اوروکومن در ایلید].

آکتیس (♂ Actis یونانی) باریکه‌ی نور [اسم جزیره‌ای در یونان].

آکستس (♂ Acestes یونانی) بز شادمان.

آکمی (♀ Akemi ژاپنی) زیبای درخشان.

آکیننر (♂ Aqenenre مصری باستان) همچون روح رع، از ریشه‌ی
مصری باستان آکینه (روان) و رع [لقب آپی دوم، از فراعنه‌ی دودمان پانزدهم].

آکی (♀ Aki ژاپنی) پاییز.

آکیرا (♂ Akira ژاپنی) هوشمندی، بلوغ.

آکیکو (♀ Akiko ژاپنی) فرزند پاییز.

آکیو (♂ Akio ژاپنی) پسر درخشان.

آگاتا (♀ Agatha آنگلوساکسون) خوب، از ریشه یونانی باستان a (نه،

ضد) و gaqa (خرابی، فساد) [اسم کوچک نویسنده مشهور جنایی، آگاتا

کریستی].

آگاتانگِلوُس (♀ Agathangelos یونانی) فرشته ی خوب، از ریشه ی

یونانی باستان agaqaos (خوب) و angelos (فرشته).

آگاتیرُسوس (♂ Agathyrus یونانی) بسیار خشمگین، از ریشه ی

یونانی باستان aga (بسیار) و qursos (خشم) [از پهلوانان جنگ تروا].

آگاگلِس (♂ Agacles یونانی) بسیار ستوده شده، حمید، از ریشه ی

یونانی باستان aga (بسیار) و klh (ستودن) [پدر اپیژه، از پهلوانان ایلپاد].

آگاگ (♂ Agag عبری) جنگی.

آگاممنون (Agamemnon ♂ یونانی) بسیار با اراده، از ریشه‌ی یونانی
باستان aga (بسیار) و memnos (اراده) [رهبر ارتش آخائی در جنگ تروا].

آگرئوس (Agreus ♂ یونانی) وحشی، از ریشه‌ی یونانی باستان agre
(حمله کردن و خشونت به خرج دادن)

آگریوپه (Agriope ♀ یونانی) دارای چهره‌ی وحشی، از ریشه‌ی یونانی
باستان agre (حمله و خشونت) و iopa (چهره).

آگلایوس (Agelaus ♂ یونانی) چوپان [از پهلوانان جنگ تروا].

آگنس (Agnes ♀ آنگلوساکسون) بیگناهی، عصمت، از ریشه‌ی یونانی
باستان agnos به همین معنا.

آگنی (Agni ♂ هندی) آتش، در منابع ودایی **आग्ने**، به معنای شعله و
آتش (از ایزدان مهم ریگ ودا)

آگنیتاس (Agnitas ♂ یونانی) پاک کننده [از پهلوانان جنگ تروا].

آگوستوس (Augustus ♂ لاتین) بزرگ، از ریشه‌ی لاتین augere
(افزودن، زیاد کردن) [امپراتور بزرگ روم].

آگهارا (♂ هندی) بی‌باک، شجاع، بر ساخته از ریشه‌ی سانسکریت آ (نه) و

گُهاره (ترسیدن) [ایزد ودایی خرد و شجاعت]

آل (Al ♀ چینی) دوست داشتنی.

آل (Al ♀ ژاپنی) عشق.

آلاباش (♂ ترکی) سگ شکاری.

آلجا (♂ ترکی) رنگارنگ، ابلق.

آلاریک (Alaric ♂ آلمانی) قانونگذار اشرافی، کسی که برای همه

قانونگذاری می‌کند، از ریشه‌ی گُت al (همه) و aric (قانون) [رهبر اقوام

مهاجم ژرمن و فاتح رم].

آلاستور (Alastor ♂ یونانی) انتقامگیر، از ریشه‌ی یونانی باستان

alastei (انتقام گرفتن) [از پهلوانان جنگ تروا].

آلاقایی (♂ ترکی) دروازه‌ی بزرگ.

آلالکومینوس (Alalcomeneus ♂ یونانی) نگهبانِ قدرت [مربی

آتنا].

آلان/ آلن (Allen/Alan) ♂ آنگلو ساکسون) خوش چهره، برازنده، قلوه

سنگ، از ریشه‌ی برتون به همین معنا.

آلان (Alan) ♂ آنگلو ساکسون) سنگ.

آلب ارسلان (♂ ترکی) شیر قهرمان، از ریشه‌ی ترکی الپ (قهرمان) و ارسلان (شیر) [سلطان سلجوقی].

آلپ اصلان (♂ ترکی) شیر قهرمان، از ریشه‌ی ترکی الپ (قهرمان) و اصلان (شکل تحریف شده‌ی ارسلان = شیر).

آلپ تکین (♂ ترکی) شاهزاده‌ی قهرمان، از ریشه‌ی ترکی الپ (قهرمان) و تکین (شهباده) [از سرداران مملوک سامانی].

آلتای (♂ ترکی) جنگل مرتفع.

آلتس (Aletes) ♂ یونانی) خانه به دوش، سرگردان [نام سرزمینی در یونان].

آلتون (Alton) ♂ آنگلو ساکسون) ده کنار سرچشمه‌ی رودخانه، اسم خاصی از ریشه‌ی انگلیسی باستان.

آلتون تاش (♂ ترکی) سنگ طلا، از ریشه‌ی ترکی آلتین (طلا) و تاش (سنگ)
[نام حاجب سلطان محمود غزنوی].

آلتین (♂ ترکی) زر، طلا.

آلدن (Alden ♂ آنگلو ساکسون) دوست قدیمی، از ریشه‌ی انگلیسی
باستانی al (قدیمی، پیر [old]) و wyn (دوست).

آلدوس (Aldous ♂ آنگلو ساکسون) دوست قدیمی، شکل لاتینی شده‌ی
آلدن.

آلسیباید (Alcibiades ♂ یونانی) آلت نیرومند، ابزار قوی [سردار
آتنی].

آلسیوس / آکیوس (Alkaeus ♂ آنگلو ساکسون) توانمند، از ریشه‌ی
ساکسونی alk (قدرت) و aeus (پسوند نسبت)

آلفرد (Alfred ♂ آنگلو ساکسون) مشاور پریان، از ریشه‌ی ساکسونی
alf (جن، پری) و raed (مشاور).

آلفسیگر (Alfsigr ♀ آلمانی) پیروزی پریان، از ریشه‌ی نوردیک باستان
alf (جن، پری) و sigr (پیروزی).

آلفونس (Alfons ♂ انگلوساکسون) آماده‌ی نبرد، از ریشه‌ی
آنگلوساکسون adal (جنگ) و fons (آماده).

آلفیوس (Alpheius ♂ یونانی) سفید، از ریشه‌ی یونانی باستان
alba [نام رودی در آرکادیا].

آلقین (♂ ترکی) شجاع.

آلکازار (Alcazar ♂ اسپانیایی) کوتاه قد، یا قیصر، از ریشه‌ی عربی
القصر یا القیصر.

آلکسینوس (Alexinus ♂ یونانی) یاریگر، پاسدار، از ریشه‌ی یونانی
باستان alexos (یاور، مراقب) [از تزارهای روسیه].

آلکسیون (Alxion ♂ یونانی) بومی جنگجو، از ریشه‌ی یونانی باستان
alki (نیرومند).

آلکمایون (Alcmaeon ♂ یونانی) جستجوگر نیرومند، از ریشه‌ی یونانی
باستان alki (نیرومند) و maeon (جستجو).

آلکمینه (Alcmene ♀ یونانی) کسی که به کمک ماه نیرومند شده، از
ریشه‌ی یونانی باستان alki (نیرومند) [زن آمفیتریون و مادر هرکول].

آلکیمِدِس (Alcimedēs ♂ یونانی) آلتِ نیرومند، از ریشه‌ی یونانی باستان alki (نیرومند) و medos (ابزار، وسیله).

آلگار (Algar ♂ آنگلو ساکسون) نیزه‌ی پریان، از ریشه‌ی ساکسونی alf (جن، پری) و gar (نیزه).

آلگِرِنون (Algernon ♂ آنگلو ساکسون) سبیل، شکل ساده شده‌ی عبارت نورمَنی aux gernon (دارای سبیل).

آلما (Alma ♀ اسپانیایی) روح، یا پرستار، این عبارت در اسپانیایی روح و در لاتین پرستار معنا می‌دهد.

آلمِیرا (Almira ♀ اسپانیایی) امیر، سرور، از ریشه‌ی عربی «الأمیر».

آلوار (Alvar ♂ آنگلو ساکسون) لشکر پریان، از ریشه‌ی ساکسونی alf (جن، پری) و ahere (لشکر).

آلوارو (Alvaro ♂ آنگلو ساکسون) نگهبان همه، از ریشه‌ی آنگلو ساکسون al (همه) و waro (حفاظت کردن).

آلوپِکوس (Alopecus ♂ یونانی) روباه [یکی از دو برادری که با دیدن تندیس آرتَمیس دیوانه شدند].

آلون (♂ Allon عبری) بلوط.

آلوئیس (♂ Alvis آلمانی) خردمندِ کامل، از ریشه‌ی نوردیک باستانِ al
(همه) و vis (خرد) [کوتوله‌ای که دختر ثور را به زنی گرفت].

آلَوین (♂ Alvin آنگلوساکسون) دوست پریان، از ریشه‌ی ساکسونیِ
alf (جن، پری) و wyn (دوست).

آلیز (♂ ترکی) بیمار، ناخوش.

آلیسون/ آلیس (♀ Alison/ Alice گُل - فرانسه‌ی کهن) اشرافی.

آماِبِل (♀ Amabel آنگلوساکسون) دوست داشتنی، وام‌واژه از لاتین
amabilis از ریشه‌ی amora (عشق).

آمارانت (♀ Amarante یونانی) آشکار، برجسته، از ریشه‌ی یونانی باستان
a (پیشوند نفی) و maranteien (پنهان کردن).

آماریاه (♂ Amariah عبری) یهوه گفته، از ریشه‌ی عبری آمَری (امر
کرد) و جاه (یهوه).

آماریلیس (♀ Amaryllis آنگلوساکسون) جرقه زن، آتش افروز، از
ریشه‌ی یونانی باستانِ amarullis (جرقه زدن).

آمازون (♀ Amazon یونانی) زنِ ماه یا زنِ بی‌پستان، از ریشه‌ی یونانی باستان a (پیشوند نفی) و mastia (پستان) [قومی از زنانِ جنگجو].

آمالِئا (♀ Amalthea یونانی) نرم، لطیف، از ریشه‌ی یونانی باستان amalqa (نرم و لطیف) [اسم بزی که زئوس در کودکی از پستانش شیر خورد].

آمالیا (♀ Amalia آنگلوساکسون) کاری، فعال، از ریشه‌ی انگلیسی باستان aemalia به معنای کار.

آمایا (♀ Amaya ژاپنی) باران شبانه.

آمِبر (♂ Amber آنگلوساکسون) مُشک، از ریشه‌ی عربیِ عنبر.

آمِبروس (♂ Ambros آنگلوساکسون) نامیرا، جاویدان، از ریشه‌ی لاتین

ambrosias به همین معنا [یکی از قدیسه‌های مسیحی].

آمپارو (♂ Amparo اسپانیایی) سرپناه، محافظ.

آمِتیست (♀ Amethyst آنگلوساکسون) هشیار، از ریشه‌ی یونانی باستان

a (نه، ضد)، و meqiston (مستی) [اسم سنگی نیمه قیمتی].

آمفیتریون (Amphitryon ♂ یونانی) هجوم برنده به جلو و عقب، از ریشه‌ی یونانی باستان amfi (دوطرف، جفت) و truos (مهاجم) [پادشاه تیرنت که زئوس در قالب وی در آمد و همسرش را بارور کرد].

آمفیکتیون (Amphictyon ♂ یونانی) متصل کننده، متحد کننده، از ریشه‌ی یونانی باستان amfi (جفت، دو طرف) و ektuon (رابط، واسطه) [داماد کرانائوس و شاه آتن].

آمفی‌لوخوس (Amphilochus ♂ یونانی) کمینگاهی با دو روزنه، از ریشه‌ی یونانی باستان amfi (هر دو، جفت) و locus (روزنه، شکافی برای دیدن).

آمفیماروس (Amphimarus ♂ یونانی) کسی که می‌تواند با هر دو دستش شمشیر بزند، ذوالیمینین، از ریشه‌ی یونانی باستان amfi (جفت، هر دو) و marus (به کار گرفتن) [نام پهلوانی است].

آمفیون (Amphion ♂ یونانی) شهروند دو کشور، از ریشه‌ی یونانی باستان amfi (جفت، هر دو) و on (پسوند نسبت) [از پهلوانان آخائی در ایلپاد].

آمینِ حوتپ (Amenhotep ♂ مصری باستان) آرامشِ آمون، آمون از او راضی است، از ریشه‌ی مصری باستان آمین (نام خدایی است) و حوتپ (راضی بودن) [نام چهار تن از فراعنه‌ی دودمان هژدهم].

آمینمِ حِت (Amenemhet ♂ مصری باستان) آمون در سر است، از ریشه‌ی مصری باستان آمین (اسم خدایی است) إم (درون) و حِت (سر) [نام چند تن از فراعنه‌ی دودمان دوازدهم].

آمینِ مِیس (Amenmesses ♂ مصری باستان) آفریده‌ی آمون، از ریشه‌ی مصری باستان آمون (نام خدایی است) و مِسه (ساختن، زاییدن) [از فراعنه‌ی دودمان نوزدهم].

آمینمِ نیسو (Amenemnisu ♂ مصری باستان) آمون شاه است، از ریشه‌ی مصری باستان آمون و نیسو (شاه) [از فراعنه‌ی دودمان بیست و یکم].

آمینمِ پِه (Amenemupe ♂ مصری باستان) آمون در جشنواره‌ی اوپت، از ریشه‌ی مصری باستان آمون و اوپت (نام جشن بزرگی بوده) [از فراعنه‌ی دودمان بیست و یکم].

آمنه (♀ عربی) مطمئن، فاعل از ریشه‌ی امن [مادر حضرت محمد].

آموس (Amos ♂ عبری) حمل کننده، حامل، از ریشه‌ی عبری آمو **אמו**
(حمل کردن) [از نبی‌های یهودی].

آمون (Ammon ♂ یونانی) خاکی، شنی، از ریشه‌ی یونانی باستان **ammon**
(گوسفند).

آمون (Amon ♂ مصری باستان) پنهان، از ریشه‌ی مصری باستان [خدای
بزرگ خورشید].

آمیتیس (♀ پارسی) اندیشه‌ی نیک، **Αμυτις** یونانی و **Amytis** لاتین شکل
تحریف شده‌ی اسمی ایرانی است که در اوستایی به شکل هومیتی دیده می‌شود
و شکل پارسی باستان‌اش احتمالا اومتی (**—Umati***) بوده است. از دو بخش
هو (نیک) و میتی / متی (اندیشه) ساخته شده است [دختر ارشتی‌ویگه آخرین
شاه ماد و همسر کوروش بزرگ]

آمیل (Ammiel ♂ عبری) خدا خویشاوند من است، از ریشه‌ی عبری آم
(خویشاوند) و ایل (خدا).

آن (Anne ♀ عبری) مادر مقدس، از ریشه‌ی عبری "هائه" (زن مقدس).

آن (An ♂ ♀ چینی) آرامش، صلح.

آنا (♂ ترکی) مادر.

آناتولیا/ آناتول (♂/♀ Anatol /Anatolia یونانی) افقِ خاور، مشرق، از ریشه‌ی یونانی باستان ana (به سوی بالا) و tolia (آفتاب) [نام منطقه‌ی آسیای صغیر].

آناستازیا (♀ Anastasia یونانی) رستاخیز، از ریشه‌ی یونانی ana (به سوی بالا) و stasia (ایستادن) [دختر آخرین تزار روسیه].

آناکس (♂ Anax یونانی) شاه، از ریشه‌ی یونانی باستان anaxos [از پهلوانان نبرد تروا].

آناکساگوراس (♂ Anaxagoras یونانی) شاهِ بازارها و محل‌های شلوغ (صفتِ استاد سخنوری)، از ریشه‌ی یونانی باستان anaxos (شاه، حاکم) و agora (بازار) [از فلاسفه‌ی یونانی].

آناندا (♂ هندی) شادمانی و لذت [شاگرد و مرید بودا]
آناهیتا (♀ پارسی) بی‌آلایش، پاکیزه، از ریشه‌ی اوستاییِ آنا (نه، پیشوند نفی) و هیته (آلودگی، آلایش) [ایزدبانوی آب و باروری در ایران باستان].

آناهید (♀ Anahid پارسی/ ارمنی) ناهید.

آنتاگوراس (Antagoras ♂ یونانی) کسی که رویاروی بازار می ایستد،
 از ریشه ی یونانی باستان anti (رویارو، مقابل) و agora (بازار).
 آنتایوس (Antaeus ♂ یونانی) ستوده شده در دعاها.
 آنتونیوس / آنتونی (Anthony ♂ لاتین) گل، از ریشه ی یونانی باستان
 anqos (گل) [سردار رومی و شوهر کلئوپاترا].
 آنته آ (Anthea ♀ یونانی) نوعی گل.
 آنتیبیا (Antibia ♀ یونانی) قدرت پیشاروی، از ریشه ی یونانی باستان
 anti (رویارو، مقابل) [از پهلوانان ایلید].
 آنتیفاس (Antiphas ♂ یونانی) کسی که از جانب دیگری سخن
 می گوید، از ریشه ی یونانی باستان anti (رویارو، مقابل) و fasia (سخن
 گفتن) [از پهلوانان تروا در ایلید].
 آنتیگونه (Antigone ♀ یونانی) به جای مادر، از ریشه ی یونانی باستان
 anti (رویاروی، به جای) و gunh (زاینده، مادر) [دختر آگاممنون].
 آنتیلوخوس (Antilochus ♂ یونانی) کمین گر، از ریشه ی یونانی
 باستان anti (مقابل، رویارو) و locus (جنگ).

آنتیوپه (Antiope ♀ یونانی) کسی که در نظر است، مورد توجه، از ریشه‌ی یونانی باستان anti (رویارو، روبرو) و ioph (چهره، صورت) [زن تزئوس و مادر هیپولیت].

آنتیوخوس (Antiochus ♂ یونانی) ضد راننده، کسی که با راننده‌ی گردونه می‌جنگد، از ریشه‌ی یونانی باستان anti (رویارو، ضد) و ocus (راننده، اربه‌ران) [از سرداران مقدونی].

آنِجیب (Anedjib ♂ مصری باستان) قلبش ایمن است، از ریشه‌ی مصری باستان [از فراعنه‌ی دودمان نخست].

آنخ‌خِپورِرع (Ankhkheperure ♂ مصری باستان) زندگی از تجلیات رع است، از ریشه‌ی مصری باستان آنخ (حیات)، خِپر (ظهور) و رع [لقب سمنخ‌کارع، از فراعنه‌ی دودمان هژدهم].

آندراستِه (Andraste ♀ سلت) شکست‌ناپذیر [ایزدبانوی پیروزی].

آندروکِلِئا (Androclea ♀ یونانی) افتخار مردان، از ریشه‌ی یونانی باستان Andros (مرد) و klea (افتخار).

آندروگئوس (Androgeus ♂ یونانی) مرد زمینی، از ریشه‌ی یونانی
باستان Andros (مرد) و gha (زمین).

آندروماخه (Andromache ♀ یونانی) نبرد مردان، از ریشه‌ی یونانی
باستان Andros (مرد) و macos (نبرد) [دختر اثتیون، زن هکتور از
دلاوران تروا].

آندرومدا (Andromeda ♀ یونانی) حاکم بر مردان، از ریشه‌ی یونانی
باستان Andros (مرد) و meda (فرمان راندن) [زنی افسانه‌ای که به دست
پرسئوس از چنگ ازدهایی نجات یافت].

آندرونیکوس (Andronicos ♂ یونانی) پیروزیِ مردانه، از ریشه‌ی
یونانی باستان Andros (مرد) و nikh (پیروزی)

آندره / آندرئاس / اندرو (Andreas / Andre ♂ یونانی) مرد.

آنسِلِم (Anselm ♂ آلمانی) کلاهخود خدا، از ریشه‌ی آلمانی باستان
ans (خدا) و elm (کلاهخود) [فیلسوف و متأله بزرگ انگلیسی].

آنگوس (Angus ♂ آنگلساکسون) انتخاب، گزینه.

آنگیتیا (♀ Angitia یونانی) الهه‌ی مار، از ریشه‌ی یونانی باستان

anguia (مار).

آنمون (♀ Anemon آنگلوساکسون) شقایق، از ریشه‌ی یونانی باستان

anemonh (باد).

آنوبیس (♂ Anubis مصری باستان) شاهزاده، توله سگ، از ریشه‌ی

مصری باستان آن (سلطنت) و پو (بچه، توله) [خدای راهنمای مردگان].

آنوش (♀ Anush ارمنی) شیرین.

آنوکت (♀ Anuket مصری باستان) در آغوش کشیدن، از ریشه‌ی مصری

باستان [ایزدبانوی شهوت].

آنون (♂ Anon عبری) ابر.

آنیک (♀ Annick آلمانی) همان «آن» است.

آوان (♂ ترکی) دشمن، بی اعتنا.

آوسید (♂ Avesid ارمنی) خبر خوب.

آوفه (♀ Aoife سلت) زیبا، از ریشه‌ی گل aoibh (زیبا) [ملکه‌ای که از

کوکولان شکست خورد و با او ازدواج کرد].

آهتاهاکوپ (Ahtahkakoop ♂ سرخپوستی) روپوشِ ستارگان، به زبان کری [رئیس قبیله‌ی کری در قرن نوزدهم].

آی ایتِنِجِر (♂ Ay - Itnetjer مصری باستان) آی، پدر خدایان است، از ریشه‌ی مصری باستان آی (اسم خدایی است)، ایت (پدر) و نِجِر (خدایان) [از فراغنه‌ی دودمان هژدهم].

آی تیمور (♂ ترکی) آهن-ماه، از ریشه‌ی ترکی آی (ماه) و تیمور (آهن) [شاهی از دودمان سربداران 744-746 ه.ق.].

آیا (♀ Aya ژاپنی) رشته‌ی ابریشم.

آیاز (♂ ترکی) مهتابی، آسمان شبانه‌ی بی‌ابر [نام غلام مشهور سلطان محمود غزنوی].

آیاق (♂ ترکی) قدح، پیمانه.

آیبک (♂ ترکی) سرورِ ماه، از ریشه‌ی ترکی آی (ماه) و بیک (ارباب، سرور) [از ممالیک مصر].

آیتک (♀ ترکی) مهوش، همچون ماه.

آی‌تَکین (♂ ترکی) همچون ماه، ارزشمند.

آیتور (Aitor ♂ باسک) خوب.

آیتیولاس (Aethiolas ♂ یونانی) نابود کننده با آتش [از پهلوانان جنگ تروا].

آیخان (♂ ترکی) شاه ماه، از ریشه‌ی ترکی آی (ماه) و خان (ارباب، شاه) [پسر اوغوزخان مغول].

آیدا (♂ ترکی) در ماه.

آیدان (Aidan ♂ آنگلوساکسون) آتش.

آیدین (♂ ترکی) روشن و آشکار.

آیریم (♂ ترکی) محل انشعاب جاده‌ها.

آیلوپوس (Aellopus ♂ یونانی) گامهای توفانی، از ریشه‌ی یونانی باستان aellos (توفان) و pus (پا).

آیلیل (Ailil ♂ سلت) جن، پری، از ریشه‌ی سلتی [شوهر ملکه مایب].

آینتزاره (Aintzare ♀ باسک) پرافتخار

آییق (♂ ترکی) بیدار.

۱

اِئا (♂ سومری) خانه‌ی آبها، از ریشه‌ی سومری اِ (خانه، معبد) و آ (آب)
[خدای آبهای جاری].

اِئانااتوم (♂ سومری) شایسته‌ی معبد ائا، از ریشه‌ی سومری اِئا (خدای آبها) و
نااتوم (شایسته) [شاه لاگاش در میانه‌ی هزاره‌ی سوم پ.م.].

اِئوس (♀ Eos یونانی) غروب، از ریشه‌ی یونانی باستان eos سحرگاه
[برادر هلیوس و سلنه و نوه‌ی اورانوس].

اِبتهاج (♀ عربی) شادمانی، اسم هم ریشه‌ی بهجت.

آبدِنِگو (Abednego ♂ عبری) بنده‌ی نبو، از ریشه‌ی بابلی عَبد (بنده) و

نبو (نام خدایی بابلی)

آبرام (Abram ♂ عبری) پدرِ بلندی‌ها، از ریشه‌ی عبری آب (پدر) و رام

(اتفاع).

ابراهیم (Ibrahim ♂ عبری) پدر همگان، از ریشه‌ی عبری آب (پدر) و

هَمون (همه، خیلی) [جدِ بزرگ اقوام سامی].

ابلیس (♂ عربی) ناامید (از ریشه‌ی ایلاس و یئیس: ناامید شدن)، یا خداوند

(از شکل یونانی شده‌ی diabolis : خدا) [لقب شیطان].

ابنِزِر (Ebenezer ♂ عبری) سنگِ یاری‌گر، از ریشه‌ی عبری اب

(سنگ) و نزر (یاری کردن).

ابوبکر (♂ عربی) پدر تازگی، از ریشه‌ی بکر [خلیفه‌ی دوم].

ابوتراب (♂ عربی) پدر خاک، از ریشه‌ی تراب (خاک).

ابوذَر (♂ عربی) پدر مورچگان، از ریشه‌ی آب (پدر) و ذَر (مورچه) [از

صحابه].

ابونصر (♂ عربی) پدر پیروزی، از ریشه‌ی نصر (پیروزی) [ابونصر فارابی:
دانشمند ایرانی].

آبیتال (Abital ♀ عبری) پدرم شبنم شبانه است، از ریشه‌ی عبری آب
(پدر) و تالو (شبنم).

آبیجاه (Abijan ♂ عبری) پدرم یهوه است، از ریشه‌ی عبری آبی (پدرم)
و جاه/ یاه (یهوه).

آبیدان (Abidan ♂ عبری) پدرم قاضی است، از ریشه‌ی عبری آبی
(پدرم) و دان (قاضی).

آبیرام (Abiram ♂ عبری) پدرم متعالی است، از ریشه‌ی عبری آبی
(پدرم) و رام (بلند، مرتفع).

آبیشال (Abishal ♂ عبری) پدرم هدیه است، از ریشه‌ی عبری آبی
(پدرم) و شام (هدیه).

آبیگیل (Abigail ♀ عبری) پدرم خوشحال است، از ریشه‌ی عبری آبی
(پدرم) و گیل (خوشحال).

ابی‌مَلَش / ابی‌ملک (Abimalash ♂ عبری) پدر شاه، از ریشه‌ی عبری
 آب (پدر) و مَلَش (شاه، ملک) [از شاهان کنعانی].

آبیهو (Abihu ♂ عبری) او پدرم است، از ریشه‌ی عبری آبی (پدرم) و هو
 (او).

آپوش (♂ پارسی) پوشاننده، از ریشه‌ی پارسی پوش (پنهان کردن) [نام دیو
 خشکسالی در اوستا که آنها را پنهان می‌کند].

ایپونا (♀ Epona سلت) بانوی اسب، از ریشه‌ی سلتی epo اسب
 [ایزدبانوی حامی اسبها و سوارکاران].

ایپی‌تیمبریا (♀ Epitymbria یونانی) مربوط به مقبره، از ریشه‌ی یونانی
 باستان epi (روی) و tumbria (مقبره، سرداب).

ایپیکتتوس (Epiktetos ♂ یونانی) تازه به دست آمده [از حکمای
 بزرگ رومی].

ایمیتئوس (Epimetheos ♂ یونانی) نزدیک‌بین، پس‌آگاه، کسی که بعد
 از وقوع از رخدادها خبردار می‌شود، از ریشه‌ی یونانی باستان epi (روی، بعد)
 و mhq (دیدن) [از تیتان‌ها، برادر پرومته]

اتابک (♂ ترکی) پدر بزرگ، از ریشه‌ی ترکی آتا (پدر) و بیک (ارباب، سرور)
[از خاندان‌های حاکم بر فارس].

آتان (Athan ♂ عبری) محکم، مقاوم.

آتراهیس (♂ سومری) بسیار عاقل، از ریشه‌ی سومری [لقب نوح در اساطیر
سومری].

اِتل (Ethel ♂ آلمانی) اشرافی.

اِتلِغ (♂ ترکی) سوار دلاور.

اِتلیندا (♀ Ethelinda آنگلو ساکسون) مار نجیب، از ریشه‌ی ساکسون

aedel (مار) و linda (نجیب)

اِتین (♀ Etain سلت) حسود؟، از ریشه‌ی ایرلندی باستان et (حسادت)
[ایزدبانوی خورشید].

اِثیر (♂ عربی) درخشنده (صفت شمشیر)، اسم فاعل از ریشه‌ی اِثر [ابن اِثیر،
مورخ عرب].

اِحود / ایهود (Ehud ♂ عبری) قوی.

إِخْدِمُوس (Echedemus ♂ یونانی) حافظ مردم، از ریشه‌ی یونانی
باستان ecos (نگهبان) و demos (مردم).

إِخْفِرُون (Echephron ♂ یونانی) هوشمند، از ریشه‌ی یونانی باستان
إِخِیون (Echion ♂ یونانی) افعی نر، از ریشه‌ی یونانی باستان ecion
(افعی نر).

ادگار (Edgar ♂ آنگلساکسون) نیزه‌ی مقدس، از ریشه‌ی ساکسونی
aed (مقدس) و gar (نیزه).

ادموند (Edmund ♂ آنگلساکسون) حافظ/خانه‌ی مقدس، از ریشه‌ی
ساکسونی aed (مقدس) و mund (جهان، خانه).

ادوارد (Edward ♂ آنگلساکسون) نگهبان مقدس، از ریشه‌ی ساکسونی
aed (مقدس) و ward (نگهبان).

إِدورِنه (Edurne ♀) باسک برف.

إِدوم (Edom ♂ عبری) سرخ [از اقوام فلسطینی].

ادوین (Edwin ♂ آنگلساکسون) دوست مقدس، از ریشه‌ی ساکسونی
aed (مقدس) و win (دوست).

ادهم (♂ عربی) سیاه، صاحب اسب سیاه، اسم خاص [شاعری از عصر اموی و لقب ابراهیم ادهم صوفی].

ادیتا/ آیدا (♀ Editha/ Ida) آنگلو ساکسون) جنگ مقدس، از ریشه ی ساکسونی aed (مقدس) و aitha (جنگ).

اراتو (♀ Erato) یونانی) عشق، محبت، از ریشه ی یونانی eratw (عشق) [ایزدبانوی مرثیه و شعر غنایی، از موزها].

اراسموس (♂ Erasmus) لاتین) دوست داشتنی، از ریشه ی یونانی eran (دوست داشتن) [قدیس مسیحی قرن سوم و کیمیاگر عصر رنسانس].

ارتستون/ ارته ستونه / ایرتشتونه (♀ پارسی) ستون پرهیزگاری، بر ساخته از ارته (پرهیزگاری، راستی) و ستونه (ستون) در پارسی باستان [دختر کوروش بزرگ] ارّجاسپ (♂ پارسی) دارای اسبان ارزشمند، از ریشه ی اوستایی ارّجَه (ارج، ارزش) و اسپَه (اسب) [فرزند تور، شاه توران].

ارحوبوم (Erhobum ♂ عبری) آزاد کننده ی مردم.

آردشیر (♂ پارسی) پادشاه مقدس، از ریشه ی پارسی باستان آَرْتَه (مقدس) و خَشْتِيَه (پادشاهی) [فرزند بیژن در شاهنامه، بنیانگذار دودمان ساسانی].

آردَم (♂ ترکی) فضیلت، کار یا هنرِ خوب.

آردوان/ آرتابانوس (♂ پارسی) یاریگرِ راستی و پاکی، از ریشه‌ی پهلوی آرته (پاکی، تقدس) و پان (یاری‌رسان، نگهدار) [از شاهان اشکانی].

اردیبهشت (♂ پارسی) بهترین پارسایی، بر ساخته از ریشه‌ی اوستایی آرته (راستی، پارسایی) و وهیشته (بهترین) [نام یکی از فرشتگان زرتشتی].

آرژنگ/ آرجنگ، آرتنگ (♂ پارسی) ارزشمند، پراج، از ریشه‌ی پارتی آرئنگ (پراج)، که خود احتمالا از ریشه‌ی آرجنامَه مشتق شده [نام کتاب مانی پیامبر].

ارسطو/ اسطاطالیس (Aristotelos ♂ یونانی) دارای عالی‌ترین اهداف، از ریشه‌ی یونانی باستان aristos (اشرافی، بلند مرتبه) و telos (غایت، هدف) [فیلسوف بزرگ یونانی].

ارسلان (♂ ترکی) شیر [از شاهان سلجوقی].

آرشتاد (♀ پارسی) راستی و درستی، از ریشه‌ی اوستایی [نام ایزدبانوی راستی و درستی در دین زرتشتی].

ارشمیدس (Archimedes ♂ یونانی) استادِ اندیشه، از ریشه‌ی یونانی
باستان arxi (استاد، شاه) و medhs (اندیشه) [ریاضیدان و مهندس بزرگ
یونانی].

ارفخشَد (Arfakhshad ♂ عبری) رها کننده.

ارمغان (ترکی) پیشکش، هدیه، از ریشه‌ی ترکی یرمغان (هدیه دادن).

ارنست (Ernest ♂ آلمانی) جدی.

اَرَنَواز (♀ پارسی) آنکه سخنش رحمت می‌آورد، از ریشه‌ی اوستایی اَرَنَه
سزاور، شایسته) و واچَه «سدر» (واژه، سخن) [دختر جمشید].

اروند/ اورونتِس (♂) نیرومند و تیزرو [شهربان ارمنستان در دوران اردشیر اول]

اَریس (Eris ♂ یونانی) ستیزه، انتقام، از ریشه‌ی یونانی باستان hris
[کینه، انتقام] کسی که با انداختن سیب طلایی برای زیباترین زن، بین سه

ایزدبانو باعث مشاجره‌شان شد].

اَریک (Eric ♂ آلمانی) همیشه حاکم.

اَریِن (Erin ♂ آنگلساکسون) ایرلندی، از ریشه‌ی سلتی Er.

ایرینیس (Erinyes ♂ یونانی) روح انتقامجو، از ریشه‌ی hris (کینه،

انتقام) و nuos (روان، روح) [الهه‌های انتقام].

اِزْتَب (Eztebe ♂ باسک) شکل تغییر یافته‌ی استفان.

اِزرا (Ezra ♀ عبری) کمک و یاری، از ریشه‌ی عبری عزר אֵזֶר (کمک کردن).

ازهار (♀ عربی) گلها، اسم جمع از ریشه‌ی زهر (گل).

اُستاد (♂ پارسی) راهبر، راهنما، از ریشه‌ی پهلوی اُشتاد [دلاوری در سپاه خسرو پرویز، نام فرشته‌ی نگهبان روز بیست و ششم ماه].

استالین (Stalin ♂ اسلاو) پولادین، وامی از ریشه‌ی آنگلو ساکسون stal (فولاد) [دیکتاتور شوروی].

استانلی (Stanley ♂ آنگلو ساکسون) دشت سنگ، از ریشه‌ی انگلیسی stan (باستان stan (سنگ) و ley (دشت).

استانیمیر (Stanimir ♂ بلغاری) دوستدار صلح، از ریشه‌ی بلغاری stan (دوستدار) و mir (صلح، آرامش).

استر (♀ Ester عبری) ستاره، از ریشه‌ی پارسی ستاره [زنِ عبرانی خشیارشا].

استریبوغ (♂ Stribog اسلاو) خدای وزیدن، از ریشه‌ی اسلاو باستان stri (وزنده) و bog (خدا، بغ) [خدای بادها].

استفان (Stephan ♂ یونانی) تاج.

استوارت (Stewart ♂ آلمانی) نگهدارنده، محافظ، از ریشه‌ی ساکسونی ste (پایدار) و ward (نگهبان).

استیگاندر (Stigandr ♂ آلمانی) سرگردان.

اسحاق (♂ عربی) بلند، از ریشه‌ی عربی سحق (بلندی)، یا خندان از ریشه‌ی عبری [فرزند حضرت ابراهیم].

اسحاق (Isaac ♂ عبری) خندان، از ریشه‌ی عبری سحق שחַק (خندیدن) [پسر ابراهیم].

اسدالله (♂ عربی) شیر خدا [لقب حضرت علی].

اسرائیل (Israel ♂ عبری) کسی که با خدا کشتی گرفت، از ریشه‌ی عبری ایسر יִסְר (کشتی گرفتن) و ایل יָל (خدا) [لقب یعقوب].

آسَرخَدون (♂ آشوری) آشور تاج را عطا کرد، از ریشه‌ی آشوری آشیر
 (آشور)، اپلی (تاج) و ایدین (عطا کرد) [شاه آشور در 680-668 پ.م].

اسعد (♂ عربی) خوشایندترین، مبارک‌ترین، صفت برتر از ریشه‌ی سعد
 (خوشبختی).

اسفندیار (♂ پارسی) آفریده‌ی مقدس، از ریشه‌ی اوستایی سَپنتَه (مقدس) و
 داتَه (آفریده، داده شده) [پهلوان رویین تن ایرانی و پسر گشتاسپ].

اُسکار (Oscar ♂ آنگلساکسون) نیزه‌ی خدا، از ریشه‌ی ساکسونی as
 (خدا) و gar (نیزه).

اسکندر (Alexander ♂ یونانی) حافظِ مردم، از ریشه‌ی یونانی باستان
 alexis (نگهبان، پشتیبان) و andrha (مردان) [جهانگشای مشهور].

اسکوتیا (Scutia ♂ یونانی) تاریکی، از ریشه‌ی یونانی باستان
 skutia (تاریکی، ظلمت).

اِسکولاپیوس (Aesculapius ♂ یونانی) آویخته از بلوط بلند، از
 ریشه‌ی یونانی باستان aescus (بلوط و lapei [آویختن] خدای پزشکی
 و درمان].

اسماعیل (Ismael ♂ عبری) خدا می‌شنود، از ریشه‌ی عبری سمع

שמע (شنیدن) و ایل יל (خدا) [پسر ابراهیم].

اسوابوگ (Svabog ♂ اسلاو) خدای خورشید، از ریشه‌ی اسلاو باستان

sva (خورشید) و bog (خدا، بغ) [خدای خورشید].

اسوتلانا (Svetlana ♂ بلغاری) نور، از ریشه‌ی بلغاری svet (نور).

آشتون (Ashton ♂ آنگلوساکسون) شهر درخت زبان گنجشک، از

ریشه‌ی انگلیسی باستان ash (درخت زبان گنجشک) و ton (شهر).

اشرف (♂ عربی) شریف‌ترین، صفت تفضیلی از ریشه‌ی شرف [ریس ایل

غلزایی از افغانستان و فاتح ایران].

اشکان (♂ پارسی) منسوب به ارشک [لقب پادشاهان سلسله‌ی اشکانی].

اشکناز (Ashkenaz ♂ عبری) آتش گسترده [پسر گومر].

آشمون هانو (Ashmunhanu ♂ فنیقی) اشمون لطف کرد.

آشمونیاتون (Ashmuniaton ♂ فنیقی) هدیه‌ی اشمون، از ریشه‌ی

افنیقی اشمون (اسم خدایی) و عاطون (عطا کرد).

اصغر (♂ عربی) کوچک‌ترین، صفت عالی از ریشه‌ی صغر.

اصهب (♂ عربی) موی سرخ و سفید، صفت شیر.

اطلس (Atlas ♂ یونانی) تحمل‌ناپذیر، یا نستوه، از ریشه‌ی یونانی
باستان a (نه/نا)، و tlaseien (تحمل کردن) [غولی که جهان را بر پشتش
نگه می‌داشت]

اغریرث (♂ پارسی) دارنده‌ی ارابه‌ی تندرو، از ریشه‌ی اوستایی اَغرَه (پیش
رونده) و رَثَه (ارابه) [برادر افراسیاب].

افرائیم (Ephraim ♂ عبری) بسیار بارور.

افراسیاب (♂ پارسی) هراس‌آور، از ریشه‌ی اوستایی فُرَنگَرَسین (ترسناک؟)
[شاه توران، نام خدای ملی تورانی‌ها].

افشار (♂ ترکی) شکارچی چابک، از ریشه‌ی ترکی آو یا آف (شکار) و شار یا
چار (چابک) [نام قبیله‌ی نادرشاه].

افشین (♂ پارسی) جنگجو، لقب امیران منطقه‌ی سغد و خوارزم [سرداری
ایرانی که بابک خرم‌دین را شکست داد].

افلاطون (Plato ♂ یونانی) درشت، تنومند، از ریشه‌ی یونانی Πλάτων
(پهن و درشت و زمخت) [فیلسوف بزرگ یونانی]

اکبر (♂ عربی) بزرگترین، صفت عالی از ریشه‌ی کبر.

اکرم (♂ عربی) بزرگوارترین، صفت عالی از ریشه‌ی کرم [لقب حضرت محمد].

اکلم‌دوگ (♂ سومری) پسر خوب شرق، از ریشه‌ی سومری ا (پسر)، کل‌مد (شرق) و دوگ (خوب) [شاه اور].

اَکوان / اکومَن (♂ پارسی) بد اندیش، دشمن، از ریشه‌ی پهلوی آک (پلید) و مَنه (منش، اندیشه) [دیوی که هم‌آورد بهمن -از امشاسپندان- است].

اکیڈنه / اخیڈنه (♀ Echidne یونانی) افعی ماده، از ریشه‌ی یونانی باستان ecidnh (افعی ماده) [همسر تیغون و زاینده‌ی دیوهای مهیب].

اِگئون / اِژئون (♂ Aegaeon یونانی) همچون بز، از ریشه‌ی یونانی باستان aegus (بز) [جد افسانه‌ای مردم اژه‌ای، نام دریای اژه از اسم او مشتق شده].

الافیوس (♀ Elaphios یونانی) شبیه به گوزن، از ریشه‌ی یونانی باستان elafa (گوزن).

البرز (♂ پارسی) هرای بزرگ، هرای سربلند، از ریشه‌ی پهلوی هرا (نام خدایی باستانی و کوهی در شمال تهران) و بُرْزَنیتی (بلند، ستر) [نام بزرگترین رشته کوه ایران است].

آلچچک (♂ ترکی) گلِ سرخ، از ریشه‌ی ترکی آلا (قرمز) و چچک (گلِ سرخ).

الحن (♀ عربی) آوازا، اسم جمع از ریشه‌ی لحن.
الغ بیک (♂ ترکی) امیرِ بزرگ، از ریشه‌ی ترکی الغ (بزرگ) و بیک (ارباب، سرور) [از شاهان گورکانی].

الودیا (♀ Elodia اسپانیایی) ثروتِ دیگر، همه‌ی ثروت، از ریشه‌ی گوتی el (دیگر، همه) و odia (ثروت).

الون (♂ Elon عبری) قوی.
الویرا (♀ Elvira اسپانیایی) حقیقتِ محض، حقیقتی دیگر، از ریشه‌ی گوتی el (دیگر، همه) و vira (حقیقت).

الهام (♀ عربی) سروش، پیام الهی.

إلی (Eli ♂ عبری) خدای من، از ریشه‌ی عبری ایل (خدا) و پسوند ملکی
ی (مال من).

إلیاس (Elias ♂ یونانی) شکلی یونانی شده (Ἠλίας) از نام عبری
إلیاهو ִאֵלִיָּהוּ یعنی یهوه خدای من است.

الیجاه (Elijah ♂ عبری) خدای من یهوه است، از ریشه‌ی عبری ایل
(خدا) و جاه/ یاه (یهوه)، همان الیاس است.

الیزابت (Elizabeth ♀ عبری) خدا سوگند من است، از ریشه‌ی عبری
ایل (خدا) و صابات (سوگند خوردن).

ایشا (Elisha ♂ عبری) خداوند نجات بخش است، از ریشه‌ی عبری
ایل (خدا) و ایشا (نجات دادن) [پسر یاوان].

إلیعازار (Eliezer ♂ عبری) خداوند یاری‌گر من است، از ریشه‌ی
عبری ایل (خدا) و عزر (کمک کردن) [مرده‌ای که مسیح زنده اش کرد].

الیفلت (Eliphelet ♂ عبری) خدا آزاد است، از ریشه‌ی عبری ایل
(خدا) و فلت (آزاد).

إلیگیو (Eligio ♂ اسپانیایی) برگزیده، از ریشه‌ی لاتین eligere (انتخاب کردن).

انلیل نادین آخه (♂ بابلی) انلیل برادری عطا می‌کند، تشکیل شده از انلیل (خدای بزرگ سومریان)، نادین (عطا می‌کند)، و آخه (برادر) [آخرین شاه کاسی حاکم بر بابل].

إلیهو (Elihu ♂ عبری) یهوه خداست، از ریشه‌ی عبری ایل (خدا) و ایهو (یهوه).

آمات بعل (Amatbaal ♂ فنیقی) خدمتگزار بعل، از ریشه‌ی فنیقی امات (خدمتگزار).

امام (♂ عربی) پیشوا.

امانوئل (Emmanuel ♂ عبری) خدا با ماست، از ریشه‌ی عبری ایمانو (همراه ما) و ایل (خدا).

إمر (♀ Emer سلت) چابک، فرزند، از ریشه‌ی سلتی eimh (سریع).

آمرسین (♂ اکدی) گوساله‌ی سین، از ریشه‌ی اکدی آمر (گوساله و سین (خدای ماه) [شاه اور]).

ام کلثوم (♀ عربی) صاحب صورت گوشتالو، دارای چهره‌ی فربه، از ریشه‌ی اُم (مادر) و کلثوم (فیل).

آمورگه (♂ پارسی) جاویدان، بی‌مرگ، بر ساخته از آ (نه) و مورگه (مرگ)
[سردار سکایی که متحد کوروش بزرگ بود]
اُمی (♀ Emi ژاپنی) زیبای آمرزیده شده.

امید (♂ ترکی) چشمداشت، از ریشه‌ی ترکی اومماق (انتظار داشتن) [گویا از ریشه‌ی پهلوی اَمِت به همین معنا وام‌گیری شده باشد].
امیر (♂ عربی) حاکم، فرمانروا، اسم فاعل از ریشه‌ی امر.
ایمیل (Emile ♂ آلمانی) کار.

امین (♂ عربی) قابل اعتماد، از ریشه‌ی امن [لقب حضرت محمد].
اِن‌تَمَنَه (♂ سومری) فرمانروای سکوی معبد، از ریشه‌ی سومری [شاه لاگاش، برادرزاده‌ی ائاناتوم].

اِنْکی (♂ Enki سومری) سرور آبها، از ریشه‌ی سومری اِن (سرور) و کی (آب) [خدای باران].

اِنلیل (♂ Enlil سومری) سرور آسمان، از ریشه‌ی سومری اِن (سرور) و لیل (آسمان) [خدای آسمان].

انوخ (♂ Enoch عبری) معلم، از ریشه‌ی سامی باستان [پسر قابیل].
انور (♂ عبری) نورانی‌ترین، صفت عالی از ریشه‌ی نور [انور سادات: رئیس جمهور مصر].

اِنوس (♂ Enos عبری) مرد خانواده، از ریشه‌ی سامی باستان [پسر شیث].

انوشیروان (♂ پارسی) دارای روان جاویدان، بر ساخته از پیشوند پهلوی اَنّا (نه، پیشوند نفی)، اوش (مرگ) و روان (روح) [پادشاه بزرگ ساسانی].

اِنه‌اید (♀ Aeneid یونانی) ستودنی، از ریشه‌ی یونانی باستان aine (ستودن).

اِنید (♀ Enid سلت) روح، زندگی، از ریشه‌ی ولشی enaid (حیات).

انیس (♂ عبری) دوست، صفت از ریشه‌ی انس.

اَنیسه (♀ عبری) همدم، اسم فاعل از ریشه‌ی انس.

اِوارِیستا (♀ Evarista اسپانیایی) خوشنود، راضی.

اوباریان (Ubarian ♂ عبری) پرستنده ی یهوه.

اوبرون (Auberon ♂ آلمانی) خرس نجیب، از ریشه ی آلمانی باستان
adal (نجیب) و bern (خرس).

اوبری (Aubery ♂ آلمانی) قدرت پری، نیروی جن ها، از ریشه ی آلمانی
باستان alb (پری) و rey/ric (قدرت).

اوبرزوس/ وهوبرز (Oborzos ♂ پارسی) شکل یونانی شده ی وهوبرزه در
پارسی باستان [از اشراف پارسی دوران اسکندر]

اوترپه (Euterpe ♀ یونانی) کسی که می داند چگونه مورد پسند واقع
شود، خوشایند، از ریشه ی یونانی باستان eu (حقیقی، راستین) و terph
(لذت بردن، خوشایند بودن) [ایزدبانوی غزل و موسیقی، از موزها].

اوتس (otes ♂ آلمانی) پسر اوت.

اوتنیل (Othniel ♂ عبری) شیر خدا، از ریشه ی عبری اوتین (صفت
شیر) و ایل (خدا).

اوتومِدون (Automedon ♂ یونانی) حاکم مستقل، از ریشه‌ی یونانی باستان auto (خود، خویشتن) و medh (اندیشیدن، حکم راندن) [گردونه‌ران آخیلوس در ایلیاد].

اودری (Audry ♂ آلمانی) قدرت اشرافی.

اودورا (Eudora ♀ یونانی) بخشنده‌ی نیک، از ریشه‌ی یونانی باستان eu (خوب، راستین) و dora (بخشش) [رهبر میمدون‌ها در ایلیاد].

اودوکسوس (Eudoxus ♂ یونانی) پندار نیک، نی‌اندیش، از ریشه‌ی یونانی Eñ (نیک، خوب) و δοξος (اندیشه) [از اخترشناسان قدیم یونانی]

اودیپوس (Oedipus ♂ یونانی) دارای پای ورم کرده، از ریشه‌ی یونانی باستان oedos (متورم) و pus (پا) [پسر لائیوس پادشاه تبس که ندانسته پدر خود را کشت و با مادر خود ازدواج کرد].

اورانیا (Urania ♀ یونانی) بانوی آسمان، از ریشه‌ی یونانی باستان urania (آسمان) [ایزدبانوی اخترشناسی، از موزها].

اورسولا (♀ Ursulla لاتین) خرس کوچک، از ریشہی لاتین ursus
(خرس) و پسوند ula (کوچک).
اورلیوس (♂ Aurelius لاتین) زرین، از ریشہی لاتین aureus
(طلا) [آخرین امپراتور بزرگ روم].
اورنمو (♂ سومری) جنگجوی نمو، از ریشہی سومری اور (جنگجو) و نمو
(ایزدبانوی سومری) [بنیانگذار امپراتوری اور].
اوروتتر (♂ پارسی) نیرومند، زورمند، از ریشہی اوستایی اوروه (زور و
قدرت) [نام پسر زرتشت]
اوروسار (♂ پارسی) نیرومند، زورمند، از ریشہی اوستایی اوروه (زور و
قدرت) [در اوستا احتمالاً لقب افراسیاب است]
اوری (Uri ♂ عبری) نور.
اوریاہ (Uriah ♂ عبری) یهوه نور من است، از ریشہی عبری اوری (نور
من) و آہ (یهوه).
اوریل (Uriel ♂ عبری) خدا نور است، از ریشہی عبری اوری (نور) و
إل (خدا).

اورینومه (♀ Eurinome یونانی) حاکم شهرهای دوردست، از ریشه‌ی یونانی باستان euri (دور دست) و nomhs (قانون، حکم) [زن زئوس و مادر کالیت‌ها].

اوز (♂ Oz عبری) محکم، قوی [پسر آرام].
اوزبک (♂ ترکی) امیرِ خوب، از ریشه‌ی ترکی اوز (خوب) و بیک (ارباب، سرور) [یکی از قبایل بزرگ تاتار].

اوزیبوس (♂ Eusebius یونانی) دیندار، پرهیزگار [مورخ بزرگ کلیسایی].

اوزی (♂ Uzi عبری) قدرت.
اوزیاه/ اوزیل (♂ Uzziah/ Uzziel عبری) قدرت خدا، از ریشه‌ی عبری اوزی (قدرت) و إل/ آه (خدا/یهوه).

اوساگی (♀ Usagi ژاپنی) خرگوش.
اوسامو (♂ Osamu ژاپنی) قانون برتر.
اوسِرْع (♂ Auserre مصری باستان) بزرگ و قوی همچون رع، برساخته از اوسر (قوی) و رع [لقب آپی اول، از فراغنه‌ی دودمان پانزدهم].

اوسیرکارع (Userkare ♂ مصری باستان) روح رع نیرومند است،
برساخته از اوسیر (نیرومند)، کا (روح) و رع [از فراعنهی دودمان سیزدهم، با نام
خنجِر هم شناخته می‌شود].

اوسیرکاف (Userkaf ♂ مصری باستان) روحش نیرومند است، برساخته
از اوسیر (نیرومند) و کا (روح) و ف (شبیه به) [نخستین فرعون دودمان پنجم].

اوسیرکاوریع سِتِپِنِر (Userkaure Setepenre ♂ مصری
باستان) تجلیات رع که توسط برگزیده شده‌اند نیرومند هستند، برساخته از اوسیر
(نیرومند)، کاو (ظهور)، رع، سِتِپِن (برگزیدن)، و رع [لقب ستناخته، از فراعنهی
دودمان بیستم].

اوسیرمآت رع (Usermaatre ♂ مصری باستان) عدالت رع نیرومند
است، برساخته از اوسیر (نیرومند)، مآت (عدالت)، و رع [لقب رامسس پنجم، از
فراعنهی دودمان بیستم].

اوسوا (Usa ♀ باسک) کبوتر

اوشاق (♂ ترکی) غلام بچه، کنایه به فرزند.

اوفروسیینه (♀ Euphrosyne یونانی) شادی، از ریشه‌ی یونانی باستان eu (راستین، خوب) و frwsinh (شادمانی) [دختر زئوس و اورینومه، از کاریت‌ها].

اوفورتیلد (♀ Eoforthild آنگلو ساکسون) گراز جنگجو، از ریشه‌ی ساکسونی eofort (گراز) و hild (جنگ).

اوکئانوس (♂ Oceanus یونانی) اقیانوس، دریا، از ریشه‌ی یونانی okhanus (دریا) [فرزند اورانوس و گایا].

اوکا (♂ ترکی) مردِ فرهیخته و باکیاست.

اولریش/ اولریخ (♂ Ulrich آلمانی) قدرتمند و ثروتمند، از ریشه‌ی آلمانی باستان ul (همه) و rich (ثروت).

اولیمینه (♀ Eulimene یونانی) آسمانِ نیک، از ریشه‌ی یونانی باستان eu (نیک، راستین) و limnh (آسمان).

اولیور (♂ Oliver گل- فرانسه‌ی کهن) زیتونی.

اوما (♂ Uma هندی) کتان، از ریشه‌ی سانسکریت.

اومتی (♀ پارسی) اندیشه‌ی نیک، بر ساخته از هو (نیک) و متی (اندیشه) در

پارسی باستان [دختر خشایار شاه]

اومفالئون (♂ Omphalion یونانی) دارای ناف کوچک، از ریشه‌ی یونانی

باستان omfalus (ناف).

اومولپوس (♂ Eumolpos یونانی) دعاخوان [پسر پوزئیدون، شاه تراس

و بنیانگذار آیین الوزیس].

اومه (♀ Ume ژاپنی) شکوفه‌ی آلو.

اونتاش ناپیرشا (♂ ایلامی) ناپیرشا (نام خدایی) به من کمک کرد، از ریشه‌ی

ایلامی اونتاش (کمک کردن) [شاه ایلام در 75 پ.م].

اونگوس (♂ Aongus سلت) قدرت یگانه، از ریشه‌ی سلتی oen (یک،

یکتا) و gus (قدرت) [خدای عشق و جوانی].

اونو (♀ Oeno یونانی) دوشیزه‌ی شراب.

اونیسه (♀ Eunice یونانی) پیروزی، از ریشه‌ی یونانی باستان eu

(راستین) و nikh (پیروزی).

اووید (Ovide ♂ لاتین) گوسفند، از ریشه‌ی لاتین Ovis گوسفند)

[شاعر و مورخ رومی در قرن نخست میلادی].

اوئیسین (Oisin ♂ سلت) خرس کوچک، از ریشه‌ی سلتی ois

(خرس) و پسوند in (کوچک) [شاعری که نیام عاشقش شد].

اوئیغور (♂ ترکی) متفق، خویشاوند [نام قبیله‌ای ترک و شاخه‌ای از زبانهای

قلمرو خاوری].

ایزان (Ibzan ♂ عبری) فعال.

ایبی سین (♂ اکدی) کسی که به سوی سین فراخوانده شده، از ریشه‌ی اکدی

ایبی (فرا خواندن) و سین (خدای ماه) [شاه اور در نیمه‌ی هزاره‌ی سوم پ.م].

ایتامار (Ithamar ♂ عبری) جزیره‌ی نخل، از ریشه‌ی عبری ای

(جزیره) و تامار (خرما، نخل).

ایتزیار (Itziar ♀ باسک) اسم روستایی، سنگ کهن معبدی

ایچیرو (Ichiro ♂ ژاپنی) پسر اول.

ایخابود (Ichabod ♂ عبری) افتخار کجاست؟

ایخچل (♀ Ixchel سرخپوستی) بانوی رنگین کمان، از ریشه‌ی مایا
[ایزدبانوی زمین، ماه و پزشکی در میان مایاها].

ایدوتئا (♀ Eidothea یونانی) همچون خدا، از ریشه‌ی یونانی باستان
eid (مشابه) و qea (خدا) [دختر پرومتئوس و از فرشتگان دریا].

ایدویا (♀ Idoya باسک) برکه

ایدویگ (♂ Eadwig آنگلوساکسون) غنیمت جنگی، از ریشه‌ی انگلیسی
باستان ead (ثروت) و wig (جنگ).

ایراد (♂ Irad عبری) خر وحشی، از ریشه‌ی سامی کهن [پسر قابیل].

ایرج (♂ پارسى) آریایی، ایرانی، از ریشه‌ی ایرج اوستایی که با ایریج پهلوی
هم‌ریشه است [فرزند فریدون].

ایرداباما/ آرتابام (♀ پارسى) روشنائی راستی، درخشش پرهیزگاری، بر ساخته از
آرته (راستی، پرهیزگاری) و بامه (روشنائی، درخشش) در پارسی باستان [مادر
داریوش بزرگ]

ایرما (♀ Irma آلمانی) تمام، کل، از ریشه‌ی آلمانی باستان Irmen
(تمام).

ایرنه (♀ Irene لاتین) صلح [ایزدبانوی صلح].

ایزولْد (♀ Isolde سلت) زیبا.

ایزیدور (♀ Isidor مصری باستان) هدیه‌ی ایزیس، بر ساخته از ایزیس

مصری باستان (نام ایزدبانویی) و پسوند یونانی dora (هدیه).

ایزیس (♀ Isis مصری باستان) تاج، از ریشه‌ی مصری باستانِ آسِت (تاج)

[ایزدبانوی باروری و خاک].

ایسا (♂ Isah عبری) پشمالو [برادر یعقوب].

ایساخار (♂ Isakhar عبری) پاداش گیرنده، کارگر مزدور [نهمین پسر

یعقوب و بنیانگذار یکی از قبایل دوازده گانه‌ی یهودی].

ایسامو (♂ Isamu ژاپنی) شجاعانه.

ایسانا (♂ Isana هندی) حاکم، فرمانروا [ایزد پساوایی و لذت در وداها]

ایسایاه (♂ Isaiah عبری) رستگاری از آن خداست، از ریشه‌ی عبری

یشا (سعادت) و یهو (یهوه)

ایشنی کاراب (♂ اکدی) او دعا‌های ما را نازل کرده است [خدای پیمان در

میانرودان و ایلام].

ایکاروس (♂ Icarus یونانی) پیرو، از ریشه‌ی یونانی باستان ikaros
(دنبال‌ه‌رو) [پسر داندالوس که به دلیل پرواز در نزدیکی خورشید بال‌هایش را از دست داد و در اثر سقوط به دریا کشته شد].

ایکشواکو (♂ Ikshvaku هندی) شکرین، شیرین (؟)، در سانسکریت
इक्ष्वाकु از ایکش (इक्ष) مشتق شده که یعنی نیشکر [نیای بودا]
ایگور (♂ Igor آلمانی) کمانگیر.

ایلدرم (♂ ترکی) آذرخش، صاعقه [لقب بایزید اول عثمانی].
ایلد‌گلید (♀ Ealdglyd آنگلوساکسون) جنگجوی پیر، از ریشه‌ی
انگلیسی باستان eald (پیر) و glyd (نبرد، جنگ).

ایمامو (♂ Immamu آفریقایی) رهبرِ ما، امام ما، از ریشه‌ی عربیِ امام.
ایم‌חותپ (♂ Imhotep مصری باستان) او در آرامش می‌آید، از ریشه‌ی
مصری باستان حوتپ (آرامش، رضایت) [معمار زوسر، نخستین فرعون دودمان سوم].

ایمِلدا (♀ Imelda آلمانی) جنگ کامل، از ریشه‌ی آلمانی باستان emen
(کامل / همه) و hild (جنگ).

ایموگِن (♀ Imogen آنگلو ساکسون) باکره، از ریشه‌ی ساکسون.

ایِنِئاس (♂ Aeneas یونانی) ستودنی، از ریشه‌ی یونانی باستان

epainos (ستوده) [از پهلوانان جنگ تروا و نیای رومی‌ها].

ایناکِی (♂ Inaki باسک) شکل تحریف شده‌ی ایگناسیوس.

اینْدِرَه (♂ Indra هندی) بارانی [خدای باد و باران در وداها].

اینْدِیرا (♀ Indira هندی) زیبایی، از ریشه‌ی سانسکریت [دختر جواهر

لعل نهرو و نخست وزیر هند].

اینْشوشیناک (♂ ایلامی) خدای شهر شوش، از ریشه‌ی سومری نین-شوش-

ایناک.

اینْگ (♂ Ing آلمانی) آنکه بهترین است، از ریشه‌ی نوردیک باستان

ingwaz (بهترین) [خدای باروری].

ایوب (♂ عربی) کسی که در روز سفر می‌کند، آن که باز می‌آید، اسم فاعل از

ریشه‌ی اُوأَب (باز آمدن) [پیامبری در تورات].

ایون (♂ Ion باسک) تحریف شده‌ی جان.

أَبَان (مُ عربی) روشن، آشکار، اسم فاعل از ریشه‌ی أَبَن (آشکار کردن) [ابان

ابن عثمان بن عفان، ابان ابن ولید بن عقبه].

أَبَى (مُ عربی) پدر کوچک، اسم تصغیر از ریشه‌ی أَب (پدر) [ابی بن کعب].

أَحُوس / أَوْس (مُ عربی) گرگ [نام قبیله‌ایست].

أَدِيب (مُ عربی) زیرک و نکته‌سنج، اسم فاعل از ریشه‌ی أَدَب.

أَرْغَد (مُ عربی) ثروتمند و خوشبخت، صفت برتر از ریشه‌ی رَغَد

(دولتمندی).

أَسَد (مُ عربی) شیر.

أَشْهَب (مُ عربی) سفیدی آمیخته با سیاهی (صفت شیر)، صفت از ریشه‌ی

شَهَب (آمیختگی سیاهی و سفیدی).

أَكْلِيل (مُ عربی) دستار شبیه به تاج.

أَوِيس (مُ عربی) گرگ کوچک [اویس قرنی: از ستاینندگان حضرت محمد].

أَيَاد (مُ عربی) بازو، آغوش، از ریشه‌ی يَد (دست) [جد قبیله‌ی بنوایاد].

أَيَاس (مُ عربی) عطیه، هدیه، از ریشه‌ی أَيْس (عطا کردن).

أَيُّهُمْ (مُ عَرَبِي) گستاخ و دلیر [الایهم بن جبله الحارث الغسانی: شاه شام در

عصر جاهلیت].

ب

بئوولف (Beowulf ♂ آلمانی) خرس، از ریشه‌ی ساکسونی beo
(زنپور) و wolf (گرگ).

بائِنِرِ مِری نِجِرو (Baenre-Merynetjeru ♂ مصری باستان)
روح رع، محبوب خدایان، از ریشه‌ی مصری باستان با (روح)، رع، مِری
(محبوب) و نِجِرو (خدایان) [لقب مرنپتاح، از فراغته‌ی دودمان نوزدهم].

بائو (Bao ♂ ♀ چینی) گنجینه، گرانها.

بائی (Bai ♂ چینی) سفید.

باتو (♂ ترکی) قوی و سخت [نوه‌ی چنگیز].

بادی (♂ عربی) آشکار، آغازگر، اسم فاعل از ریشه‌ی بدو (آغاز).

بارتولومئو (Bartholomew ♂ عبری) پسرِ کسی که شخم می‌زند،
شکل یونانی شده‌ی نامی از ریشه‌ی آرامی بن/ بار (پسر، فرزند) تولمای (شخم
زدن).

بارع (♂ عربی) صاحب برتری در علم، اسم فاعل از ریشه‌ی برع (برتری).
بارلاس (♂ ترکی) قهرمان دلیر، از ریشه‌ی ترکی برلاس [یکی از چهار قبیله‌ی
مهم جغتایی].

بارمان (♂ پارسی) محترم، دارای روح بزرگ، از ریشه‌ی پهلوی بار (بزرگ،
باشکوه) و مَنَه (اندیشه، فکر) [از پهلوانان شاهنامه].

باری (Barry ♂ آنگلو ساکسون) نیزه.

باسایوان (Basajuan ♂ باسک) سرور جنگل، از ریشه‌ی juan
(ارباب) و Basa (جنگل).

باسیل (♂ عربی) دلیر، استوار، از ریشی بیسل (تندخو).

باسیم (♂ عربی) لبخندزننده، از ریشه‌ی بَسَم (لبخندزدن).

باشقرد (♂ ترکی) اولین قبیله، یا گرگِ خاکستری، شاید شکل تحریف شده‌ی
بوزقورد (گرگ خاکستری) باشد [نام قبیله‌ای ترک در روسیه].

باقی (♂ عربی) جاوید، اسم فاعل از ریشه‌ی عربی بقی (بقا یافتن) [از القاب خداوند].

باک (Buck ♂ آنگلساکسون) گوزن نر.

باکار (Bakare ♂ مصری باستان) روح رع افتخار آفرین است، بر ساخته از با (افتخار)، کا (روح)، و رع [لقب تانوتامون، آخرین فرعون دودمان بیست و سوم].

باکوس (Baccus ♂ یونانی) فریاد، نعره‌زن، از ریشه‌ی یونانی باستان iaco (فریاد زدن) [خدای شراب].

بالتازار (Baltazar ♂ فنیقی) بعل حفظش کند، از ریشه‌ی سامی بعل (نام خدایی) و تَزَر (حفظ کردن) [شاه یهودیه]

بالدر (Balder ♂ آلمانی) شاهزاده، از ریشه‌ی نوردیک باستان [پسرِ اودین - خدای خدایان - و فریگ].

بالدو (Baldev ♂ هندی) خدای قوی، از ریشه‌ی سانسکریت bal (قوی) و dev (خدا) [برادر بزرگِ کریشنا].

بالدومرو (♂ Baldomero آلمانی) شجاع مشهور، از ریشه‌ی آلمانی
باستان bald (جسور) و meros (مشهور).

بالروفون (♂ Balerophon یونانی) سازنده‌ی نیزه و زوبین، از ریشه‌ی
یونانی باستان balhros (نیزه) و پسوند fon (آورنده) [پهلوان کشنده‌ی
کیمر].

باهر (♂ عربی) روشن و درخشان، اسم فاعل از ریشه‌ی بهر (روشنایی).

بایرام (♂ ترکی) عید، جشن، از ریشه‌ی ترکی بیرم.

بایرون (♂ Byron آنگلوساکسون) اصطبل گاو.

بایسنقر (♂ ترکی) شاهین بزرگ، از ریشه‌ی ترکی بای (بزرگ) و سنقر
(شاهین) [پسر شاهرخ تیموری].

بایقرا (♂ ترکی) امیر سیاه، از ریشه‌ی ترکی بای (امیر، بزرگ) و قرا (سیاه)
[حاکم همدان در عصر تیموری].

باینذر (♂ ترکی) پرنعمت [پسر کوک خان و نوه‌ی اوغوز خان مغول].

بَت بعل (Batbaal ♂ فنیقی) دختر بعل، از ریشه‌ی فنیقی بَت (دختر).

بَثْشِبَا (♀ Bathsheba عبری) دخترِ سوگند، از ریشه‌ی عبری بَت (دختر)
و صابات (سوگند خوردن).

بِئَل (♀ Bethel عبری) خانه‌ی خدا، از ریشه‌ی عبری بیت (خانه) و ایل
(خدا).

بِتوئِل (♂ Bethuel عبری) مرد خدا، از ریشه‌ی عبری بتو (مرد) و ایل
(خدا).

بتول (♀ عربی) تارک دنیا، زنی که ازدواج نمی‌کند، اسم از ریشه‌ی بتل.

بِدرُوس (♂ Bedros ارمنی) همان پتروس است.

بِدِه (♂ Bede آنگلوساکسون) دعاخوان، از ریشه‌ی انگلیسی باستانِ

baede (دعا خواندن) [مورخ و قدیسِ انگلیسیِ قرن هشتم میلادی].

بِدیع (♂ عربی) نو، شگفت، صفت از ریشه‌ی بدع (نوآوری) [بِدیع‌الزمان
فروزانفر].

بِراق (♂ ترکی) پشمالو، سگِ تازی، از ریشه‌ی ترکی پَراق (پشمالو) یا باراق
(سگِ تندرو) [حاجبِ قراختایان، از سردارانِ خوارزمشاهی].

بُران (♂ Bran سلت) کلاغ، در زبانِ ولش.

برانخوس (Branchus ♂ یونانی) ورد، دعا.

برانیمیر (Branimir ♂ بلغاری) نگهبان صلح، از ریشه‌ی بلغاری

bron (حفاظت کردن) و mir (صلح، آرامش).

برتا (Bertha ♀ آنگلوساکسون) مشهور، درخشان.

برترام (Bertram ♂ آلمانی) کلاغ درخشان، از ریشه‌ی آلمانی bert

(درخشان) و ram (کلاغ).

بُرزو (♂ پارسی) تنومند، از ریشه‌ی پهلوی بُرز (بلند و نیرومند) [فرزند

سهراب، لقب بهرام گور در هندوستان].

بُرزین (♂ پارسی) بالنده و رشید، از ریشه‌ی پهلوی بُرز (بلند و نیرومند) و ین

(پسوند نسبت) [از سرداران کی قباد].

بردیا (♂ پارسی) بلندقامت و زورمند و تناور، شکل بابلی شده‌ی برزیه در

پارسی باستان [پسر کهتر کوروش بزرگ]

بُرْعَم (♂ عربی) شکوفه، غنچه.

بَرَک (Barak ♂ عبری) رعد و برق.

بَرکَه / بارکا (Barka ♂ فنیقی) رعد و برق، آذرخش [سردار مشهور فنیقی

که با رومیان می‌جنگید]

برکیارق (♂ ترکی) کلاه شکسته، یا شکست ناپذیر، از ریشه‌ی ترکی بورکی

(کلاه، یا دشواری) و یاروق (زخمی شدن) [پسر سلطان ملک‌شاه سلجوقی].

برمک (♂ پارسی) کاهن، راهب بودایی، تغییر یافته‌ی پَرموکْه [بنیانگذار

خاندان برمکی]

بَرنابا (Barnabas ♂ عبری) پسر پیغمبر، از ریشه‌ی آرامی بَر (فرزند،

پسر) و نَبی/نَبا (پیامبر) [از نویسندگان انجیل].

برنارد (Bernard ♂ آلمانی) خرس شجاع، از ریشه‌ی آلمانی ber

(خرس) و nald (نجیب).

برندان (Bredan ♂ آنگلوساکسون) شاهزاده.

بِرَنُوس (Brennus ♂ سلت) شاهزاده، کلاغ [از شاه/پهلوانان سلت].

بَرَنیکَه (Bernike ♀ یونانی) آورنده‌ی پیروزی، از ریشه‌ی مقدونی ber

(آورنده) و nikh (پیروزی) [نام ملکه‌ی مشهور مقدونی].

بروئه (Beroe ♂ یونانی) آورنده ی تخم مرغ، از ریشه ی یونانی باستان
ber (آورنده) و oh (تخم مرغ).

بروخ (Bruch ♂ عبری) رستگار.

بروس (Bruce ♂ گل - فرانسه ی کهن) پنیر، از ریشه ی گل
breueuse (پنیر خالدار).

بروسوس / بروز (♂ بابلی) کسی که خداوند چوپان اوست، احتمالاً شکل
یونانی شده ی نام «بعل رثوشو» است که از دو کلمه ی بعل (خدا) و رثو (چوپان)
ساخته شده [مورخ بزرگ بابلی و کاهن اعظم معبد مردوک بین سالهای ۲۵۸ تا
۲۵۳ پ.م.]

برونتس (Brontes ♂ یونانی) رعد، از ریشه ی یونانی باستان
bronths (رعد).

برونو (Bruno ♂ آلمانی) قهوه ای، از ریشه ی آلمانی باستان.

برونْهیلد (♀ Brunhild آلمانی) سلاح جنگی، جنگ‌افزار، از ریشه‌ی
آلمانی باستانِ brun (سلاح) و hild (جنگ) [ملکه‌ای در اسطوره‌ی حلقه‌ی
نیبلونگ‌ها].

برهان (♂ عربی) دلیل، از ریشه‌ی برهء.

برهما (♂ Brahma هندی) دعاخوان، از ریشه‌ی سانسکریت [خدای
بزرگ هندوان].

برهمه‌داتّه (♂ Brahmadatta هندی) بخشش برهما، خداداد، بر ساخته از نام
برهما و داتّه (بخشش) [شاه اردوگاه آنگا در هند باستان]
بریان/ برایان (♂ Brian آنگلو ساکسون) اشرافی.

بریجیت/ بریژیت (♀ Btidget سلت) برترین، متعالی، از ریشه‌ی ولشی
brig (ایزدبانو) و hid (عالی) [نام ایزدبانوی بزرگ ولش‌ها].
بریسّه (♀ Brice گُل-فرانسه‌ی کهن) خال، لکه.

بریموس (♀ Brimus یونانی) نیرومند، خشم‌آور [ایزدبانویی که معشوق
هرمس بود].

بریونی (♀ Berjouni ارمنی) بانوی زیبا.

بَسَام (♂ عربی) لبخندزننده، از ریشه‌ی بَسَم (لبخندزدن).

بَسْطَام (♂ پارسی) همان گسته‌م است [دایی خسرو پرویز].

بَسْمَان (♂ عربی) لبخندزننده، از ریشه‌ی بَسَم (لبخندزدن).

بَشَار (♂ عربی) مژده دهنده، از ریشه‌ی بَشَر (بشارت دادن) [بشار بن برد:
شاعری مشهور].

بَشِير (♂ عربی) مژده دهنده، از ریشه‌ی بَشَر (بشارت دادن).

بَصِير (♂ عربی) بینا، صفت از ریشه بَصَر (دیدن) [از القاب خداوند].

بَصِير (♂ عربی) بیننده، صفت از ریشه‌ی عربی بَصَر (دیدن) [از القاب
خداوند].

بطلمیوس (♂ Ptolemy یونانی) جنگجو، مهاجم، از ریشه‌ی یونانی

باستان ptolmh (جنگ، تهاجم) [شاه مقدونی مصر].

بعل شمر (♂ Baalshamar فنیقی) بعل حمایت کرد.

بَعْلَم (♂ Baelam عبری) خدای مردم، از ریشه‌ی فنیقی بعل (خدا) و آمو
(مردم).

بغداد/ بَی‌داد (♂ پارسی) بخشش خداوند، بر ساخته از بغ (خدا) و داد (بخشش،

هدیه) [حاکم شهر استخر در دوران سلوکی]

بغرا (♂ ترکی) خوک نر [از شاهان خوارزمشاهی].

بغراخان (♂ ترکی) شتر نر قوی، از ریشه‌ی ترکی بوغرا (شتر نر) [رئیس ایل

قراخان و فاتح بخارا (383 ه.ق)].

بقراط/ هیپوکرات (Hippocrates ♂ یونانی) قدرت اسبها، از ریشه‌ی

یونانی ippos (اسب) و kraths (قدرت) [پزشک مشهور یونانی].

بکتاش (♂ ترکی) بزرگ ایل، مهتر قوم، از ریشه‌ی ترکی بیک (سرور، ارباب)

و تاش (ایل، قبیله).

بکر (♂ ♀ عربی) بچه شتر [ابوبکر: نخستین خلیفه‌ی اسلام].

بلاثنات (♀ Blathnat سلت) گل کوچک، از ریشه‌ی سلتی blath

(گل) و nat (کوچک) [د راساطیر ایرلندی بانویی که توسط کوروی دزدیده

شد].

بَلاش (♂ پارسی) از ریشه‌ی پهلوی وکْخَش، در زبانهای گوناگون وارد شده است، برابر است با **Vologeses** لاتین، والارَش ارمنی، وگْگاش پارتی و **bologesifora** یونانی [از شاهان ساسانی].

بَلال (♂ عربی) آب، از ریشه‌ی بلل (خیس کردن گلو) [اولین مؤذن اسلام].

بلاَنَش (♀ **Blanche** گُل - فرانسه‌ی کهن) سفید.

بلروفون (♂ **Bellerophon** یونانی) نیزه‌انداز، از ریشه‌ی بِلونه

(βελόνη) به معنای نیزه و پرتابه و زوین، در یونانی بلروفون

(Βελλεροφῶν) گاه به صورت بلروفونْتِس (Βελλεροφόντης) آمده که

همین معنی را می‌دهد [یکی از کهن‌ترین پهلوانان یونانی است که در متن‌های

باستانی معمولاً در کنار پرسئوس و هراکلس از نامش یاد می‌شود]

بَلْک (♂ **Balak** عبری) هرز دهنده [شاه موآب].

بِلَنوس (♂ **Belenus** سلت) درخشان، از ریشه‌ی سلتی [خدای

خورشید].

بلیِر (♂ **Blair** آنگلساکسون) دشت، جلگه.

بلیغ (♂ عربی) خوش‌سخن، شیوا، سفت از ریشه‌ی بلغ (بلاغت).

بن‌آمی (Binami ♂ عبری) فرزند مردم من، از ریشه‌ی عبری بن (فرزند)
و آمی (مردم من).

بنان (♂ عربی) انگشت [موسیقیدان ایرانی].

بنایاه (Benaiah ♂ عبری) یهوه ساخته است، از ریشه‌ی عبری بنی (بنا
کردن) و یاه (یهوه).

بندیکت (Benedict ♂ لاتین) رستگار، از ریشه‌ی لاتین bene
(خوب، نیک) و dict (حکم، فرمان) [از مقدسان مسیحی، نام چند پاپ].

بنیامین (Benjamin ♂ عبری) پسر غم‌هایم، یا پسر جنوب، از ریشه‌ی
عبری بن (فرزند) و یامین (جنوب/ غم) [از قبایل دوازده‌گانه‌ی یهودی].

بنیگنو (Benigno ♂ اسپانیایی) بی‌زیان، بی‌آزار، از ریشه‌ی لاتین
benignus (مهربان، بی‌زیان).

بو (Bo ♂ چینی) موج.

بودا (♂ هندی) بیدار شده، از ریشه‌ی سانسکریت بوذهی (بیدار شدن) [پیامبر
مشهور هندی]

بودیکا/ بودیچه (♀ Boudicca/ Boudiccea سلت) پیروزی، از ریشه‌ی سلتی boud به همین معنا [نام ملکه‌ای در انگلستان سلت که با رومیان جنگید].

بودیکا (♀ Boudicca سلت) پیروزی، از ریشه‌ی سلتی boud (پیروزی).

بورلی (♂ Beverly آنگلو ساکسون) رود سگ آبی، از ریشه‌ی انگلیسی باستان bever (سگ آبی) و lay (رودخانه).

بوریس (♂ Boris اسلاو) نبرد.

بوسفالوس (♂ Bucephalus یونانی) دارای سری همچون گاو، از ریشه‌ی یونانی باستان bou (گاو) و kefalos (سر) [اسم اسب اسکندر].

بوشاسپ (♂ پارسی) آنچه پیش آمدنی است، در اوستا به صورت بوشیستا یا بوشیستا آمده است [نام دیو تنبلی و خواب نابه هنگام در دین زرتشتی].

بوغوس (♂ Boghos ارمنی) همان پائول است.

بوگومیرز (♂ Bogomierz اسلاو) خدای صلحجو، از ریشه‌ی اسلاوی باستان [از خدایان لهستان].

بولیوار (♂ Bolivar اسپانیایی) آسیابِ کنار رودخانه، از ریشه‌ی باسک bo (آسیاب) و libar (کنار رودخانه).

بهادر (♂ ترکی) دلیر، پهلوان [در نام پایتخت مغولستان (اولان باتور) باقی مانده است].

بُهارات (♂ Bharat هندی) نگهداشته شده، امن، از ریشه‌ی سانسکریتِ bhara (نگهداشتن، حفظ کردن) [لقب آگنی، نام دیگِ کشور هند].

بهرام (♂ پارسی) ازدهاگش، نابود کننده‌ی دیو، از ریشه‌ی اوستاییِ وِرْثَرَه (ازدهای خشکی، در اصل ابری که باران را در خود محبوس می‌کند و نمی‌بارد) و اَعَنَه (کشتن، زدن)، این واژه با وِرِیْتَرَه هَنَه در سانسکریت هم‌ریشه است که از القاب ایندرا (ایزدی جنگجو) است، ریشه‌ی معنایی‌اش در اصل پیشاهندواروپایی *wlthro-gwheh بوده به معنای کُشنده و در هم شکننده‌ی سد و حصار [خدای جنگِ ایرانیان].

بَهران (♂ عربی) نزدیکترین خویشاوند.

بهمن (♂ پارسی) نیک اندیش، از ریشه‌ی پهلوی وُهو (خوب) و مَنه (اندیشه)
[از فرشتگان بزرگ دین زرتشتی].

بَهِیج (♂ عربی) شادمان، از ریشه‌ی بهج (شادمانی).

بیادیکِه (♀ Biadike یونانی) عدالتِ ناشی از قدرت، از ریشه‌ی یونانی
باستان dikh (عدالت).

بیدزفش (♂ پارسی) پرچم دارای نقش بید، یا سرزمینی در جنوب باختری، از
ریشه‌ی پهلوی وید (درخت بید) و درفش (پرچم)، شاید هم با ویددُفُش (اقلیم
جنوب غربی از هفت سرزمین اساطیری ایران باستان) مربوط باشد [جادوگری
تورانی].

بیژن (♂ پارسی) مربوط به سرزمین ایران، تشخیص دهنده، برگرفته از بخش
دوم عبارتِ اوستاییِ اَئِرَه وَجینَگَه (ایرانویج، سرزمین آریایی‌ها)، یا شاید از
ریشه‌ی پهلوی ویچَنَه (خوب تشخیص دهنده) [پسر گیو، از پهلوانان شاهنامه].

بیگدل (♂ ترکی) سرورِ زبان، از ریشه‌ی ترکی بیگ (ارباب) و دیل (زبان).
بیگلر (♂ ترکی) امیران، اربابان، از ریشه‌ی ترکی بیگ (ارباب) و لر (پسوند
جمع).

بیلسان (♀ عربی) درختی با گل‌های سپید.

بیلوبوگ (♂ اسلاو) Byelobog خورشید، از ریشه‌ی اسلاوی byel

(سفید) و bog (خدا) [خدای باستانی خورشید در میان اقوام اسلاو].

بیندو (♀ هندی) نذری، خالِ نذر، برگرفته از बिंदु در سانسکریت که در اصل

به معنای نقطه است. شکلِ مادینه‌ی این کلمه (بیندی) همان است که برای

نامیدن خالِ نذریِ نهاده بر میان پیشانی هندوان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بیوراسپ (♂ پارسی) دارنده‌ی ده هزار اسب [لقب ضحاک]

بیله (♂ سلت) Bile درخشان، همان بلنوس است [پهلوانی اساطیری].

بیوک (♂ ترکی) بزرگ، مهتر، از ریشه‌ی ترکی بیک (ارباب، سرور).

پ

پا (Pa ♂ مصری باستان) خورشید، از ریشه‌ی مصری باستان [از خدایان
مصری].

پاتروکلس (Patrocles ♂ یونانی) افتخار پدران، از ریشه‌ی یونانی
باستان patra (پدر) و klha (افتخار) [از پهلوانان آخایی و دوست
آخیلس].

پاتریک / پاتریس (Patrick/ Patris ♂ لاتین) اشرافی، از ریشه‌ی لاتین patra (پدر) [از مقدسان مسیحی].

پارتاکنیان (Partaknian ♂ پارسی) پیشروها، پیشروی کنندگان [نام یکی از قبایل ماد].

پارمیس (♀ پارسی) کمال نیک (؟)، تحریفی یونانی شده از اوپرمیای ایلامی و اوپرمه‌ی پارسی باستان [دختر بردیا و نوه‌ی کوروش بزرگ] پارواتی (♀ Parvati هندی) دختر کوهستان، از ریشه‌ی سانسکریت [زن شیوا].

پاسِباخائِنیوت (Pasebakhaenniut ♂ مصری باستان) ستاره‌ای که در شهر پدیدار می‌شود، از ریشه‌ی مصری باستان پاسِبا (ستاره‌ای)، خا (پدیدار)، و نیوت (شهر) [لقب پسوسینس اول، از فراعنه‌ی دودمان بیست و یکم].

پاسکال (Pascal ♂ گُل - فرانسه‌ی کهن) شرقی.

پاشا (♂ ترکی) سپهسالار، ترکی شده‌ی «پادشاه» پارسی [منصبی ارتشی در دولت عثمانی].

پالاس (♀ Pallas یونانی) دوشیزه، از ریشه‌ی یونانی باستان pallas
(دوشیزه) [لقب آتنه].

پامی (♂ Pami مصری باستان) کسی که به گریه تعلق دارد، از ریشه‌ی
مصری باستان پام (گریه) [ار فراعنه‌ی دودمان بیست و دوم].

پاناسیه (♀ Panacea یونانی) شفا دهنده‌ی همگان، از ریشه‌ی یونانی
باستان pan (همه) و akha (شفا دادن) [دختر اسکولاپیوس].

پاندورا (♀ Pandora یونانی) همه‌ی هدیه‌ها، از ریشه‌ی یونانی باستان
pan (همه) و dora - (هدیه) [زنی که با گشودن جعبه‌ای جادویی راه ورود
تمام بدیها را به جهان هموار کرد].

پانوپتس (♂ Panoptes یونانی) همه‌ی چشمها، از ریشه‌ی یونانی
باستان pan (همه) و opqos (چشم).

پاول (♂ Paul لاتین) فروتن، از ریشه‌ی لاتین [از حواریون مسیح، نام
چند پاپ].

پاول / پل / پائولو / پولس (♂ Paulus عبری) کوچک [از حواریون
مسیح].

پتاح (Ptah ♂ مصری باستان) گشاینده، از ریشه‌ی مصری باستان [خدای شهر ممفیس].

پِترونیا (Petronia ♀ اسپانیایی) روستایی.

پتولا (Petula ♀ لاتین) خواسته.

پدیباسِتِت (Pedibastet ♂ مصری باستان) مرد خردمندِ شهر باسِتِت، از ریشه‌ی مصری باستان پدی (خردمند) [نخستین فرعون دودمان بیست و سوم].

پِرَجَپَتِی (Prajapati ♂ هندی) پدر آفریده‌ها، بابای مخلوقات، در سانسکریت प्रजापति از دو بخش پُرْجا (آفریده‌ها) و پَتِی (پدر) تشکیل یافته [خدای بزرگ در وداها]

پِرِسِفَوْنِه (Persephone ♀ یونانی) نابود کننده‌ی نور، از ریشه‌ی یونانی باستان per sh (نابودگر) و fonhs (نور) [یزدبانوی دوزخ].

پرومِته (Prometheus ♂ یونانی) دوراندیش، از ریشه‌ی یونانی باستان pro (پیش) و mhq (دیدن) [از تیتان‌ها، کسی که آتش را برای مردمان به ارمغان آورد].

پرویز (♂ پارسی) پیروزمند، از ریشه‌ی اوستاییِ اوپَری وِیجَه (فاتح، پیروز) و پهلویِ اَپَرُویج (پیروز) [شاه ساسانی].

پری (♀ پارسی) زن غریبه و بیگانه، ماده دیوِ شهوت، از ریشه‌ی اوستاییِ پَریکَه، پهلویِ پَریک، تُرفانیِ پَریگ، و سُغدیِ پَریک همگی به معنای زنِ غریبه، یا از ریشه‌ی هند و اروپاییِ پِلَه (دیو شهوت) [یاور کیومرث در نبرد با دیوان در شاهنامه].

پری (♂ Perry لاتین) مسافر [دریاسالار آمریکایی که ژاپن را شکست داد].

پَریوی (♀ هندی) زمین، خاک برگرفته از ریشه‌ی سانسکریت पृथ्वी [ایزدبانوی زمین در ریگ ودا]

پَریسا (♀ پارسی) همچون پری، شبیه به پری، از ریشه‌ی پارسی پری و پسوند شباهت (-سا).

پسوخته (♀ Psuche یونانی) روان، روح، از ریشه‌ی یونانی yuch (روح) [معشوق اروس].

پَشَنگ (♂ پارسی) فاتحِ جنگ، از ریشه‌ی پهلویِ پَشَنَه (برنده) [پدر افراسیاب و شاه توران].

پَشوتن (♂ پارسی) کسی که تنِ خود را به خدا پیشکش کرده است، از ریشه‌ی اوستاییِ پیشیئو (پیشکش کردن) و تُنه (تن) [از جاویدانان زرتشتی و حاکم گنگ دژ].

پلاسیدو (♂ Placido اسپانیایی) آرام، ساکت.

پَلاشان (♂ پارسی) همان بلاش است.

پلامن (♂ Plamen بلغاری) شعله، از ریشه‌ی بلغاری plam (آتش).

پلتون (♂ Pleton لاتین) همچون افلاطون، برگرفته از نام یونانی

Platw (افلاطون) [فیلسوف و متأله اهل قسطنطنیه و فعال در ایتالیا در قرن

چهاردهم و پانزدهم که در اصل گریگوریوس کمیستوس نام داشت].

پِلگ (♂ Peleg عبری) دو شاخه شدن، واگرایی [پسر ارفخشذ].

پلوتارک (♂ plutarchus یونانی) سرورِ ثروت، از ریشه‌ی یونانی

plutwn (ثروت) و arcon (شاه، سرور) [مورخ بزرگ یونانی].

پلوتو (Pluto ♂ یونانی) کشتیران.

پلوتو (Pluto ♂ یونانی) ثروت، از ریشه‌ی یونانی باستان plutos

(ثروت) [خدای دوزخ و برادر زئوس].

پلوویوس (Pluvius ♂ لاتین) باران [خدای باران].

پَنلوپِه (Penelope ♀ یونانی) اردک [همسر اولیس و مادر تلماک].

پوت (Put ♂ عبری) توسعه.

پوتیا (Puthia ♀ یونانی) گندیده، پوسیده، از ریشه‌ی یونانی پوتئین

(πύθειν) به معنای پوسیدن و گندیدن [لقب کاهنه‌ی بزرگ معبد دلفی]

پوڈما (Pudma ♀ هندی) نیلوفر، از ریشه‌ی سانسکریت.

پوران (♀ پارسی) سرخ‌رو، از ریشه‌ی پارسی بور (سرخ) و ان (پسوند نسبت)

[همسر هارون‌الرشید].

پورفیریو (Porfirio ♂ یونانی) ارغوانی.

پوروچیستا (♀ پارسی کهن) پرخرد، بسیار دانا، بر ساخته از ریشه‌ی اوستایی

پور (پُر، زیاد) و چیستا: پُر (خرد، دانش) [دختر کوچک زرتشت و

همسر جاماسپ]

پوکاهونتاس (♀ Pocahontas سرخپوستی) او بازیگوش است، از ریشه‌ی آلگونکین [دختر رئیس قبیله‌ای که با یک سفیدپوست ازدواج کرد]. پولیاس (♂ Polias یونانی) شهروند، از ریشه‌ی یونانی باستان polis (شهر).

پولیدورا (♀ Polidora یونانی) سخاوتمند، از ریشه‌ی یونانی باستان polu (زیاد) dora (هدیه).

پولیفِمِه (♂ Polypheme یونانی) چند دهانی، کسی که چند دهان دارد، از ریشه‌ی یونانی باستان polu (چند، بسیار) و femos (دهان) [از پهلوانان ایلیاد].

پولیمِنیا (♀ Plymnia یونانی) سرود فراوان، از ریشه‌ی یونانی polu (بسیار) و mnia (سرود) [ایزدبانوی سرود، از موزها].

پونتِیوس (♂ Pontius لاتین) پل یا دریا، از ریشه‌ی یونانی ponths (دریا) یا لاتینی Pontus (پل) [حاکم رومی فلسطین در زمان مصلوب شدن مسیح].

پیتو (♂ Peitho یونانی) اجبار.

پیداد (Piedad ♂ اسپانیایی) رحم، دلسوزی، از ریشه‌ی لاتین.

پیران (♂ پارسی) رهبر، پیشرو، از ریشه‌ی پارسی پیر (سالخورده، محترم)
[پهلوان تورانی و وزیر افراسیاب].

پیریا (♀ Pyrrha یونانی) آتشین، از ریشه‌ی یونانی purrha (آتش)
[دختر پرومته، زن دکالیون و مادر نسل انسان].

پیشداد (♂ پارسی) نخستین قانونگذار، از ریشه‌ی اوستایی پَر (پیش، نخست)
داته (قانون گذاشتن، قاعده وضع کردن) [لقب هوشنگ کیانی، نام دودمانی از
شاهان که از کیومرث تا گرشاسپ ادامه می‌یابد].

پینِجِم (Pinedjem ♂ مصری باستان) کسی که به آن خوشایند تعلق
دارد، از ریشه‌ی مصری باستان پی (تعلق داشتن به) و نِجِم (فرد خوشایند،
اشاره به هوروس یا پتاح است) [دو تن از فراعنه‌ی دودمان کاهنان تب].

پیدَسِی (♂ Piyadasī هندی) مهربان با همه [لقب آشوکا]

پینگ (♀ ♂ Ping چینی) صلحجو.

ت

- تئودوریک / دِرِک (Theodorice/ Derek ♂ آلمانی) حاکم
مردم، از ریشه‌ی آلمانی ter/der (مردم) و ric/reg (شاه / حاکم).
تائی (♀ Tai ♂ چینی) بسیار بزرگ.
تابیتا (♀ Tabitha عبری) غزال، از ریشه‌ی آرامی.
تادائوس (♂ Thaddaeus عبری) سینه.
تارا (♀ Tara هندی) ستاره، از ریشه‌ی سانسکریت [زنِ براهیسپاتی].
تارانیس (♂ Taranis سلت) تندر.
تارحونت (♂ هیتی) فاتح [خدای آسمان].
تارو (♂ Taro ژاپنی) نخستین پسر.
تاشمتو (♀ بابلی) شنوا [ایزدبانوی شنونده‌ی دعاها].
تاکاشی (♂ Takashi ژاپنی) جلال.

تاکاکو (♀ Tkakako ژاپنی) فرزند بلند مرتبه.

تاکِشی (♂ Takeshi ژاپنی) نی بامبو.

تاکومی (♂ Takumi ژاپنی) صنعتگر.

تاکوهی (♀ Takouhi ارمنی) ملکه.

تاکِهیکو (♀ Takehiko ژاپنی) فرزند شجاع دانا.

تالی (♀ Thalei یونانی) گل دادن، شکفتن، از ریشه‌ی یونانی qalie

(شکفتن) [ایزدبانوی کم‌دی، از موزها].

تالیا (♀ Thalia یونانی) عجل، شتابزده، از ریشه‌ی یونانی باستان

qalia (شتاب، عجله) [از فرشتگان دریا، ایزدبانوی کم‌دی، از موزها].

تالینه (♀ Taline ارمنی) اسم صومعه‌ایست.

تامیکو (♀ Tamiko ژاپنی) فرزند فراوانی و ثروت.

تانِی (♀ Tani ژاپنی) دره.

تانیت (♀ فنیقی) مارِ ماده، از ریشه‌ی آرامی [ایزدبانوی فنیقی].

تبع (♂ عربی) مردانه و نیرومند، از ریشه‌ی حبشی ተበ (تبع) به همین معنا

[لقب شاهان باستانی یمن]

تبع‌اله (♂ عربی) مرد نیرومندِ خداوند، به خط ثمودی به صورت

𐤅𐤓𐤕𐤍 و 𐤅𐤓𐤕𐤍 ثبت شده است، بر ساخته از 𐤅𐤓𐤕𐤍 (مرد نیرومند)

در زبان حبشی و اله (خدا) [شاه باستانی یمن]

تحوریس (♀ Thoris مصری باستان) یگانه‌ی بزرگ [ایزدبانوی حامی زنان

باردار].

تُخومین (♂ Txomin باسک) دومینیک

تِرپسیکورِه (♀ Terpsichore یونانی) کسی که دوست دارد برقصد، از

ریشه‌ی یونانی terpsi (دوست داشتن) و corh (رقص) [ایزدبانوی رقص،

از موزها].

تِرِسرُو (♂ Tercero اسپانیایی) سومی، از ریشه‌ی لاتین tri (سومی)

[نامی مرسوم برای سومین پسر].

ترشیش (♂ Tarshish عبری) سخت، محکم [پسر یوان، جد

اسپانیایی‌ها].

ترلان/طرلان (♂ ترکی) شهباز، پرنده‌ی شکاری.

تِرِنس (♂ Terrence لاتین) لطیف [شاعر و ادیب رومی].

تِرِوور (Trevor ♂ آنگلو ساکسون) دهکده‌ی بزرگ.

تری‌تونه (Tritone ♀ یونانی) سومین ملکه، از ریشه‌ی یونانی باستان tri
(سه) و tonh (ملکه) [از ایزدبانوان دریا].

تری‌توخمه (♂ پارسی) دارنده‌ی سه تخم، بسیار مردانه، بر ساخته از ریشه‌ی
پارسی باستان تری (سه) و توخمه (تخم) [از اشراف پارسی دوران هخامنشی]
تریستان (Tristan ♂ سلت) آشوبگر، غوغاگر، از ریشه‌ی سلتی
drest (غوغا، آشوب)، گاه برای این نام ریشه‌ی لاتین tristus (غم و
غصه) را ذکر می‌کنند و «غمگین» ترجمه‌اش می‌کنند که درست نیست [قهرمان
داستان تریستان و ایزولد].

تریسی (Tracey ♂ گُل - فرانسه‌ی کهن) راه.

ترینیداد (Trinidad ♂ اسپانیایی) تثلیث، از ریشه‌ی لاتین tri
(سومی).

تریون (Therion ♂ یونانی) جانور، وحش، از ریشه‌ی یونانی باستان
qerion (جانور) [لقب پسر شیطان/ دجال در انجیل یوحنا].

تِزئوس (Theseus ♂ یونانی) منسجم، منظم، از ریشه‌ی یونانی باستان

tiquesqai (جمع کردن و نظم دادن) [پسر اژه، از پهلوانان آخائی].

تقی (♂ عربی) پرهیزگار، از ریشه‌ی تقی (پرهیز کردن).

تَکِش (♂ ترکی) غایت، پایان [از شاهان خوارزمشاهی].

تِکومِش (Tecumesh ♂ سرخپوستی) پلنگی که از کناری می‌گذرد، از

ریشه‌ی شاوونی [رهبر قبیله‌ی شایان در انتهای قرن نوزدهم].

تَکین (♂ ترکی) زیبارو، پهلوان.

تِلستو (Telesto ♂ یونانی) موفقیت، از ریشه‌ی یونانی باستان teles

(غایت، پایان) و ste (ایستادن).

تِلِفاسا (Telephasa ♀ یونانی) آن کسی که از دور می‌درخشد، از

ریشه‌ی یونانی باستان tele (دوردست) و fasa (درخشیدن) [همان

آگریوپه است].

تِمیس (Themis ♀ یونانی) قانون، از ریشه‌ی یونانی باستان qhmis

(قانون) [ایزدبانوی انجمنها].

تمیستوکلس (Themistocles ♂ یونانی) افتخار قانون، از ریشه‌ی

یونانی باستان qhmis (قانون) و klha (افتخار) [سردار آتنی].

تمیم (♂ عربی) کامل در آفرینش، از ریشه‌ی تمم (کمال) [نام دو جد قبیله‌ی

جاهلی].

تَنسُکواتاوا (Tenskwatawa ♂ سرخپوستی) در گشوده، از ریشه‌ی

شاوَنی [پیامبر شایان‌ها در قرن نوزدهم].

تو (♀ ♂ Tu) چینی) زمین، خاک.

تورَئه (♀ Thoe یونانی) سرعت.

توبال (Tobal ♂ عبری) جهانی، فراگیر [دولت‌شهری در شمال سوریه].

توبیاه (Tobiah ♂ عبری) یهوه خوب است، از ریشه‌ی عبری توبی

(خوب) و آه (یهوه).

توت (Thot ♂ مصری باستان) همانند لک‌لک، یا دارنده‌ی تعادل، توت

شکلی یونانی‌شده از نامی مصری است که در اصل «دخوتی» (wt̥y) نوشته

شده و احتمالاً «دی‌خاوتی» (i aut̥) خوانده می‌شده است. ریشه‌ی مصری

این اسم دوت (پیامبر) یا تهوتی (متعادل ساختن) است و یا به روایتی از از

ریشه‌ی دخو «W» به معنای لک‌لک گرفته شده است [خدای نوشتار و خط و جادو].

توتانخامون (Tutankhamun ♂ مصری باستان) تصویر زنده‌ی آمون، از ریشه‌ی مصری باستان توت (تصویر)، آنخ (حیات) و آمون (نام خدایی است) [از فراعنه‌ی دودمان هژدهم].

توت‌موزیس (Tuthmosis ♂ مصری باستان) فرزند توت، از ریشه‌ی مصری باستان توت (خدای خط و نویسایی) و موسیه (فرزند) [نام چند تن از فراعنه‌ی دودمان هژدهم].

تودیا (Tudia ♀ مصری باستان) محبوب «یا»،

تور (Thor ♂ آلمانی) تندر، از ریشه‌ی نوردیک باستان dorr (صاعقه) [خدای توفان].

تورا (Tora ♂ آنگلوساکسون) تپه.

تورسِت (Tworset ♂ مصری باستان) بانوی نیرومند، از ریشه‌ی مصری باستان تو (بانو) و اورسِت (نیرومند) [ملکه‌ی مصر، آخرین فرعون دودمان نوزدهم].

تورکیل (Torquil ♂ آلمانی) کلاهخود تور، از ریشه‌ی آلمانی باستان

Tor (نام خدای رعد) و quıl (کلاهخود).

توروپوله (Tauropole ♂ یونانی) کردار گاو، از ریشه‌ی یونانی باستان

tauros (گاو نر) و polhs (کردار، رفتار).

توس (♂ پارسی) تناور و نیرومند، از ریشه‌ی اوستایی تئوسه [از پهلوانان

شاهنامه].

توشتری (♂ هندی) فضا، مکان، در سانسکریت त्वष्ट्र به معنای نجار و

تراشنده هم هست [ایزد فضا و مکان در وداها]

توفیق (♂ عربی) پیروزی، کامیابی، از ریشه‌ی فوق (همراهی [بخت]).

توکولتی نینورتا (♂ آشوری) به نینورتا (خدای جنگ) توکل می‌کنم، از

ریشه‌ی آشوری توکولتی (توکل می‌کنم) [شاه آشور].

توگرمه (Togarma ♂ عبری) قوی [پسر گومر].

تولا (Tula ♂ عبری) سرخ جامه.

توماس (Thomas ♂ عبری) دو قلو، از ریشه‌ی آرامی ته اومیا (همزاد،

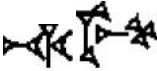
دوقلو) [از حواریون مسیح].

تومیریس (♀ پارسی) نیرومند بالیده، احتمالا شکل اصلی اش تهم‌ریش بوده که در یونانی به تومیریس تحریف شده است [نام ملکه‌ی ماساگت‌ها در دوران کوروش بزرگ]

تومیکو (♀ Tomiko ژاپنی) فرزند ثروت.

تَهْمینه (♀ پارسی) تناور، نیرومند، از ریشه‌ی اوستایی تَخْمَه (نیرومند) و این (پسوند نسبت) [همسر رستم و مادر سهراب].

تیامت (♀ اکدی) دریا، از ریشه‌ی اکدی اَمتو  (دوشیزه و باکره) و

پسوند تی که روی هم رفته تیامت  خوانده می‌شود [خدای آشوبِ آغازین در بابل باستان].

تیتان (Titan ♂ یونانی) غول، دیو [نام نژادی از غول‌ها که فرزندان گایا و اورانوس بودند].

تیتْخِپُروِر (Titkheperure ♂ مصری باستان) تصویر دگردیسیِ رع، از ریشه‌ی مصری باستان تیت (تصویر)، خپرو (دگردیسی) و رع [لقب پسوسنس دوم، از فراعنه‌ی دودمان بیست و یکم].

تیر (Tyr ♂ آلمانی) جنگ، نبرد، از ریشه‌ی نوردیک باستان tiwas
(نبرد) [همتای زئوس].

تیراس (Tiras ♂ عبری) آرزوی والدین.

تیراه (Tirah ♂ عبری) سرگردان.

تیرم (♀ ترکی) بانوی بزرگ.

تیکه (Tyche ♀ یونانی) بخت، از ریشه‌ی یونانی باستان tuch (بخت،
شانس).

تیگران (♂ پارسی / ارمنی) تیز، تند، از ریشه‌ی پهلوی تیگرَه (تیز) [نام اصلی
دجله (تیگرَه) و نام ببر در زبانهای ژرمنی (tiger) از همین ریشه است].

تیگلت پیلسر (♂ آشوری) من به آشور متکی هستم، از ریشه‌ی آشوری
توکولتی اپیر (توکل می‌کنم به) و آشرَه (آشور، خدای بزرگ آشوریان) [نام چند
شاه بزرگ آشوری].

تیم (♂ عربی) تباهی عقل در اثر عشق [نام چند جد جاهلی].

تیموتی (Timothy ♂ عبری / یونانی) خدای محترم، از ریشه‌ی یونانی
timos (احترام) و qeos (خدا).

تیمور (♂ ترکی) فولاد [جهانگشای تاتار].

تیمورتاش (♂ ترکی) سنگ آهن، از ریشه‌ی ترکی تیمور (آهن) و تاش

(سنگ) [از دولتمردان عصر رضا شاه].

تیمون (Timon ♂ عبری) احترام، از ریشه‌ی یونانی timos (احترام).

ث

ثائر (♂ عربی) کشنده، خونخواه، اسم فاعل از ریشه‌ی ثار (قصاص کردن).

ثابت (♂ عربی) پایدار، اسم فاعل از ریشه‌ی ثبت.

ثامر (♂ عربی) میوه دهنده، از ریشه‌ی ثمر (میوه).

ثریتا/ثریتی (♀ پارسی کهن) سومی، برگرفته از ریشه‌ی اوستایی تری 𐬰𐬀𐬎𐬭𐬀

(سه) [نام دختر زرتشت]

ثعلب (♂ عربی) روباه.

ثمین (♂ عربی) گرانبها، صفت از ریشه‌ی ثمن (ارزش).

ثواشه (♂ پارسی کهن) جا و مکان، فضا، از ریشه‌ی اوستایی 𐬰𐬀𐬎𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀

به همین معنا، همتای توشتری در متون ودایی. مشتق از ثوارته‌ی هند و ایرانی

به معنی جا و فضا که خود از ریشه‌ی هند و اروپایی «تور/تور» به معنای

شتافتن و حرکت کردن ساخته شده است. [ایزد فضا و گاه زمان در متون

اوستایی]

ج

جایز (Jabez ♂ عبری) غم.

جاد (♂ عربی) نیکو، بخشاینده.

جادون (Jedon ♂ عبری) سپاسگذار.

جارد (Jared ♂ عبری) نازل شده [فرزند شیث].

جاسیر (♂ عربی) گستاخ، بی‌باک، اسم فاعل از ریشه‌ی جسر (جسارت).

جاسم (♂ عربی) تنومند، اسم فاعل از ریشه‌ی جسم.

جالوت / گولیات (Goliath ♂ عبری) آشکار، نمایان [پهلوان کنعانی].

جاماسپ (♂ پارسی) دارنده‌ی اسب، راهبرِ اسب، از ریشه‌ی اوستایی جام

(داشتن، مهار کردن) یا ژم (رهبر) و آسپَه (اسب) [وزیر و موبد گشتاسپ].

جامع (♂ عربی) فراگیر، کامل، اسم فاعل از ریشه‌ی جمع.

جان (John ♂ عبری) یهوه افتخارآفرین است، از ریشه‌ی عبری یون (پر افتخار) و آه (یهوه).

جاهد (♂ عربی) تشلاگر، اسم فاعل از ریشه‌ی جهد.

جبار (♂ عربی) غلبه کننده، چیره، اسم فاعل از ریشه‌ی جبر (چیرگی) [از القاب خداوند].

جَبَل (Jabal ♂ عبری) رودخانه، از ریشه‌ی سامی [نخستین چادرنشین].

جَت (Djet ♂ مصری باستان) هوروسِ مار کبرا، از ریشه‌ی مصری باستان [از فراعنه‌ی دودمان نخست].

جَترو (Jethro ♂ عبری) فراوانی.

جَتْسِمانی (Getsemane ♀ عبری) ظرف روغن، روغندان [باغی که رومیان مسیح را در آن دستگیر کردند].

جَدْحور (Djedhor ♂ مصری باستان) هوروس گفت، از ریشه‌ی مصری باستان جد (گفتن) و حور (هوروس، خدای خورشید) [از فراعنه‌ی دودمان سی‌ام].

جِدْفِرِه (Djedefre ♂ مصری باستان) بردبار همچون رع، از ریشه‌ی مصری باستان جِدَف (تحمل کردن) و رع (خدای خورشید) [از فراعنه‌ی دودمان چهارم].

جِدْکَارِے (Djedkare ♂ مصری باستان) روح رع تحمل می‌کند، از ریشه‌ی مصری باستان جِد (تحمل کردن)، کا (روح) و رع [از فراعنه‌ی دودمان پنجم].

جُدَیْمِه (♂ عربی) سریع و چابک، اسم مصغر از ریشه‌ی جذم (سریع) [شاه بنی‌لخم].

جِر (Djer ♂ مصری باستان) هوروس که یاری می‌کند، از ریشه‌ی مصری باستان [از فراعنه‌ی دودمان نخست].

جِرَالْد (Gerald ♂ آلمانی) شاهِ نیزه، از ریشه‌ی آلمانی ger (نیزه) و wald (شاه).

جِرْج / ژِرژ / گئورک / گئورگیوس (George ♂ یونانی) دهقان، کشاورز.

جِردن (Jordan ♂ عبری) جاری، نام رود اردن، از ریشه‌ی آرامی یَرَد (به پایین جاری شدن).

جرملقارت (DjerMelquart ♂ فنیقی) مشتری ملقارت.

جرمیه (Jermiah ♂ عبری) تعالی خدا، از ریشه‌ی عبری جرم (بالا رفتن) و آه (یهوه) [از نبی‌های یهودی].

جرهم (♂ عربی) جدی در کار نیک [جرهم بن قحطان: جد جاهلی قبیله‌ای در یمن].

جریر (♂ عربی) افسار شتر [جریر بن بدر: شاعری جاهلی].

جسر خپرورع ستنرع (♂ Djeserkheperure Setepenre) مصری باستان) تجلیات رع که توسط وی برگزیده شده‌اند مقدس هستند، از ریشه‌ی جسر (مقدس)، خپر (ظهور)، ستن (برگزیدن) و رع (ایزد خورشید) [لقب حورم حب، آخرین فرعون دودمان هژدهم].

جسرکارع (♂ Djeserkare) مصری باستان) روح رع مقدس است، از ریشه‌ی مصری باستان جسر (مقدس)، کا (روح) و رع [لقب آمن حوتپ اول از فراغنه‌ی دودمان هژدهم].

جسور (♂ عربی) شجاع، از ریشه‌ی جسر (جسارت).

جعفر (♂ ♀ عربی) رودخانه، ماده شتر شیرده.

جفتان (Jephtan ♂ عربی) او آزاد می‌نشیند.

جلال (♂ عربی) پرشکوه، از ریشه‌ی جلال (شکوه) [از القاب خداوند].

جلوان (♂ عربی) کاشف حقیقت، از ریشه‌ی جلی (آشکار ساختن).

جلیل (♂ عربی) شکوهمند، بلندمرتبه، صفت از ریشه‌ی عربی جلیل (شکوه)

[از القاب خداوند].

جمال (♂ عربی) زیبارو، صفت از ریشه‌ی جمل (زیبایی) [جمالزاده].

جمشید (♂ پارسی) شاه جم، یا جم درخشان، از ریشه‌ی یمّه (برابر با یمّه در سانسکریت) و خَشِیْتَه (درخشان) یا خَشَوِی (شاه) [پادشاه بزرگ اساطیری، بنیانگذار نوروز].

جمیل (♂ عربی) زیبارو، صفت از ریشه‌ی جمل (زیبایی).

جمیله (♀ عربی) زیبارو، صفت هم‌ریشه‌ی جمال.

جِمنی (Gemini ♂ لاتین) دوقلو، از ریشه‌ی لاتین [نام برج خرداد].

جناح (♂ عربی) بال [محمد علی جناح].

جَنْدُب (♂♀ عربی) نوعی ملخ [نام کوچک ابوذر غفاری].

جَنَد (♂ عربی) سپاه کوچک، اسم تصغیر از ریشه‌ی جند (سپاه).

جَنِيفِر / جَنِی (Jennifer/ Jenny ♀) آنگلو ساکسون (خوب و نرم).

جو (Ju ♀) چینی (گل مینا).

جوئیل (Joel ♂) عبری (یهوه خداست، از ریشه‌ی عبری جوه (یهوه) و

ایل (خدا).

جواد (♂ عربی) بخشنده، صفت از ریشه‌ی جود (بخشش).

جواد (♂ ♀ عربی) بخشنده، اسب تندرو، اسم فاعل از ریشه‌ی جود.

جوب (Jub ♂) عبری (گریان).

جوبال (Jobal ♂) عبری (شیپور، از ریشه‌ی سامی [نخستین موسیقیدان].

جورو (Juro ♂ ژاپنی) پسر دهم.

جوشوا/ یوشع (Jushua ♂) عبری (یهوه نجات بخش است، از ریشه‌ی

عبری جوه (یهوه) و شوا (نجات دادن) [از نبی‌های یهودی].

جوشیا (Joshia ♂) عبری (آتش خداوند، از ریشه‌ی عبری جوه (یهوه)

و شیه (آتش).

جونکو (Junko ♀) ژاپنی (فرزند خالص).

جوہوشافت (Johushapheth ♂ عبری) یھوه داوری می‌کند، از

ریشه‌ی عبری جوہ (یھوه) و شافت (داوری کردن).

جوی (Joy ♂ گل - فرانسه‌ی کهن) لذتبخش.

جویس (Joyce ♂ گل - فرانسه‌ی کهن) ارباب.

جَهَم (♂ عربی) ترشرو و عبوس [جهم بن صفوان: رهبر جهمیه، فرقه‌ای از معتزله].

جَهَن (♂ پارسی) کشنده و کوبنده، از ریشه‌ی اوستایی ژئجَنیشْتَه (کوبنده و ویرانگر) [از پهلوانان شاهنامه].

جَهِیر (♂ عربی) دارای صدای رسا، از ریشه‌ی جهر (بانگ بلند).

جیا (Jia ♀ چینی) زیبا.

جیانگ (Jiang ♂ ♀ چینی) رودخانه.

جیران (♀ ترکی) آهو، غزال.

جیرو (Jiro ♂ ژاپنی) پسر دوم.

جیسون (Jason ♂ عبری) ترمیم شده، شفا یافته، از ریشه‌ی یونانی

iaqai (ترمیم شدن).

جیلان (♀ عربی) انتخاب، اختیار.

جین (♀ ♂ Jin چینی) فلز، طلا، پول.

جینگ (♀ ♂ Jing چینی) جوهر، پایتخت.

چ

چائو (♂ Chao) چینی) گذر کردن.

چارلز (♂ Charles) آلمانی) آزاده.

چاندرا (♂ Chandra) هندی) ماه، از ریشه‌ی سانسکریت.

چانگ (♂ Chang) چینی) ثروت، نرمی، قدرت.

چرنوبوگ (♂ Chernobog) اسلاو) خدای سیاه، از ریشه‌ی اسلاوی

chern (سیاه) و bog (خدا).

چغری بیگ (♂ ترکی) امیر عقاب، از ریشه‌ی ترکی چرغ (مرغی شکاری) و

بیگ (ارباب) [برادر طغرل، شاه سلجوقی].

چنگ (Cheng ♂ چینی) کامیاب.

چوبینه (♂ پارسى) ژوبین، از ریشه‌ی پارسی باستان ژوبین (نیزه‌ی کوتاه)
[لقب بهرام، شاه ساسانی].

چون (Chun ♂ چینی) بهار.

چیبوزو (♂ آفریقایی) خدا، رهبر، از ریشه‌ی آفریکان،

چیزوبا (♂ آفریقایی) خدا ما را حفظ کند، از ریشه‌ی
آفریکان.

چیش پیش / شیش پیش / تیش پس (♂ پارسی) نوسازنده، احیاگر (؟) از ریشه‌ی
ایلامی پیش (از نو ساختن) [جد کوروش بزرگ]

چیکا (♀ Chika ژاپنی) دانش.

چیکاکو (♀ Chikako ژاپنی) فرزند دانش.

چین (♂ ♀ Chin چینی) فلز، طلا.

ح

حاتم (مُ عربی) قاضی، اسم فاعل از ریشه‌ی حتم (داوری کردن) [شاعری از
قبیله‌ی طی].

حادی (مُ عربی) کسی که شتران را با خواندن آواز می‌راند، اسم فاعل از
ریشه‌ی حدی (آواز خواندن برای شتر).

حارث (مُ عربی) شخم زننده، شیر درنده، اسم فاعل از ریشه‌ی حرث
(شکافتن) [حارث ابن جبلة: امیر بنی‌حفنه در شام].

حارس (مُ عربی) نگهبان، از ریشه‌ی حرس (پاسبانی کردن).

حارسِیسه (Harsiese ♂ مصری باستان) هوروس پسر ایزیس است، از ریشه‌ی مصری باستان حار (هوروس، خدای خورشید)، سی (پسر) و ایسه (ایزیس، از ایزدان مهم) [آخرین فرعون دودمان بیست و دوم].

حازم (♂ عربی) محتاط، اسم فاعل از ریشه‌ی حزم.

حاسِم (♂ عربی) قاطع، از ریشه‌ی حسم (بریدن).

حافظ (♂ عربی) حفظ کننده، یادآور، اسم فاعل از ریشه‌ی حفظ [لقب حفظ کنندگان قرآن].

حام (Ham ♂ عبری) تاریکی [پسر نوح].

حامد (♂ عربی) ستایشگر، اسمفاعل از ریشه‌ی حمد.

حَبَاب (♀ عربی) معشوقه، اسم فاعل از ریشه‌ی حبّ.

حُبَاب (♂ عربی) دوست داشتنی، از ریشه‌ی حِبب (دوست داشتن).

حَبَاکوک / حَبْقُوق (Habakuck ♂ عبری) آغوش عشق.

حِبَّان (♂ عربی) محبوب، از ریشه‌ی حِبب (دوست داشتن) [ابن حبان: مورخ و جغرافیدان عرب].

حیبب (♂ عربی) دوست، از ریشه‌ی حِبب (دوست داشتن).

حَبِير (Habir ♂ عبری) خدا بر می‌خیزد.

حِث (Heth ♂ عبری) وحشتناک [پسر کنعان، جد هیتی‌ها].

حَت شپ سوت (Hatshepsut ♀ مصری باستان) نجیب‌ترین بانوان، از ریشه‌ی مصری باستان حَت (برترین) و شِپسو (نجیب‌زاده) [ملکه‌ی مشهور مصر در دودمان هژدهم].

حِتْفَرْمَات (Hetephermaat ♂ مصری باستان) عدالت شادی‌آور است، از ریشه‌ی مصری باستان حِتْفَر (شادی‌آفرین) و مَات (عدالت) [لقب مرن‌پتاح، از فراعنه‌ی دودمان نوزدهم].

حجاج (♂ عربی) کسی که زیاد به حج می‌رود، صاحب حجت قوی، از ریشه‌ی حج [حاکم خونخوار ایران در قرن اول هجری].

حدید (♂ عربی) قاطع و تندخو، صفت از ریشه‌ی حدد (شدت، تندی) [لقب آهن].

حُر (♀ عربی) اسب آزاد شده، جوجه کبوتر، بچه‌ی آهوی ماده، استعاره است برای آزادگی، از ریشه‌ی حرر.

حِران (Harran ♂ عبری) روشن، نورانی.

حردان (♂ عربی) خشمگین.

حِری حور (Herihor ♂ مصری باستان) خدای خورشید مرا حفاظت می‌کند، از ریشه‌ی مصری باستان حِری (مرا حفاظت می‌کند) و حور (هوروس، خدای خورشید) [بنیانگذار دودمان کاهنان تِب].

حزائیل (Hazael ♂ عبری) بیننده‌ی خدا، از ریشه‌ی عبری حزا (دیدن) و ایل (خدا).

حزقیال (Azkiel ♂ عبری) یهوه تواناست، از ریشه‌ی عبری حزقی (توانستن) و ایل (خدا) [از نبی‌های یهودی].

حُسام (♂ عربی) شمشیر برنده، از ریشه‌ی حسم (بریدن) [حسام ابن ضرار الکلبی: امیری در اندلس].

حَسَّان (♂ عربی) مزین کننده [حسان بن ثابت: مداح حضرت محمد].

حسن / حسین / محسن / احسان (♂ عربی) زیبا، نیکو، از ریشه‌ی عربی حُسن.

حسیب (♂ عربی) محاسبه‌گر و بزرگوار، صفت از ریشه‌ی عربی حسب (حساب کردن) [از القاب خداوند].

حِصیف (♂ عربی) نیکو رأی، مدبر، صفت از ریشه‌ی حصف.

حُصَيْن (♂ عربی) جای محکم و استوار، اسم تصغیر از ریشه‌ی حصن.

حَطَّان (♂♀ عربی) بز نر [حطان بن المعلى: شاعر مشهور عرب].

حَفْزِیَابه (♀ Hephzibah عربی) شادی من در اوست.

حَفْص (♀ عربی) بچه شیر [حفص بن السلیمان الهمدانی: اولین وزیر حکومت‌های اسلامی].

حَفْصه (♀ عربی) بچه شیر ماده [نام دختر عُمر بن خطاب].

حَفِیْظ (♂ عربی) دارنده، کسی که حفظ کرده، صفت از ریشه‌ی حفظ.

حَقَائِی (Haghai ♂ عربی) تنبل.

حَقَامَاتِرع (Heqamaatre ♂ مصری باستان) عدالت رع حاکم است، از ریشه‌ی مصری باستان حقا (حاکم)، مآت (عدالت)، و رع [لقب رامسس چهارم، از فراعنه‌ی دودمان بیستم].

حَقَاوَسِیت (Heqawaset ♂ مصری باستان) سلطان تب، از ریشه‌ی مصری باستان حقا (حاکم) و وْسِیت (تب، شهری در مصر) [لقب آمن مسس، از فراعنه‌ی دودمان نوزدهم].

حَقایونو (Heqaiunu ♂ مصری باستان) حاکم شهر آفتاب، از ریشه‌ی مصری باستان حقا (حاکم) و یونو (هلیوپولیس، شهر آفتاب) [لقب رامسس سوم از فراعنه‌ی دودمان بیستم].

حکیم (♂ عربی) خردمند، پزشک، صفت از ریشه‌ی عربی حکم (داوری کردن) [از القاب خداوند].

حلیم (♂ عربی) بردبار، صفت از ریشه‌ی حلم (بردباری) [از القاب خداوند].
حلیمه (♀ عربی) بخشنده، شکیبا، صفت از ریشه‌ی حلم [دایه‌ی حضرت محمد].

حمّاد (♂ عربی) بسیار سپاسگذار، اسم فاعل از ریشه‌ی حمد [لقب گروهی از محدثان].

حمام (♂ ♀ عربی) کبوتر.

حمدان (♂ عربی) ستایشگر، اسمفاعل از ریشه‌ی حمد.

حمزه (♂ ♀ عربی) شیر درنده [نام عموی حضرت محمد].

حَمورابی (♂ بابلی) حَمو خدای من است، از کلمات بابلی حَمو (از خدایان سامی غربی) و رابی (خدای من است) [بنیانگذار امپراتوری بابل].

حمید (♂ عربی) ستوده، ارجمند، اسم فاعل از ریشه‌ی حمد (ستایش) [از
القاب خداوند].

حنانه (♀ عربی) مهربان، اسم فاعل از ریشه‌ی حنّ.

حنانیه (Hananiah ♂ عبری) یهوه باشکوه است، از ریشه‌ی عبری
حنان (باشکوه) و یاه (یهوه).

حنیف (♂ عربی) پایدار در دین، صفت از ریشه‌ی حنف (پارسایی) [لقب
پیروان حضرت ابراهیم].

حوا (♀ Eve عبری) زندگی، از ریشه‌ی سامی [زن حضرت آدم].

حوٲٲ سِخْمُوْی (Hotepsekhemwy ♂ مصری باستان) خوشنود از
قدرت، از ریشه‌ی مصری باستان حوٲٲ (راضی)، سِخْمُوْی (قدرتِ دوگانه)
[نخستین فرعون دودمان دوم].

حورمِ حِب (Horemheb ♂ مصری باستان) هوروس در حال پایکوبی
است، از ریشه‌ی مصری باستان حور (هوروس، خدای خورشید) و حِب (شن،
پایکوبی) [آخرین فرعون از دودمان هژدهم].

حوسیا/ هوشع (Hosea /Hossiah ♂ عبری) رستگاری.

حویلَه (Havila ♂ عبری) دایره [پسر کوش].

حیدر (♂ ♀ عربی) شیر کوتاه قد [لقب حضرت علی].

حیدر (♂ عربی) صفت شیر [لقب حضرت علی].

حیرام (Hiram ♂ عبری) برادر متعالی، از ریشه ی فنیقی آحی (برادر) و

رام (بلندی) [شاه فنیقیه در عصر سلیمان].

خ

خائِمِ واسِیتِ مِرِنِ آمونِ نِجِرِ حَقایونو (Khaemwaset ♂
merenamun Netjerheqaiunu مصری باستان) برآمده از تِب،
محبوبِ آمون، حاکمِ الهیِ شهرِ آفتاب، از ریشه‌ی مصریِ باستانِ خائِمِ (پدیدار
شده در)، واسِیتِ (شهرِ تِب)، مِرِنِ (محبوب)، آمون، نِجِرِ (الهی)، حَقا (حاکم) و
یونو (هلیوپولیس) [لقبِ رامسس یازدم، از فراعنه‌ی دودمانِ بیستم].
خابا (Khaba ♂ مصری باستان) روحِ آشکار می‌شود، از ریشه‌ی مصریِ
باستانِ خا (پدیدار شدن) و با (روح) [از فراعنه‌ی دودمانِ سوم].

خاتون (♀ ترکی) والاتبار، از ریشه‌ی ترکی کادین (اشراف‌زاده، لقب زن خاقان چین).

خاخاوریع (Khakhaure ♂ مصری باستان) آشکار همچون روح رع، از ریشه‌ی مصری باستان خا (پدیدار)، کا (روح) و رع [لقب سنوسرت سوم، از فراعنه‌ی دودمان دوازدهم].

خاخپرّع (Khakheperre ♂ مصری باستان) رع در هستی پدیدار می‌شود، از ریشه‌ی مصری باستان خا (پدیدار) و خپر (هستی یافتن) و رع [لقب سنوسرت دوم، از فراعنه‌ی دودمان دوازدهم].

خادم (♂ عربی) خدمت کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی خدمت.

خاریس (Charis ♂ یونانی) شکوه.

خازم (♂ عربی) مرتب کننده‌ی مروارید در رشته.

خازن (♂ عربی) گرد آورنده، ذخیره کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی خزن (انباشتن).

خاسِخِمِرِع (Khasekhemre ♂ مصری باستان) روح رع نیرومند است،
از ریشه‌ی مصری باستان کا (روح)، سِخِم (نیرومند)، و رع [لقب نفرحوتپ
اول، از فراعنه‌ی دودمان سیزدهم].

خاسِخِمَوِی (Khasekhemwy ♂ مصری باستان) آن دو نیرومند آشکار
می‌شوند، از ریشه‌ی مصری باستان خا (آشکار شدن) و سِخِمَوِی (دو نیرومند)
[آخرین فرعون دودمان دوم].

خاشع (♂ عربی) فروتن، اسم فاعل از ریشه‌ی خشع (فروتنی).

خالاگ (Khalag ♂ ارمنی) چشم آبی.

خالد (♂ عربی) جاویدان، پایدار، اسم فاعل از ریشه‌ی خلد (جاودانگی)
[خالد بن ولید: سردار مسلمان].

خالیون (Chalion ♂ یونانی) بی فکر.

خان بالغ (♂ ترکی) امیر شهر (یا ماهی)، از ریشه‌ی ترکی خان (امیر) و بالغ
(شهر، یا بالغ) [اسم مغولی پکن].

خبیر (♂ عربی) دانا، آگاه، صفت از ریشه‌ی خبر [از القاب خداوند].

خِپرکارع (Kheperkare ♂ مصری باستان) روح رع هستی می‌یابد، از ریشه‌ی مصری باستان خِپر (ظهور کردن، هستی یافتن)، کا (روح) و رع [لقب سنوسرت اول، از فراعنه‌ی دودمان دوازدهم].

خِپرماآت رع (Khepermaatire ♂ مصری باستان) عدالت رع پایدار است، از ریشه‌ی مصری باستان خِپر (پایدار بودن)، مآت (عدالت)، و رع [لقب رامسس دهم، از فراعنه‌ی دودمان بیستم].

خدِیجِه (♀ عربی) دختری که زودتر از موعد به دنیا آمده است [زن حضرت محمد].

خصیب (♂ عربی) زمین حاصلخیز.

خضر (♂ عربی) سبز [نام پیامبری است].

خطّاب (♂ عربی) بسیار خطبه‌خوان، صفت تفضیلی از ریشه‌ی خطب (سخن گفتن) [عمر بن خطاب: دومین خلیفه‌ی اسلام].

خَفْرَه (Khafre ♂ مصری باستان) آشکار همچون رع، از ریشه‌ی مصری باستان خا (پدیدار)، ف (شبیه به) و رع [از فراعنه‌ی دودمان چهارم و سازنده‌ی یکی از هرمهای سه گانه].

خلیل (♂ عربی) دوست یکدل، صفت از ریشه‌ی خلل (در دل نفوذ کردن)
[لقب حضرت ابراهیم].

خنوم (Khnum ♂ مصری باستان) آفریدن [خدای آبشار نیل].

خوئه (♀ ♂) (Xue چینی) برف.

خوتاویرع (Khutawwyre ♂ مصری باستان) رع دو سرزمین را حفظ
کند، از ریشه‌ی مصری باستان خو (حفظ کردن)، تاوی (دو سرزمین) و رع
[نخستین فرعون دودمان سیزدهم، بیشتر با نام وگاف شناخته می‌شود].

خوفو (Khufu ♂ مصری باستان) حفاظت شده توسط خنوم، از ریشه‌ی
مصری باستان خنوم (اسم یک خدا) [از فراعنه‌ی دودمان چهارم، سازنده‌ی
بزرگترین اهرام سه گانه].

خون (Xun ♂ چینی) سریع.

خونسو (Khonsu ♂ مصری باستان) گذر کرده [خدای ماه، تقویم و
پزشکی].

خیانگ (♀ ♂) (Xiang چینی) خوشبو.

خیرون (♂ Chiron یونانی) دست، از ریشه‌ی یونانی باستان ciron

(دست) [سنتوری در تسالی که پزشکی چیره‌دست بود].

خیماروس (♂ Cheimarrhus یونانی) سیلابی، سیل‌واره.

خیمون (♂ Ximun باسک) شکل تغییر یافته‌ی شمعون/سیمون.

خیونه (♀ Chione یونانی) ملکه‌ی برف.

د

دئیون (Deion ♂ یونانی) غارتگر.

دا (Da ♂ چینی) شرق.

دائدالوس (Daedalus ♂ یونانی) دارای پوستِ زیاد [سنگ‌تراش و مهندسی از مردم اکریتس].

دادا (Dada ♂ آفریقایی) موی مجعد، از ریشه‌ی یوروبا،

دارا/ داراب (♂ پارسی) دارنده، از ریشه‌ی پارسی داشتن.

داردانوس (Dardanus ♂ یونانی) آتش زننده [پسر زئوس].

دارُسی (D'Arcy ♂ گل - فرانسه‌ی کهن) اهلِ آرسی، از ریشه‌ی گلِ D'

(مربوط به) و Arcy (اسم منطقه‌ای) [تاجری انگلیسی که اولین قرارداد استخراج نفت را با ایران بست]

دارلین (♀ Darleen آنگلو ساکسون) عزیز.

داریل (♂ Darryl گل - فرانسه‌ی کهن) اهلِ ایرِل، از ریشه‌ی گلِ 'D

(مربوط به) Airelle (اسم منطقه‌ای).

داریوش (♂ پارسی) دارنده‌ی نیکی [از شاهان هخامنشی].

داژبوغ (♂ Dazhdbog اسلاو) هدیه‌ی خداوند، خداداد، از ریشه‌ی

اسلاوی dazhd (هدیه کردن) و bog (خداوند).

داستین (♂ Dustin آلمانی) سنگِ تور، از ریشه‌ی نوردیک باستان

Dur/Du (تور، خدای توفان) و stin (سنگ).

دافنه (♀ Daphne یونانی) آراسته با برگ غار.

داگدا (♂ Dagda سلت) خدای خوب، از ریشه‌ی سلتی da (خوب) و

gda (خدا) [خدای زمین، جادو، خرد و ثروت].

داگلاس / دوج (♂ Douglas/ Doug آنگلو ساکسون) رود تیره، از

ریشه‌ی انگلیسی باستان daugh (تیره) و las (رود).

داگمار (♀ Brenda آلمانی) بانوی روز، از ریشه‌ی نوردیک باستان dag

(روز) و mar (بانو).

دالای (♂ ترکی) اقیانوس، عالی، جهانی [در نام دالایی لا ما باقی مانده است].

دامیسوس (♂ یونانی) Damysus فاتح.

دان (♂ عبری) داور [از قبایل دوازده گانه ی یهودی].

دانائوس (♂ یونانی) Danaus داور، قاضی، از ریشه ی یونانی باستان
danaus (قاضی).

دانائِه (♀ یونانی) Danae قاضی زن، اسم مادینه در یونانی باستان danah
(قاضی) [همسر زئوس و مادر پرسئوس].

دانیال (♂ عبری) Daniel خداوند داور من است، از ریشه ی عبری دانی
(داور من) و ایل (خدا) [از نبی های یهودی].

دانیکا (♀ اسلاو) Danika ستاره ی بامدادی.

داونوس (♂ یونانی) Daunus خفته.

داوود (♂ عبری) David محبوب، از ریشه ی عبری دود (دوست داشتن).

دایچی (♂ ژاپنی) Daichi نوه ی بزرگتر.

دبوراه/ دِبرا (♀ عبری) Debrah زنبور.

درّاج (♂ عربی) بسیار طواف کننده، از ریشه‌ی درج (دور چیزی گشتن)
[درّاج ابن زرعۀ الغبیانی: شاعر عصر اموی].

درّاس (♂ عربی) کسی که زیاد درس می‌خواند، از ریشه‌ی درس.

دراگومیر (Dragomir ♂ بلغاری) از ریشه‌ی بلغاری bron (حفاظت کردن) و mir (صلح، آرامش).

درموت (Dermot ♂ آنگلو ساکسون) بی‌حسد.

دروّلا (Dervla ♀ آنگلو ساکسون) دخترِ شاعر.

دِریخوس (Derychus ♂ یونانی) کسی که با چشم باز می‌خواهد.

دُرید (♂ عربی) بی‌دندان، کوچکِ خشمگین، اسمِ مصغر از ریشه‌ی دَرَد (خشم) [درید بن الصّمّه: شاعری جاهلی].

دریوِپس (Dryops ♂ یونانی) دارای چهره‌ی شبیه بلوط، سیه چرده، از ریشه‌ی یونانی باستان druos (بلوط) و ops (چهره) [از دلاوران آخایی در ایلیاد].

دزموند (Desmond ♂ آنگلو ساکسون) گوزن جنوبی.

دِسیسلاو (Desislav ♂ بلغاری) افتخار دهکده، از ریشه‌ی بلغاری
desi (دهکده) و slav (افتخار).

دعّاس (♂ عربی) سخت لگدمال کننده، نیزه‌دار، از ریشه‌ی دعس (لگدکوب
کردن).

دِکستر (Dexter ♂ لاتین) راست دست، از ریشه‌ی لاتین
دلایاه (♀ Delaiah عبری) یهوه نقش کرده، از ریشه‌ی عبری دلای
(کشیدن) و یاه (یهوه).

دِلْفینه (♀ Delphyne یونانی) رَحِم.
دلّله (♀ عربی) راهنما، هدایتگر، صفت از ریشه‌ی دلیل.
دلّله (♀ Delilah عبری) ظریف.

دِمِتر (♀ Demeter یونانی) مادرِ آبجو (؟)، از ریشه‌ی یونانی باستان
mhthr (مادر) [ایزدبانوی کشاورزی و درو].

دموستینس (Demosthenes ♂ یونانی) قدرت مردم، از ریشه‌ی یونانی
باستان demos (مردم) و sqena (قدرت) [خطیب و سیاستمدار آتنی].

دموفون (Demophon ♂ یونانی) صدای مردم، از ریشه‌ی یونانی باستان demos (مردم) و fon (صدا).

دموکریتوس (Democritus ♂ یونانی) قاضی مردم، از ریشه‌ی یونانی باستان demos (مردم) و kritikos (داور، قاضی) [فیلسوف یونانی].

دن (Den ♂ مصری باستان) هوروس که حمله می‌کند، از ریشه‌ی مصری باستان [از فراغنه‌ی دودمان نخست].

دوانام‌پریا (Devānāmpriya ♂ هندی) محبوب و مورد توجه خدایان، بر ساخته از دوانام (ایزدان) و پریا (محبوب) [لقب آشوکا شاه هند]
دوخه (♀ عربی) درختی بزرگ، تناور.

دودانیم (Dodanim ♂ عبری) رهبر [پسر یاور].

دوره‌گا (Durga ♀ هندی) دست نیافتنی، از ریشه‌ی سانسکریت [زن شیوا].

دوروس (Dorus ♂ یونانی) هدیه، از ریشه‌ی یونانی باستان doros (هدیه، پیشکش).

دوریس (Doris ♂ یونانی) بخشنده، از ریشه‌ی یونانی باستان doros (هدیه، پیشکش).

دوریوپه (♀ Doryope یونانی) دارکوب.

دوفونه (♀ Dophoene یونانی) خونین.

دوکالیون (♂ Deucalion یونانی) ملوانی که شراب خام حمل می‌کند

[پسر پرومته، همتای نوح، و پدر ایدومنه در اودیسه].

دوگال/ دویل (Dougall/ Doyle ♂ آنگلو ساکسون) بیگانه‌ی

سیه‌چرده، از ریشه‌ی انگلیسی باستان daugh (تیره) و al (بیگانه).

دولورس (♀ Dolores اسپانیایی) غمها، واژه‌ای اسپانیایی.

دولوفون (♂ Doulophon یونانی) مار زیرک.

دونالد (Donald ♂ آنگلو ساکسون) حاکم جهان.

دونکان (Duncan ♂ آنگلو ساکسون) جنگجوی سیاه، از ریشه‌ی انگلیسی

باستان daugh (تیره) و nkan (جنگجو).

دونگ (Dong ♂ چینی) زمستان.

دونوان (Donovan ♂ آنگلو ساکسون) سیه چرده کوچک اندام، از

ریشه‌ی انگلیسی باستان daugh (تیره) و nov (کوچک).

دوی (♀ Devi هندی) ایزبانو، از ریشه‌ی سانسکریت.

دیارمید (Diarmaid ♂ سلت) آزادمرد، از ریشه‌ی سلتی [پهلوانی ایرلندی].

دیائوس / دایوس (Diaus ♂ هندی) آسمان، روشن، برگرفته از نام سانسکریت द्यौष्पत्य (آسمان) [در اساطیر هندی پدر ایندره و آگنی است و در ایران نامش بر ماه دی باقی مانده]

دیاس (Dias ♂ یونانی) درخشان.

دیانا (Diana ♀ هندی) آسمانی، در زبان سانسکریت.

دیانو (Diano ♂ اسپانیایی) آسمانی، الهی، از ریشه‌ی لاتینی diaus (خدا).

دیپاک (Dipak ♂ هندی) چراغ کوچک.

دیدایون (Didaeon ♂ یونانی) با تجربه.

دیردُر (Deirdre ♀ آنگلوساکسون) زن.

دیرسِه (Dirce ♀ یونانی) شکاف، ترک.

دِیسی (Daisy ♀ آنگلوساکسون) چشم روز، از ریشه‌ی انگلیسی باستان

dai (روز) و sy (چشم).

دیفیلوس (Deiphilus ♂ یونانی) دوستدار غارت، از ریشه‌ی یونانی
باستان dei (غارت) و filus (دوستدار).

دیگکتیس (Dyctis ♂ یونانی) شبکه.

دیکه (Dike ♀ یونانی) قانون، عدالت، از ریشه‌ی یونانی باستان dikh
(عدالت).

دیلئون (Deileon ♂ یونانی) شیرِ غارتگر، از ریشه‌ی یونانی باستان dei
(غارت) و leon (شیر).

دیلان (Dylan ♂ سلت) دریا، به زبان ولش.

دیلان (Dylan ♂ آنگلو ساکسون) دریایی.

دیماخوس (Deimachus ♂ یونانی) غنیمت جنگی، از ریشه‌ی یونانی
باستان dei (غارت) و macus (جنگ).

دیماس (Deimas ♂ یونانی) ترسو، از ریشه‌ی یونانی باستان deimos
(ترس).

دیموس (Deimos ♂ یونانی) وحشت، هراس، از ریشه‌ی یونانی باستان

deimos (ترس) [پسر آرس، از ماه‌های سیاره‌ی بهرام].

دیناه (♀ Dinah عبری) توسط خدا داوری شده، از ریشه‌ی عبری دانی (داوری) و یاه (یهوه).

دیودوروس (♂ Diodorus یونانی) هدیه‌ی خداوند، از ریشه‌ی یونانی باستان dios (خداوند) و doros (هدیه).

دیوژن/دیوجانوس (♂ Diogenes یونانی) فرزند خدا، از ریشه‌ی یونانی باستان dios (خداوند) و genh (زائیدن) [فیلسوف یونانی].

دیوسکوری (♂ Dioscui یونانی) پسران خداوند، از ریشه‌ی یونانی باستان dios (خداوند) و koupi (پسران) [نام جمعی که برای کاستور و پولوکس به کار می‌رود]

دیوکلِس (♂ Diocles یونانی) افتخار خدا، از ریشه‌ی یونانی باستان dios (خدا) و klh (افتخار) [پسر اورتیلوک و شاه فرها در ایلپاد].

دیومِدِس (♂ Diomedes یونانی) همچون خدایان زیرک، از ریشه‌ی یونانی باستان dios (خدا) و medhs (زیرکی، اندیشه) [پهلوان آخایی در ایلپاد].

دیونِه (♀ Dione یونانی) ملکه‌ی الهی، از ریشه‌ی یونانی باستان dios
(خدا) [مادر آفرودیتِه].

دیونیسوس (♂ Dionysus یونانی) بره‌ی خداوند، از ریشه‌ی یونانی
باستان dios (خداوند) و nusos (بره) [ایزدِ شراب و تاک].

ذ

ذاکر (♂ عربی) زیرک، خوش حافظه، اسم فاعل از ریشه‌ی ذکر.

ذکی (♂ عربی) باهوش، از ریشه‌ی ذکی (ذکاوت).

ذوالفقار (♂ عربی) صاحب برجستگی، دنداندار، از ریشه‌ی فقره [اسم

شمشیر حضرت علی].

ذوالیمینین (♂ عربی) کسی که با هر دو دست به خوبی شمشیر می‌زند، از

ریشه‌ی یمین (دست راست) [طاهر ذوالیمینین: سردار ایرانی].

ر

رِئا (♀ Rhea یونانی) بسترِ زمین، جریان از ریشه‌ی یونانیِ رِئین (rhein) به

معنای جنبیدن و جریان یافتن [زن کروئوس، مادر زئوس و هرا]

رئی (♀ Rei ژاپنی) تشکر، لطف.

رائد (♂ عربی) کسی که هنگام کوچ قبیله مکانهای جدید را جست و جو

می‌کند، پیشتاز، از ریشه‌ی رَأَد (یافتنِ مکان) [در ارتش عراق و مصر

درجه‌ایست معادل سرگردی]

رائق (♂ عربی) صاف، بسیار زیبا، اسم فاعل از ریشه‌ی رَأَق (صاف)

[فرمانده‌ی ارتش عباسیان].

رائول (Reuel ♂ عبری) دوست خدا، از ریشه‌ی عبری رای (دوست) و

ایل (خدا).

رابعه (♀ عربی) سبزه، پربرکت، از ریشه‌ی ربیع (بهار) [از عرفای قرون نخستین اسلامی].

راتب (♂ عربی) دارای جیره‌ی ثابت و پابرجا، صفت از ریشه‌ی رتب (مرتب بودن).

راتی (♀ Rati هندی) آرامش، از ریشه‌ی سانسکریت.

راجر (♂ Roger آلمانی) نیزه‌ی مشهور، از ریشه‌ی آلمانی ru (مشهور) و ger (نیزه).

راجی (♂ عربی) امیدوار، اسم فاعل از ریشه‌ی رجی (امید داشتن).

راحله (♀ عربی) کوچ کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی رحل (کوچ گردی).

رادع (♂ عربی) مهار کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی ردع (جلوگیری کردن).

رادمیست (♂ پارسی) بزرگترین رادی، بخشنده‌ی بزرگ، احتمالا تحریفی

یونانی از راده‌مهیشت پارسی باستان است [شاه گرجستان در دوران اشکانی]

رادومیل (Radomil بلغاری) دوستدار شادمانی، از ریشه‌ی بلغاری

rad (شادی) و mil (دوست داشتن).

راسخ (♂ عربی) با نفوذ، با استقامت، اسم فاعل از ریشه‌ی رسخ (نفوذ کردن).

راسل (Russell ♂ گُل - فرانسه‌ی کهن) سرخ.

راشد (♂ عربی) برومند و تناور، اسم فاعل از ریشه‌ی رشد.

راشد (♂ عربی) رشد کرده، کامل، اسم فاعل از ریشه‌ی رشد.

راشیل (♀ Rachel عبری) جشن، عید.

راعی (♂ عربی) چوپان، اسم فاعل از ریشه‌ی رعی (گله‌بانی کردن).

راغب (♂ عربی) علاقمند، دوستدار، اسم فاعل از ریشه‌ی رغب (رغبت).

رافد (♂ عربی) عطا کننده، یاریگر، اسم فاعل از ریشه‌ی رفد (کمک کردن).

رافع (♂ عربی) بلند، بالا، اسم فاعل از ریشه‌ی رفع (بلندی).

راقی (♂ عربی) بالا رونده، نویسنده‌ی چشم‌زخم، دعانویس.

راما (Rama ♂ هندی) خوشبخت، از ریشه‌ی سانسکریت [پهلوان/خدایی

اساطیری]

رامح (Ramah ♂ عبری) لرزان [پسر کوش].

رامسس (Ramses ♂ مصری باستان) رع او را ایجاد کرده، از ریشه‌ی

مصری باستان رع و مِسیه (ساختن، زاییدن) [نخستین فرعون دودمان نوزدهم].

رامیرو (Ramiro ♂ اسپانیایی) پندِ زیانزد، اندرز مشهور، از ریشه‌ی گوتی

ragin (پند) و mari (مشهور).

ران (Ran ♀ ژاپنی) سوسن آبی.

رانِب (Raneb ♂ مصری باستان) رع سرور است، از ریشه‌ی مصری

باستان را (رع، خدای خورشید) و نب (سرور) [از فراغنه‌ی دودمان دوم].

راندولف (Randulf ♂ آلمانی) سپر گرگ، از ریشه‌ی آلمانی rand

(سپر) و wulf (گرگ).

رانی (Rani ♀ هندی) ملکه.

راوی (Rawi ♀ هندی) خورشید.

راهاب (Rahab ♂ عبری) پهناور، عظیم.

رایلی (Riley ♂ آنگلو ساکسون) چمنزار، از ریشه‌ی انگلیسی باستان

rai (چمن، علف) و ley (دشت).

رَباب (عربی) نوعی آلت موسیقی، ابر سفید [نام همسر امام حسین].

ربکا (Rebecca ♀ عبری) اسارت.

ربیع (عربی) بهار.

رجب (♂ عربی) هفتمین ماه قمری.

رحمان (♂ عربی) مهربان، بخشنده، صفت از ریشه‌ی رحم (بخشش) [از القاب خداوند].

رحیل (♂ عربی) کوچ، از ریشه‌ی رحل (کوچ‌گردی).

رحیم (♂ عربی) بخشنده، صفت از ریشه‌ی رحم (بخشش) [از القاب خداوند].

رَحْش اسب اصیل، درخشان، از ریشه‌ی پارسی باستانِ رَوُخْشَنَه (درخشان) [اسب رستم].

رزاق (♂ عربی) آورنده‌ی روزی، اسم فاعل از ریشه‌ی رزق (روزی) [از القاب خداوند].

رُستَم (♂ پارسی) تناور، کسی که رشد کرده و نیرومند شده، از ریشه‌ی اوستایی رُس (رستن، رشد کردن) و تَهْمَه (نیرومند) [ابریهلوان شاهنامه].

رسول (♂ عربی) پیامبر، از ریشه‌ی رسل (پیام) [لقب حضرت محمد].

رَشْنَواد (♂ پارسی) راستگو، از ریشه‌ی پهلوی رَشْن (راستی) و پسوندِ واد.

رشید (♂ عربی) برومند، نیرومند، صفت از ریشه‌ی رشد.

رشیق (♂ عربی) لطیف و سبک، صفت از ریشه‌ی رَشَق (لطف‌ت).

رضا (♂ عربی) راضی، از ریشه‌ی رضایت.

رطیب (♂ عربی) نرم، نازک و تازه، صفت از ریشه‌ی رطب (رطوبت).

رِفاعَةُ (♂ عربی) دارنده‌ی صدای بلند، از ریشه‌ی رفع (بلندی) [از صحابه‌ی مشهور].

رقیب (♂ عربی) پاسدار، نگهبان، صفت از ریشه‌ی عربی رقب (نگهداری کردن) [از القاب خداوند].

رقیه (♀ عربی) بنده، برده، از ریشه‌ی رقیّت.

رُقیه (♀ عربی) بنده، کنیز، از ریشه‌ی رقی (بندگی) [نام دختر حضرت محمد و همسر عثمان].

رمضان (♂ عربی) نهمین ماه قمری، از ریشه‌ی رمض (گرامی داشتن) [نام دو فقیه شافعی مشهور].

رن (♀ Ren ژاپنی) سوسن آبی (خلوص).

رو (Ru ♂ چینی) دانشمند.

روبرت (Robert ♂ آلمانی) شهرت درخشان، از ریشه‌ی آلمانی ru (مشهور) و bert (درخشان).

روبن (Reuben ♂ عبری) پسر را ببین! از ریشه‌ی عبری رأی (دیدن) و بن (فرزند) [پسر مهتر یعقوب از لیه].
روت (Ruth ♀ عبری) دوست.

رودابه (♀ پارسی) دارای جلوه‌ی زاینده، دارای ظاهر بالنده، از ریشه‌ی پهلوی روت (زایش، نمو، رشد) و آپک (جلوه، تابش) [نام زن زال و مادر رستم].

رودولف / رالف (Rudolf/Ralph ♂ آلمانی) گرگ مشهور، از ریشه‌ی آلمانی ru (مشهور) و wolf (گرگ).

روڈها (Rodha ♀ هندی) موفقیت، از ریشه‌ی سانسکریت.

روری (Rory ♂ آنگلو ساکسون) شاه سرخ.

روسو (Rocio ♂ اسپانیایی) شبنم، از ریشه‌ی لاتین.

روشنک (♀ پارسی) نورانی، از ریشه‌ی اوستایی رتوخشنه (روشن، نورانی).

روفوس (Rufus ♂ لاتین) سرخ، از ریشه‌ی لاتین [سرداری رومی].

روکسانا (♀ پارسی) نورانی، شکل یونانی شده‌ی روشنک است.

روکورو (Rokuro ♂ ژاپنی) پسر ششم.

روگناخ (Rioghnach ♀ سلت) ملکه، از ریشه‌ی سلتی [زن نیال].

رونالد، رژینالد (Ronald/ Reginald ♂ آلمانی) اندرز شاه، از

ریشه‌ی آلمانی regi (شاه) و nald (اندرز).

روندا (Rhonda ♂ آنگلو ساکسون) نیزه‌ی خوب.

رونک (Rong ♂ ♀ چینی) جنگی، رزمی.

رووان (Rowan ♂ آنگلو ساکسون) سرخ.

روی (Roy ♂ آنگلو ساکسون) سرخ.

رُهام (♂ پارسی) پاسدار، نگهبان، از ریشه‌ی اوستایی رَهْهَمْه، که بخش دوم

آن از ریشه‌ی تَمَهْه (مراقبت کردن) است [از پهلوانان شاهنامه‌ای].

ریاح (♂ عربی) باده‌ها، اسم جمع از ریشه‌ی ریح (باد) [جد عدنانی‌ها و

بنی تمیم].

ریاض (♂ عربی) سرزمینهای سرسبز، جمع روضه.

ریان (Ryan ♂ آنگلو ساکسون) شاه کوچک.

ریانرون (Rhianron ♀ آنگلو ساکسون) ملکه‌ی بزرگ.

ریپاث (Ripath ♂ عبری) دشمنان [پسر گومر].

ریچارد (Richard ♂ آلمانی) شاهِ سختگیر، از ریشه‌ی آلمانی ri

(شاه) و kard (سختگیر، عادل).

ریم سین (♂ اکدی) گاو میشِ سین، از ریشه‌ی اکدی ریم (گاو میش) و سین

(خدای ماه) [شاه ایلامی لارسا].

ریموند (Raymond ♂ آلمانی) خردمند.

ریو (Ryo ♂ ژاپنی) عالی.

ریوتا (Ryota ♂ ژاپنی) بسیار تنومند.

رؤوف (♂ عربی) مهربان، صفت از ریشه‌ی عربی رأف (مهربانی کردن) [از

القاب خداوند].

رؤیا (♀ عربی) آنچه که به خواب بینند، از ریشه‌ی رأی (دیدن).

ز

زابل (♀ Zabel ارمنی) همان ایزابل است.

زاراماما (♀ Zaramama سرخپوستی) مادرِ بذر، از ریشه‌ی کوئنچلان
[ایزدبانوی بذرِ اینکاها].

زاکی (♂ عربی) پاکیزه، از ریشه‌ی زکی (تزکیه).

زال (♂ پارسی) پیر، از ریشه‌ی اوستاییِ زَر (پیر شدن) که با یار و یر
سانسکریت به همین معنا خویشاوند است [پدر رستم].

زان (♀ Zan چینی) پشتیبانی، ستایش.

زاهد (♂ عربی) عبادت کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی زهد.

زبولون (Zabulun ♂ عبری) محترم یا ساکن [از قبایل دوازده‌گانه‌ی یهودی].

زبیده (♀ عربی) کوچکترین چیز نیکو، شکلِ مصغرِ ژبده [زن هارون الرشید و دختر جعفر برمکی].

ژبیده (♀ عربی) نخبه، برجسته، اسم تصغیر از ریشه‌ی زبده.

زخاریاه (Zekhariah ♂ عبری) یهوه به یاد می‌آورد.

زِدْکاکیب (♂ اکدی) عقرب، از ریشه‌ی اکدی [از شاهان باستانی سومر].

زرتشت / زردشت (♂ پارسی) دارنده‌ی شتر زرین، از ریشه‌ی اوستایی زَر (زرین) و اوشتَرَه (شتر) [پیامبر ایرانی].

زِروبابِل (Zerobabel ♂ عبری) زر بابلی، یا زاده شده در بابل [از احیاگران دین یهود در عصر هخامنشی].

زَریر (♂ پارسی) دارای زره طلایی، از ریشه‌ی اوستایی زَیری (زرین) و بَیریک (سینه، جوشن) [برادر گشتاسپ و اولین شهید دین زرتشتی].

زعیم (♂ عربی) سرور، از ریشه‌ی زعم (چیرگی، برتری).

زُغلول (♂♀ عربی) جوجه کبوتر، کنایه از آدم چالاک است.

زُغلول (♂ عربی) سبک و چابک.

زفانیاه (Zaphaniah ♂ عبری) خدا پنهان می‌شود، از ریشه‌ی عبری

زفانی (پنهان) و یاه (یهوه).

زکی (♂ عربی) پاکیزه، از ریشه‌ی زکی (تزکیه) [زکی یمانی: سیاستمدار

عرب].

زِلوس (Zelos ♂ یونانی) کوشا.

زلیخا (♀ عربی) پیشرو، پیشگام (Ⓛ) [زن یوسف پیامبر].

زو/ زاب (♂ پارسی) یاریگر، از ریشه‌ی اوستایی اوزوَه (یاری کننده) [از

پهلوانان شاهنامه‌ای].

زَوّاره (♂ پارسی) زنده، جاندار، از ریشه‌ی پهلوی اوزووارگ (جاندار) [برادر

رستم].

زِوور (Zevur ♂ عبری) شاهزاده، مگس، از ریشه‌ی آرامی زِبُول

(شاهزاده) که در عبری به دلیل دشمنی با آرامیان به زوور (مگس) تبدیل شده

[بعل زبوب (خدای مگس‌ها) از اسامی شیطان در تورات است].

زهرا (♂ عربی) گلها، از ریشه‌ی زهر (گل).

زَهران (♂ عربی) صاف، درخشان، صفت از ریشه‌ی زهر (گل) [از اجداد عصر جاهلی].

زَهراء (♀ عربی) درخشان [لقب دختر حضرت محمد].

زَهِیر (♂ عربی) گل کوچک، اسم تصغیر از ریشه‌ی زهر (گل) [زَهِیر بن ابی سُلَیْم: نام چند شاعر].

زیاد (♂ عربی) رشد، فزونی، از ریشه‌ی زَیَد (زیاد شدن) [طارق ابن زیاد: جهانگشای مسلمان].

زیپُوراه (♀ Zipporah عبری) پرنده، از ریشه‌ی عبری تְסִיפָּרָה به معنی پرنده [نام زن موسی].

زید (♂ عربی) رشد، فزونی، از ریشه‌ی زَیَد (زیاد شدن) [زید بن ثابت: از صحابه‌ی مشهور].

زیدون (♂ عربی) رشد، فزونی، از ریشه‌ی زَیَد (زیاد شدن).

زیمری (Zimri ♂ عبری) نیایش من، از ریشه‌ی عبری زیمر (نیایش).

زین‌العابدین (♂ عربی) زینتِ پرستشگران، از ریشه‌ی زین (زینت) [لقب امام چهارم].

زینب (♀ عربی) تن آسا، راحت طلب.

زینت (♀ عربی) آراستگی، هم‌ریشه با تزئین.

ژ

ژانوس (♂ Janus لاتین) دروازه، از ریشه‌ی لاتین ianus (گذرگاه
تاق‌دار) [خدایی با دو چهره‌ی].

ژن (♀ Zhen چینی) معصوم، گرانبها.

ژنده (♂ پارسی) مهیب، بزرگ، عظیم، از ریشه‌ی پارسی ژنده (عظیم و
ترساننده) [از پهلوانان شاهنامه‌ای].

ژنده‌پیل (♂ پارسی) پیل بزرگ [از عرفای نامدار قرون میانی].

ژو (♂ Zhou چینی) کمک، یاری.

ژیرایر (♂ Jirair ارمنی) فعال، قوی.

س

سابق (♂ عربی) پیشرو، مقدم، اسم فاعل از ریشه‌ی سبق.

سابورو (♂ Saburo) ژاپنی) پسر سوم.

ساتیس (♀ Satis) مصری باستان) (فنیقی) بذر افشاندن [ایزدبانوی تقسیم

آب در کشتزارها].

ساجد (♂ عربی) سجده کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی سجده.

ساجیکو (♀ Sachiko) ژاپنی) فرزند سعادت.

ساحورع (♂ Sahure) مصری باستان) کسی که به رع نزدیک است، از

ریشه‌ی مصری باستان ساحو (نزدیک) و رع [از فراغنه‌ی دودمان پنجم].

ساتیوجاتا (♂ هندی) ناگهان زاده شده [از ایزدان فروپایه‌ی مربوط به سومه]

سارا (Sarah ♀ عبری) ملکه [زن ابراهیم].

سارِپاتینو (♂ سومری) درخشان، از ریشه‌ی سومری [ایزدبانوی بذر گیاهان].

سارِقیلان (♂ ترکی) پلنگ زرد، از ریشه‌ی ترکی سارو (زرد) و قیلان (پلنگ)
[حاکم دیار بکر در عصر تیموری].

ساره (♀ عربی) باقی‌مانده‌ی آشامیدنی در ظرف، ته مانده [زن حضرت
ابراهیم].

ساره ایتِف (Sare-Intef ♂ مصری باستان) ایتِف پسر رع است، از
ریشه‌ی مصری باستان ایتِف (نام خدایی‌ست)، سا (پسر) و رع [بنیانگذار
دودمان یازدهمِ فراعنه].

ساطع (♂ عربی) درخشان، اسم فاعل از ریشه‌ی سَطَعَ (تابیدن).

ساعد (♂ عربی) خوشبخت، اسم فاعل از ریشه‌ی سَعَد (خوشبختی)
[ساعداالدوله، شاه دیلمی].

ساقی (♂ عربی) سیراب کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی سَقَى (آب دادن).

ساکورا (Sakura ♀ ژاپنی) شکوفه‌ی گیلاس.

ساکِی (Saki ♀ ژاپنی) دماغه.

سالم (♂ عربی) تندرست، اسم فاعل از ریشه‌ی سلم (سلامت).

سالوت (♂ Salut اسپانیایی) صحت و سلامت، از ریشه‌ی لاتین.

سام / سامان (♂ پارسی) سیاه، از ریشه‌ی پارسی [پدر زال و نیای رستم].

سام / شیم (♂ Sam/Shem عبری) نام، اسم [پسر نوح، جد اعراب].

سامر (♂ عربی) افسانه‌گو، اسم فاعل از ریشه‌ی سمر (افسانه).

ساموئل / شموئیل (♂ Samuel عبری) کسی که از خدا خواسته شده، از

ریشه‌ی عبری سامو (خواندن، صدا کردن) و ایل (خدا).

سامی (♂ عربی) بلند مرتبه.

سان خیبر (♂ San Khibre مصری باستان) قلب رع زنده است، از

ریشه‌ی مصری باستان سا (دادن)، آنخ (حیات)، ایب (قلب) و رع [از فراعنه‌ی

دودمان سیزدهم].

سان (♀ ♂ San چینی) سومین نفر، سه.

سان آخن رع (♂ Sanakhtenre مصری باستان) مشهور همچون رع،

از ریشه‌ی مصری باستان ساناکته (مشهور) و رع [لقب تائوی اول، از فراعنه‌ی

دودمان هفدهم].

ساناخته (Sanakhte ♂ مصری باستان) حفاظتِ نیرومند، از ریشه‌ی

مصری باستان [نخستین فرعون دودمان سوم].

ساناز (♀ ترکی) کم‌نظیر، از ریشه‌ی ترکی سان (شمردن) و آز (نه).

سانتیاگو (Santiago ♂ اسپانیایی) جیمز مقدس، شکل تغییر یافته‌ی

.saint James

سانح (♂ عربی) کسی که از سمت راست می‌آید، اشاره به آن است که حضور

فرد به فال نیک گرفته می‌شود.

سانخ‌کارع (Sankhkare ♂ مصری باستان) زندگی بخش به روح رع،

از ریشه‌ی مصری باستان سا (دادن)، آنخ (حیات)، کا (روح) و رع [از فراعنه‌ی

دودمان یازدهم، لقب مشهورترش متوحوتپ دوم است].

سانداکشتَره (♂ ایرانی) شاهِ ساندا، از ریشه‌ی کیمری-پارسی ساندا (از خدایان

بومی آناتولی) و خُشتَره (پادشاه) [شاه کیمری‌ها و فاتح آسیای صغیر].

ساندالیو (Sandalio ♂ اسپانیایی) گرگ اصیل، از ریشه‌ی لاتین

sandalius (گرگ) که خود از sandulf (گتی) (یعنی گرگ اصیل)

گرفته شده.

ساوتنگهی (♂ پارسی) سودمند، بافایده، در اوستایی e VhMawAs از

ریشه‌ی سَوَنگَه گرفته شده به معنای سود و بهره [فرشته‌ی نگهبان چهارپایان

بزرگ]

ساویتر (♂ هندی) زندگی‌بخش [ایزد نماینده‌ی خورشید هنگام طلوع و غروب

در وداها]

ساهر (♂ عربی) شب زنده دار، از ریشه‌ی سهر (شب بیدار ماندن).

سایوری (♀ Sayuri ژاپنی) لاله‌ی کوچک.

سبا (Saba ♂ عبری) پیرمرد [پسر کوش].

سبأ (♂ عربی) شراب.

سَبُکَتَکین (♂ ترکی) خوش قدم، از ریشه‌ی ترکی سوبوک (پی پا، جای پا) و

تکین (زیبا) [موسس دودمان غزنوی].

سپانلو (♂ ترکی) فلاخن انداز، از ریشه‌ی ترکی ساپاند (فلاخن) و لو (پسوند

ملکی) [تیره‌ای از ایل قاجار].

سپنددات/ سپندات (♂ پارسی) هدیه‌ی سپندارمذ یا عدلِ مقدس بر ساخته از
سپَنتَه (مقدس، نام فرشته‌ای) و داتَه (بخشش، یا دادگری) در اوستایی [احتمالا
شکل اولیه‌ی نام اسفندیار چنین بوده است]

سپهرداد (♂ پارسی) بخشش آسمانی

سِث (Seth ♂ مصری باستان) ستون، از ریشه‌ی مصری باستان [خدای
خشکسالی و بیابانها، برادر و قاتل اوزیریس].

سَئار (♂ عربی) بسیار پنهان کننده، صفت تفضیلی از ریشه‌ی ستر (پنهان
کردن) [از القاب خداوند].

سِث-پِریبسن (Seth-Peribsen ♂ مصری باستان) امید تمام قلبها،
از ریشه‌ی مصری باستان سِث (اسم خدای مصر بالا)، پِ (همه)، ایب (قلب) و
سِین (امید) [از فراعنهی دودمان دوم].

سِثین پتاح (Setepenptah ♂ مصری باستان) برگزیده‌ی پتاح، از
ریشه‌ی مصری باستان سِثپ (برگزیدن) و پتاح (نام خدایی است) [لقب
رامسس یازدهم، از فراعنهی دودمان بیستم].

سِتِپَنِرِع (Setepenre ♂ مصری باستان) ظهور رع درخشان است، از ریشه‌ی مصری باستان سِتِپِن (درخشان بودن) و رع [لقب ششونک نخست، بنیانگذار دودمان بیست و دوم].

سِتِپَنِموت (Setepenmut ♂ مصری باستان) برگزیده‌ی موت، از ریشه‌ی مصری باستان سِتِپ (برگزیدن) و موت (نام خدایی است) [لقب ملکه تورست، آخرین فرعون دودمان نوزدهم].

سِتِنَاخْتِه (Setnakhte ♂ مصری باستان) سِت پیروز است، از ریشه‌ی مصری باستان سِت (نام خدایی است) و ناخْتِه (پیروز) [از فراعنه‌ی دودمان بیستم].

سِتوتِرِع (Setutre ♂ مصری باستان) همچون رع، از ریشه‌ی مصری باستان سِتوت (مشابه) [لقب داریوش، دومین فرعون دودمان بیست و هفتم].
سَجَاد (♂ عربی) بسیار سجده کننده، صفت تفضیلی از ریشه‌ی سجده [لقب امام چهارم].

سَجِج (♂ عربی) نرم و آسان، از ریشه‌ی سَجِج (آسانی).

سحاب (♂ عربی) ابر.

سیحْتِپِبرِ (Sehetepibre ♂ مصری باستان) قلب رع راضی است، از ریشه‌ی مصری باستان سیحْتِپ (خوشنود شده)، ایب (قلب) و رع [لقب آمَنم حت اول، بنیانگذار دودمان دوازدهم].

سیحَرِتاوی (Sehertawy ♂ مصری باستان) گسترنده‌ی صلح در دو سرزمین، از ریشه‌ی مصری باستان سیحَر (برقرار کردن صلح) و تاوی (دو سرزمین) [لقب ایتفِ اول (ساره ایتف)].

سیخِم خِت (Sekhem khet ♂ مصری باستان) دارای بدن نیرومند، از ریشه‌ی مصری باستان سخِم (قدرتمند) و خِت (بدن) [از فراعنه‌ی دودمان سوم].

سیخِم رع خوتاوی (Sekhemrekhtawy ♂ مصری باستان) رع، نگهبان دو سرزمین، نیرومند است، از ریشه‌ی مصری باستان سیخِم (نیرومند)، رع، خو (حفظ کردن) و تاوی (دو سرزمین) [لقب سوبک حوْتِپ دوم، از فراعنه‌ی دودمان سیزدهم].

سیخِم رع سَانْخِتاوی (Sekhemresankhtawy ♂ مصری باستان) رع که حیات را به دو سرزمین ارزانی کرده نیرومند است، از ریشه‌ی مصری

باستان سِخِم (نیرومند)، رع، سا (دادن)، آنخ (حیات) و تاوی (دو سرزمین)
[لقب نفرحوتپ دوم، آخرین فرعون دودمان سیزدهم].

سِخِم رع سیواجتاوی (Sekhemresewadjtawy ♂ مصری باستان)
رع نیرومند است که دو سرزمین را شکوفا می‌کند، از ریشه‌ی مصری باستان
سِخِم (نیرومند)، رع، سیواج (شکوفه دادن) و تاوی (دو سرزمین) [لقب سوبک
حوتپ سوم، از فراعنه‌ی دودمان سیزدهم].

سِخِم رع شِدتاوی (Sekhemreshedtawy ♂ مصری باستان) رع،
رهایی بخش دو سرزمین، نیرومند است، از ریشه‌ی مصری باستان سِخِم
(نیرومند)، رع، شِد (نجات دادن) و تاوی (دو سرزمین) [لقب سوبکم ساف، از
دودمان هفدهم].

سِخِمَت (Sekhmet ♀ مصری باستان) (فنیقی) نیرومند [ایزدبانوی جنگ و
بیماریهای واگیردار، زنِ پتاح].

سِخِمِیب (Sekhemib ♂ مصری باستان) قلبِ نیرومند، از ریشه‌ی
مصری باستان سِخِم (قدرتمند) و ایب (قلب) [نام دوران جوانی ست-پریسن].
سِداِلِیون (Cedalion ♂ یونانی) رئیس ملوانان.

سراسوتی / هراویتی (♀ Saraswati هندو ایرانی) بانوی آبها، این نام احتمالاً در شکل پیشاهندواروپایی‌اش «سیلس-ونت-ایه» بوده است که در پیشاهند و ایرانی به «سرس-ونت-ایه» تبدیل شده [نام دیگر آناهیتا]

سیرحان (♂♀ عربی) شیر یا گرگ، جانور درنده.

سرخه (♂ پارسی) سرخ‌تن، سرخ‌رو [پسر افراسیاب]

سِردیون (♀ Cerdiwen آنگلوساکسون) شاعر رستگار، از ریشه‌ی ساکسونی cerd (شاعر) و gwen (رستگار، سپید).

سِرس (♀ Ceres لاتین) شکوفا، تناور، از ریشه‌ی لاتین ker (رشد کردن) [ایزدبانوی کشتزارها].

سیرسیون (♂ Cercyon یونانی) دُم‌گراز.

سِركوپس (♂ Cercopes یونانی) دارای دُم بر چهره، از ریشه‌ی یونانی باستان kerkos (دُم) و ops (چهره).

سِرنونوس (♂ Cernunnos سلت) شاخدار، از ریشه‌ی سلتی cernus (شاخ).

سُروش (♂ پارسی) شنونده و فرمابردار، از ریشه‌ی سُرو (شنیدن) [از ایزدان بزرگ ایرانی، نماد پرهیزگاری].

سروگ (Serug ♂ عبری) سختی.

سِریکس (Ceryx ♂ یونانی) جارچی، منادی [پسر اومولپوس و رهبر کیش دمتر].

سِرینا (Serina ♀ لاتین) آرام، از ریشه‌ی لاتین.

سزار (Caesar ♂ لاتین) پشمالو (؟)، کیانی، از ریشه‌ی لاتین caesaries (پشمالو) (؟) یا از ریشه پارسی کی سَر (لقب پادشاهان، یعنی کسی که تاج کیانی بر سر دارد) [امپراتور بزرگ روم و فاتح کشور گل].

سیسیلیا (Cecilia ♀ اسپانیایی) کور، از ریشه‌ی لاتین caecilius (بن بست) و caecus (کور).

سُشات (Sshat ♀ مصری باستان) آن که در پشت بام کتابخانه ایستاده [ایزدبانوی حامی کاتبان، زن توت].

سطام (♂ عربی) تیزی شمشیر، از ریشه‌ی سطم (تیز).

سعد (♂ عربی) خوشبختی، میمنت، صفت از ریشه‌ی سعد (خوشبختی).

سُعود (♂ عربی) اقبال بلند، فال نیک، در اصل نام صورتی فلکی با ده ستاره بوده که سعد پنداشته می‌شده [جد حاکمان فعلی عربستان].

سیفئوس (♂ Cepheus یونانی) باغبان.

سیفاس (♂ Cephas عبری) صخره، از ریشه‌ی آرامی.

سُفیان (♂ عربی) باد شرق، از ریشه‌ی سُفن (وزیدن باد شرق) [ابوسفیان: جد دودمان اموی].

سیکِنِرِ (♂ Seqenenre مصری باستان) کسی که همچون رع جمله می‌کند، از ریشه‌ی مصری باستان سِکِن (حمله کردن) و رع [لقب تائوی دوم، از فراغنه‌ی دودمان هفدهم].

سکینه (♀ عربی) آرام، ساکن، اسم تصغیر از ریشه‌ی سکن.

سکینه (♀ عربی) سکون، وقار و نرمی، از ریشه‌ی سکن [نام دختر امام حسین].

سیلئوس (♂ Celeus یونانی) صدا زننده، بانگ زن.

سیلب (♂ Seleb عبری) کچل، تاس.

سلجوق (♂ ترکی) قایق کوچک، از ریشه‌ی ترکی سل (قایق) و جوق
(کوچک) [موسس دودمان سلجوقی].

سلطان (♂ عربی) فرمانروا، از ریشه‌ی سلطه.

سَلَم (♂ پارسی) از قوم سارمات؟، از ریشه‌ی اوستایی سَیریامَه (سارمات؟)
[فرزند فریدون و شاه توران زمین].

سلم (♂ عربی) سالم، تندرست.

سلمان (♂ عربی) سلامت، تندرستی، از ریشه‌ی سلم (سلامت) [سلمان
پارسی: از صحابه‌ی مشهور].

سَلَمَه (♀ عربی) سلامت، تندرستی، از ریشه‌ی سلم (سلامت) [ام سلمه].

سلیم (♂ عربی) سالم و بی نقص، صفت از ریشه‌ی عربی سلم (سلامتی) [از
القاب خداوند].

سلیمان (Solomon ♂ عبری) صلحجو، از ریشه‌ی عبری شلم (صلح)
[پیامبر و شاه عبرانی].

سلیمه (♀ عربی) ظریف، شاداب، از ریشه‌ی سلم.

سِلیو (♂ Celio اسپانیایی) آسمان، از ریشه‌ی لاتین caelius (آسمان).

سِمرِخت (♂ Semerkhet مصری باستان) دوستِ اندیشمند، از ریشه‌ی مصری باستان [از فراعنه‌ی دودمان نخست].

سَمْنِخ‌کارِ (♂ Smenkhkare مصری باستان) روحِ رعِ پرافتخار است، از ریشه‌ی مصری باستان سَمْنِخ (افتخار آفرین)، کا (روح)، و رع [از فراعنه‌ی دودمان هژدهم].

سمیر (♂ عربی) مصاحب شب، از ریشه‌ی سمر (قصه گفتن).

سَمیرامیس / سَمیرا (♀ اکدی) بانوی قصر، یا اندیشه‌ی نیک، از ریشه‌ی اکدی سَمور (قصر) و اَمَت (معشوقه) یا تحریف شده‌ی هومَیتی در اوستایی است که از هو (نیک) و مَیتی (اندیشه) تشکیل یافته است [همسر شمشِ عداد پنجم و ملکه‌ی آشور].

سمیع (♂ عربی) شنونده، صفت از ریشه‌ی عربی سمع (شنیدن) [از القاب خداوند].

سُمیه (♀ عربی) زن بلند پایه، مصغرِ سامیه (زن بلند پایه) [از نخستین زنان مسلمان].

سَنَخریب (♂ آشوری) سین مرگ برادرش را جبران کرد، از ریشه‌ی آشوری سین (خدای ماه)، آخه (برادر) و آریبا (جبران کرد) [شاه آشور در آخر قرن هشتم پ.م].

سِنْتوروس (♂ Centaurus یونانی) به اندازه‌ی صد مرد نیرومند، از ریشه‌ی یونانی باستان kentaur (صد) [موجوداتی اساطیری که بالاتنه‌ی انسان و پایین تنه‌ی اسب داشتند].

سنجر (♂ ترکی) پرنده‌ای شکاری [از شاهان سلجوقی].

سِنْفُرو (♂ Snefru مصری باستان) آن زیبا، از ریشه‌ی مصری باستان سین (آن مرد) و نِفِر (زیبا) [نخستین فرعون دودمان چهارم].
سَنْفَر (♂ ترکی) شاهین.

سِنوسِرِت (♂ Senusret مصری باستان) مردِ وورسِت، از ریشه‌ی مصری باستان سین (آن مرد) و وورسِت (نام ایزدبانویی است) [نام چند تن از فراغنه‌ی دودمان دوازدهم].

سیوان (♀ Sevan ارمنی) اسم دریاچه‌ایست.

سویک حوتپ (♂ Sobekhotep مصری باستان) سویک راضی است،
از ریشه‌ی مصری باستان سویک (اسم خدایی است) و حوتپ (راضی است)
[از فراغنه‌ی دودمان سیزدهم].

سویک کارع (♀ Sobekkare مصری باستان) سویک روح رع است، از
ریشه‌ی مصری باستان سویک (خدایی با سر تمساح)، کا (روح) و رع [ملکه‌ی
مصر، لقب سویک‌نفر و دودمان دوازدهم].

سویک نفرو (♀ Sobeknefru مصری باستان) سویک زیباست، از
ریشه‌ی مصری باستان سویک (نام خدایی است) و نفر (زیبا) [ملکه‌ی مصر،
آخرین فرعون دودمان دوازدهم].

سویکم ساف (♂ Sobekemsaf مصری باستان) سویک حافظ اوست،
از ریشه‌ی مصری باستان سویک (نام خدایی است) و ساف (حفاظت کردن)
[نخستین فرعون از دودمان هفدهم].

سودابه (♀ پارسی) سعد، نیک‌بخت، شکل پارسی شده‌ی نام عربی سعدی
[دختر شاه هاماوران و همسر کاووس].

سورا (♀ Sora ژاپنی) آسمان.

سیورو (♂ Severo اسپانیایی) سخت، از ریشه‌ی لاتین.

سوریه (♂ هندی) خورشید، از ریشه‌ی سانسکریت سورَه/ سوریَه (सूर्य) به

معنای خورشید که با هور و خور ایرانی هم‌ریشه است [ایزد خورشید در وداها]

سوزان/ سوسانا (♀ Susanna عبری) لاله، از ریشه‌ی عبری شوشاناً

(لاله)، منسوب به شهر شوش.

سوزو (♀ Suzu ژاپنی) زنگ.

سوزومه (♀ Suzume ژاپنی) گنجشک.

سوسِرِنِرع (♂ Seuserenre مصری باستان) نیرومند همچون رع، از

ریشه‌ی مصری باستان سِه (همچون)، اوسِر (نیرومند) و رع [لقب خیان، از

فراعنه‌ی دودمان پانزدهم].

سوسن (♀ عربی) منسوب به شهر شوش، گلی از رده‌ی زنبق‌ها.

سوسومو (♂ Susumu ژاپنی) پیشرفت.

سولداد (♂ Soledad اسپانیایی) تنها، از ریشه‌ی لاتین solen (تنها).

سولماز (♂ ترکی) ناپژمردنی، از ریشه‌ی سول (پژمردن) و پسوند ما (نه).

سومه/ سوما (♂ هندی) از ریشه‌ی سانسکریت سو (خرد کردن، کوبیدن)

[ایزدی گیاهی در هند باستان و همتای هوم ایرانی]

سومیکو (♀ Sumiko ژاپنی) فرزند همیشگی.

سُهراب (♂ پارسی) سرخ‌رو، دارای بدن سرخ، از ریشه‌ی پارسی سوهر

(سرخ) و آب (بدن، تن) [فرزند رستم].

سُهرورد (♂ پارسی) گل‌سرخ، از ریشه‌ی پارسی سوهر (سرخ) و وَرَد (گل).

سیامک (♂ پارسی) سیاه مو، از ریشه‌ی اوستایی سیا (سیاه) و مَک (مو)

[فرزند کیومرث که به دست دیوان کشته شد].

سیامون (Siamun ♂ مصری باستان) پسر آمون، از ریشه‌ی مصری باستان

سی (پسر) و آمون [از فراعنه‌ی دودمان بیست و یکم].

سیان (Cian ♂ گُل - فرانسه‌ی کهن) کهنسال.

سیاوش (♂ پارسی) دارای اسب سیاه، یا پهلوان سیاه، از ریشه‌ی اوستایی

سیاوه (سیاه) و آرشن (پهلوان) یا وُخشن (گشن، اسب نر) [فرزند کاووس].

سیبل (♀ Cybele یونانی) زنِ دارای گیسو، یا زنِ دارای تبر [ایزدبانوی

زمین].

سیپتاه (♂ Siptah مصری باستان) پسر پتاح، از ریشه‌ی مصری باستان سی (پسر) و پتاح (نام خدایی است) [از فراعنه‌ی دودمان نوزدهم].

سیتا (♀ Sita هندی) دروگر، خرمن، از ریشه‌ی سانسکریت به معنای شخم.

سیتالی (♂ ♀ Citali سرخپوستی) ستاره، به زبان ناهواتلان.

سیتِرِ مِریامون (♂ Sitre-Meryamun مصری باستان) دختر رع، محبوب آمون، از ریشه‌ی مصری باستان سیت (دختر)، رع، مِری (محبوب) و آمون [لقب ملکه تورست، آخرین فرعون دودمان نوزدهم].

سیدنی (♂ Sidney آنگلوساکسون) دشت پهناور.

سیدون (♂ Cydon یونانی) افتخار.

سیران (♀ Siran ارمنی) زیبا.

سیرِسِه (♀ Circe یونانی) شاهین [از فرشتگان در اودیسه].

سیرسینوس (♂ Circinus یونانی) گرد، مدور، از ریشه‌ی یونانی باستان kirkos مدور، گرد).

سیرِنِه (♀ Cyrene یونانی) ملکه‌ی نیرومند.

سیرِواریت (♀ Sirvart ارمنی) گل سرخ.

سیریایکوس (♂ Cyriacus یونانی) ارباب، سرور.

سیسئوس (♂ Cisseus یونانی) مربوط به گیاه پیچک.

سیف (♂ عربی) شمشیر.

سیف‌الله (♂ عربی) شمشیر خدا.

سیفان (♂ عربی) لاغر و بلندبالا، از ریشه‌ی سیف (لاغری و تیزی).

سیکلوپس (♂ Cyclops یونانی) دارای چشم/چهره‌ی گرد و مدور، از

ریشه‌ی یونانی باستان kuklos (گرد، مدور) و ops (چهره) [غولی در

ادیسه که تنها یک چشم داشت].

سیکنوس (♂ Cycnus یونانی) قو.

سیگرون (♂ Sigrun آلمانی) راز پیروزی، از ریشه‌ی نوردیک باستان

run (راز) و sig (پیروزی).

سیلینه (♀ Cyllene یونانی) ملکه‌ی بدکار [ناحیه‌ای از دوزخ].

سیلوس (♂ Cillus یونانی) خر.

سیلوستر (♂ Sylvester لاتین) جنگلی، از ریشه‌ی لاتین
silvestra (جنگل).

سیمو (♂ Cymo یونانی) موج.

سیمون (♂ Simon عبری) شنوا، از ریشه‌ی عبری شمو (شنیدن) [از
حواریون مسیح].

سین شَر ایشکون (♂ آشوری) سین شاه را منصوب کرده است، از ریشه‌ی
آشوری سین (خدای ماه، شَر شاه) و ایشکون (منسوب کرد) [شاه بابل و
برادر آشور اتیل ایلانی].

سینا (♂ پارسی) آهنین، از ریشه‌ی اوستایی سَئَنَه (آهن) و هم ریشه با آسِن
پهلوی (آهن) [نام پدر بوعلی سینا].

سینبورگا (♀ Cyneburga آنگلوساکسون) دژ شاه، از ریشه‌ی انگلیسی
cyn (شاه) و burga (دژ، قلعه)

سیندخت (♀ پارسی) دختر سیمرغ، از ریشه‌ی اوستایی سَئَنَه (سیمرغ) و
دوخت (دختر).

سیندُری (Sindri ♂ آلمانی) کوچک، ابتدایی، از ریشه‌ی نوردیک

باستان [نام کوتوله‌ای صنعتگر].

سیو (Siv ♀ آلمانی) عروس، از ریشه‌ی نوردیک باستان [زنِ تور].

ش

شائول (♂ Shaul عبری) خواسته شده، دلخواه [شاه یهودیه].

شاپور (♂ پارتی) شاهزاده، از ریشه‌ی پهلوی شاه و پور (پسر) [شاه بزرگ ساسانی].

شارون (♂ Sharon عبری) دشت.

شافع (♂ عربی) شفاعت کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی شفع (میانجیگری).

شاکتی (♀ Shakti هندی) قدرت، از ریشه‌ی سانسکریت [همسر شیوا].

شاکر (♂ عربی) سپاسگذار، اسم فاعل از ریشه‌ی شکر.

شامخ (♂ عربی) بلندمرتبه، اسم فاعل از ریشه‌ی شمع (بزرگی).

شانتال (♂ Chantal گل - فرانسه‌ی کهن) آواز.

شاوَران (♂ پارسى) فرزندِ شاهزاده، شكل ساده شده‌ی شاپوران است، يعنى پسر شاپور [از پهلوانان شاهنامه].

شاهد (♂ عربى) آگاه، اسم فاعل از ریشه‌ی عربى شهد (ديدن و مشاهده کردن) [از القاب خداوند].

شاهق (♂ عربى) بلند، مرتفع، اسم فاعل از ریشه‌ی شهب (بلندى).

شای (Shay ♂ مصرى باستان) آنچه مقدر است [خدای حامی نوزادان].

شِبا (Sheba ♂ عبرى) هفتمین [پسر کوش].

شَبَدِيز به رنگِ شب، از ریشه‌ی پارسی شب و ديز (رنگ) [اسم اسب خسروپرويز].

شِبَل (♂ ♀ عربى) توله شیر [شبلى: از فقیهان بزرگ سنى].

شَبِيب (♂ عربى) جوانمرد، صفت از ریشه‌ی شَبِيب (جوانى).

شِپ سِيس کاف (Shepseskaf ♂ مصرى باستان) روحش نجيب

است، از ریشه‌ی مصرى باستان شِپِيس (اشرافى، نجيب) و کا (روح) و ف (شبيه به) [آخرین فرعون دودمان چهارم].

شپسِیسِ کارع (Shepseskare ♂ مصری باستان) روح رع نجیب است، از ریشه‌ی مصری باستان شپسِیس (اشرافی، نجیب) و کا (روح) و رع [از فراغنه‌ی دودمان پنجم].

شجاع (♂ عربی) جسور، اسم فاعل از ریشه‌ی شجع (جسارت).
شَدَّاد (♂ عربی) نیرومند، دونده، صفت از ریشه‌ی شدد (تندی) [شام افسانه‌ایِ یمن].

شَدراخ (Shadrach ♂ عبری) فرمانِ آکو، از ریشه‌ی بابلی شَدرا (حکم، فرمان) و آکو (نام ایزدبانوی ماه در بابل باستان).
شَرکلی شَری (♂ اکدی) شاهِ شاهان، از ریشه‌ی اکدی شَر (شاه) و کَلی (سرور) [از امپراتوران اکد].

شیرلی (Shirley ♀ آنگلساکسون) دشت درخشان، از ریشه‌ی انگلیسی باستانِ sher درخشان و ley دشت.

شَرَوَکین (♂ اکدی) بهترین پادشاه، از ریشه‌ی اکدی شَر و کین (شاه) و کین (اصیل، بهتر) [نخستین امپراتور اکد].

شَیروین (♂ پارسی) بهترین پادشاه، شبیه شیر (؟)، از ریشه‌ی پهلوی خَشَرَه (شاه) و وهین (بهترین) یا شکل تحریف شده‌ی شیرویه (؟) [شاه طبرستان، پیامبر خرم‌دینان].

شَریف (♂ عربی) شرافتمند، از ریشه‌ی شرف.

شعبان (♂ عربی) هشتمین ماه قمری، از ریشه‌ی شعب (گروه کردن)، وجه تسمیه‌ی ماه هشتم آن است که اعراب در این هنگام در جستجوی آب به اطراف پراکنده می‌شوند.

شُعْبَه (♂ عربی) شاخه‌ی درخت، شکاف در کوه، از ریشه‌ی شعب (پراکنده و گروه کردن) [شُعْبَه بن مغیره:].

شُعَیْب (♂ عربی) قبیله‌ی کوچک، اسم تصغیر از ریشه‌ی شعب (شاخه، قبیله) [پیامبر قوم مدین:].

شُغَاد (♂ پارسی) سُغدی، شکل پارسی شده‌ی سُغَدای (مربوط به مملکتِ سغد در ماوراءالنهر) [برادر ناتنی و قاتل رستم].

شَفَات بعل (Shafatbaal ♂ فنیقی) خدا شفاعتش را می‌کند، از ریشه‌ی فنیقی شفات (شفاعت می‌کند) و بعل.

شفیع (♂ عربی) شفاعت کننده، صفت از ریشه‌ی شفع (میانجیگری).

شکور (♂ عربی) سپاسگذار، اسم فاعل از ریشه‌ی شکر.

شکور (♂ عربی) شکرگذار، از ریشه‌ی شکر [ابوشکور بلخی: ادیب و شاعر

پارسی زبان].

شکب (♂ عربی) صبور، صفت از ریشه‌ی شکب (صبر کردن).

شکیم/شِکِم (♂ Shechem عبری) شانه و کتف [یکی از شهرهای کنعانی]

شلال (♂ عربی) آبشار، از ریشه‌ی شلل (لبریز شدن).

شَلَبی (♂ عربی) زیرک و شریف، از ریشه‌ی ترکی.

شَلَمَنَاصِر (♂ آشوری) آشور از همه برتر است، از ریشه‌ی آشوری شولَمَنو

(برتر است) و آشِر دو (آشور، خدای بزرگ) [نام چند شاه آشوری].

شَمَاح (♂ عربی) بلند مرتبه، از ریشه‌ی شَمَخ (شرافت).

شَمشو ایلونا (♂ بابلی) خورشید خدای ماست، از ریشه‌ی بابلی شمش

(خدای خورشید) و ایلونا (خدای ماست) [شاه بابل، جانشین حمورابی].

شمشون (Shamshum ♂ عبری) قوی [پهلوان یهودی].

شمعون (Shamun ♂ عبری) کسی که می‌شنود و اطاعت می‌کند، از ریشه‌ی عبری سمو (شنیدن).

شمَگار (Shamagar ♂ عبری) آورنده‌ی فنجان.

شِن‌نونگ (Shen-Nung ♂ چینی) کشاورز آسمانی، نامش در چینی از

همین دو کلمه (神農) تشکیل شده [از امپراتوران اساطیری چین باستان]

شَن گُل (♂ پارسی) گلِ ناز، از ریشه‌ی پارسی شَن (ناز) و گل [پادشاه هند و یاورِ پیران ویسه].

شو (Sho ♂ ژاپنی) درخشان.

شوا (♀ مصری) هوا یا باد [ایزد آسمان در مصر باستان]

شوئی (Shui ♂ ♀ چینی) آب.

شوتروک ناخونته (♂ ایلامی) آن که به راستی توسط ناخونته هدایت شده

است، از ریشه‌ی ایلامی شوتروک (هدایت شدن) و ناخونته (خدای خورشید)

[شاه ایلام در 1185-1155 پ.م].

شوسین (♂ سومری) متعلق به سین، از ریشه‌ی سومری [شاه اور].

شولگی (♂ سومری) جوان و نجیب، از ریشه‌ی سومری [شاه اور در

2094-2047 پ.م.]

شون (♀ Shun چینی) نرم.

شهاب (♂ عربی) سنگ آسمانی، سفت از ریشه‌ی شهب [شهاب الدین

سهروردی: عارف و فیلسوف ایرانی].

شهباز (♂ پارسی) عقاب، شاهین، از ریشه‌ی پارسی شه (شاه) و باز (شاهین،

قوش).

شهرام (♂ پارسی) مطیع شاه، پیرو شاه، از ریشه‌ی پارسی شه (شاه) و رام

(پیروی کردن، مطیع بودن).

شهربانو (♀ پارسی) شاهزاده خانم، از ریشه‌ی پارسی شهر (شاه) و بانو

(خانم).

شهرزاد (♀ پارسی) شاهزاده، از ریشه‌ی پارسی شهر (شاه) و زاد (زاییده

شدن) [داستان‌سرای افسانه‌ای دربار هارون الرشید].

شهلاء (♀ عربی) زن چشم‌میشی.

شیبان (♂ عربی) سپید موی، از ریشه‌ی شیب (سالخوردگی) [از خوارج، نیای قبیله شیبانیه].

شیث (Shith ♂ عربی) گماشته، از ریشه‌ی سامی [سومین پسر آدم].

شیچیرو (Shichiro ♂ ژاپنی) پسر هفتم.

شیحان (♂ عربی) غیور.

شیدسپ (♂ پارسی) دارای اسب درخشان، از ریشه‌ی پارسی شید (درخشان) و اسب [پسر گشتاسپ].

شیده (♂ پارسی) درخشان، سرخ موی، از ریشه‌ی پارسی شید از اصل اوستایی خَشِئْتَه (درخشان، سرخ) [پسر افراسیاب].

شیرو (Shiro ♂ ژاپنی) پسر چهارم.

شیرویه (♂ پارسی) شبیه شیر، از ریشه‌ی پارسی شیر و رویه [فرزند خسرو پرویز].

شیلهاک ایشوشیناک (♂ ایلامی) کسی که توسط نیروی ایشوشیناک تقویت شده، از ریشه‌ی ایلامی شیلهاک (تقویت شده) و ایشوشیناک (خدای شوش) [شاه ایلام در 1155-1120 پ.م].

شیماء (♀ عربی) زنی که خال زیادی داشته باشد [نام خواهر رضاعی حضرت محمد].

شیوا (Shiva ♂ هندی) مهربان، از ریشه‌ی سانسکریت [خدای ویرانگر هندوان].

ص

صائب (♂ عربی) درست، راست، از ریشه‌ی اصابت (برخورد کردن به نشانه)

[صائب تبریزی: شاعر ایرانی سبک هندی].

صائل (♂ عربی) چیره، بلند، اسم فاعل از ریشه‌ی صأل (بلندی، برتری).

صابر (♂ عربی) صبور، شکیبا، اسم فاعل از ریشه‌ی صبر.

صاحب (♂ عربی) دارنده، اسم فاعل از ریشه‌ی تصاحب [صاحب‌الزنج: رهبر

قیام بردگان سیاهپوست].

صادر (♂ عربی) فرستنده، از ریشه‌ی صدور.

صادق (♂ عربی) راستگو، از ریشه‌ی صدق.

صارم (♂ عربی) قوی، صفت شمشیر، اسم فاعل از ریشه‌ی صرم (قدرت).

صاعد (♂ عربی) مرتفع، مترقی، اسم فاعل از ریشه‌ی صعد (صعود) [مورخی اندلسی].

صالح (♂ عربی) صلحجو، اسم فاعل از ریشه‌ی صلح [پیامبر قوم ثمود].
صباح (♂ عربی) کسی که در صبح می‌آید، از ریشه‌ی صبح [حسن صباح: رهبر اسماعیلیان].

صبور (♂ عربی) شکیبا، صفت از ریشه‌ی صبر.
صبور (♂ عربی) شکیبا، صفت از ریشه‌ی عربی صبر [از القاب خداوند].
صلام (♂ عربی) بسیار صدمه زننده، از ریشه‌ی صدمه [صدام حسین: رئیس جمهور منفور عراق].

صدیق (♂ عربی) بسیار راستگو، از ریشه‌ی صدق [لقب ابوبکر].
صریح (♂ عربی) رک‌گو، از ریشه‌ی صراحت.
صفر (♂ عربی) ماه دوم سال قمری، از ریشه‌ی اصفار (خالی شدن مردم از مکه برای سفر).

صفوان (♂ عربی) سنگ نرم، صاف، از ریشه‌ی صفو (صافی).

صفی (♂ عربی) برگزیده، از ریشه‌ی صفی (برگزیدن) [شیخ صفی: جد شاهان صفوی].

صَفِیه (♀ عربی) دوستِ مخلص و راستین، از ریشه‌ی صفی [نام همسر حضرت محمد از دختران قبیله‌ی خزرج].

صلاح (♂ عربی) درستی و بهبود، صفت از ریشه‌ی صلح [صلاح الدین ایوبی: سردار مسلمان].

صَلَح (♂ عربی) شاخه [پسر ارفخشذ].

صمد (♂ عربی) پاینده، از ریشه‌ی عربی صمد (پایداری و استواری) [از القاب خداوند].

صمصام (♂ عربی) شمشیری که خم نمی‌شود [صمصام السلطنه، از اشراف عصر مشروطه].

صُهَيْب (♂ عربی) سرخیِ آمیخته به سپیدی، لقب شیر، اسم تصغیر از ریشه‌ی صهب [از صحابه].

صیاح (♂ عربی) ترانه‌خوان، اسم فاعل از ریشه‌ی صیح (آواز، بانگ).

صیدون (♂ Sidon عربی) مستحکم [پسر کنعان].

ض

ضامر (♂ عربی) لاغر و کمر باریک.

ضاوی (♂ عربی) درخشنده، روشن، اسم فاعل از ریشه‌ی ضیاء (نور).

ضرار (♂ عربی) زیانمند، آسیب زننده، از ریشه‌ی ضرر [از بزرگان عصر

جاهلیت].

ضرغام (♂ ♀ عربی) شیر درنده.

ضیاء (♂ عربی) روشنایی.

ط

طائف (♂ عربی) طواف کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی طوف (گشتن دور چیزی) [اسم قبیله ایست].

طائل (♂ عربی) فضل، ثروت، اسم فاعل از ریشه‌ی طیل.

طارق (♂ عربی) کسی که در شب می‌آید، لقب ستاره‌ی سحرگاهی، اسم فاعل از ریشه‌ی طرق (مسیر) [از فاتحان مسلمان اسپانیا].

طالب (♂ عربی) خواستار، اسم فاعل از ریشه‌ی طلب [ابی‌طالب: پدر حضرت علی].

طامح (♂ عربی) بلند پرواز، اسم فاعل از ریشه‌ی طمح (بلند پروازی).

طاهر (♂ عربی) پاکیزه، از ریشه‌ی طهارت.

طوغان (♂ ترکی) انبوه لشکر، از ریشه‌ی ترکی تیرمک (گرد آمدن و جمع شدن).

طُریف (♂ عربی) غریب و شگفت، صفت از ریشه‌ی طُرفه [نخستین مهاجم عربی که به اندلس حمله کرد].

طُغای تیمور (♂ ترکی) پیچ و خم آهنین، از ریشه‌ی ترکی طوغای (پیچ و خم) و تیمور (آهن) [از امیران مغول].

طُغای (♂ ترکی) پیچ و خمی که در مسیر رودخانه است [از امیران مغول].

طُغُرلُ (♂ ترکی) قوش، مرغی شکاری [از شاهان سلجوقی].

طلال (♂ عربی) جای مرتفع، از ریشه‌ی طَلَّ (تپه) [لقب امرای نجد و سوریه].

طلحه (♂ عربی) درخت موز خاردار [از صحابه].

طُمّاح (♂ عربی) بلندپرواز، دوراندیش، اسم فاعل از ریشه‌ی طمح (بلند پروازی).

طوغان (♂ ترکی) شاهین.

طه (♂ عربی) ای مرد!، به زبان حبشی.

طَهماسب (♂ پارسى) دارای اسب نیرومند، از ریشه‌ی اوستایی تَخَمَه
(نیرومند) و اَسپَه (اسب) [از شاهان پیشدادی، دومین شاه صفوی].

طَهمورث (♂ پارسى) روباه نیرومند، از ریشه‌ی اوستایی تَخَمَه (نیرومند) و
اوروپَه (روباه) [از پادشاهان پیشدادی و شکست دهنده‌ی دیوان].

طَیب (♂ عربى) پاک.

طَیبه (♀ عربى) خوشمزه و نیکو، از ریشه‌ی طیب (میل).

ظ

ظریف (♂ عربی) نازک، شکننده، از ریشه‌ی ظرف.

ظفر (♂ عربی) پیروزی.

ظهیر (♂ عربی) پشتیبان، از ریشه‌ی ظهر (پشت) [ظهیرالدوله: از اشراف عصر

مشروطه].

ع

عائد (♂ عربی) عیادت کننده، بازگشته، اسم فاعل از ریشه‌ی عود.

عائش (♂ عربی) خوش گذران، اسم فاعل از ریشه‌ی عیش.

عابد (♂ عربی) پرستش کننده، از ریشه‌ی عبادت.

عادل (♂ عربی) دادگر، اسم فاعل از ریشه‌ی عدل.

عارف (♂ عربی) شناسنده، اسم فاعل از ریشه‌ی عرف.

عاصم (♂ عربی) بازدارنده از بدی، اسم فاعل از ریشه‌ی عصمت.

عاطف (♂ عربی) دلسوز، اسم فاعل از ریشه‌ی عطف.

عاقل (♂ عربی) خردمند، از ریشه‌ی عقل.

عالیه (♀ عربی) بالارونده، بلند.

عامر (♂ عربی) دارای زن و فرزند، از ریشه‌ی عمر (آبادانی) [شاه دولت مرینی در کشور مغرب].

عامر (♂ عربی) کسی که زیاد عمر می‌کند، اسم فاعل از ریشه‌ی عمر.
عایشه (♀ عربی) دارای زندگی نیکو، از ریشه‌ی عیش [نام همسر حضرت محمد].

عباس (♂ عربی) بسیار ترشرو، عبوس، عباسه (♀ عربی) اخمو و ترشرو، هم‌ریشه‌ی عبوس [خواهر هارون الرشید].
عبدشُمون (♂ Abdashmun) فنیقی (بنده‌ی آشُمون (نام خدایی است)).
عبدملقارت (♂ Abdemelquart) فنیقی (بنده‌ی ملقارت (اسم خدایی است)).

عَبَر (♂ Ebar) عبری) انشعاب [پسر ارفخشد].
عُبید (♂ عربی) بنده‌ی کوچک، اسم تصغیر از ریشه‌ی عبد.
عبیر (♀ عربی) مخلوط عطر، زعفران.
عُبَّیْه (♂ عربی) کنار دره [اسم جدی جاهلی].
عثمان (♂ عربی) جوجه هوبره، بچه مار.

عثمان (♂ ♀ عربی) جوجه هوبره [نام خلیفه‌ی سوم اسلام].

عجاج (♂ عربی) گرد و غبار، کنایه به سوارکار ماهر.

عداد ایلو ایدینا (♂ آشوری) عداد به من تاج عطا کرد، از ریشه‌ی بابلی عداد

(خدای توفان)، آپلی (تاج)، و ایدینا (عطا کرد) [شاه بابل در 1067-

1046 پ.م.].

عدنان (♂ عربی) مقیم [جد مردم حجاز].

عدی (♂ عربی) مردم آماده‌ی جنگ، از ریشه‌ی عدو (دشمنی).

عذراء (♀ عربی) دوشیزه‌ی باکره، از ریشه‌ی عذر [لقب حضرت مریم].

عرفان (♂ عربی) خوب شناخته شده، مشهور، از ریشه‌ی عرف.

عزرائیل (Azrael ♂ عبری) خدا کمک می‌کند، از ریشه‌ی عبری ازر

(کمک کردن) و ایل (خدا) [فرشته‌ی مرگ].

عزوباه (♀ Azubah عبری) بخشوده.

عزیز/ معز (♂ عربی) زمین سخت و محکم، شکست ناپذیر.

عسّاف (♂ عربی) بسیار ستمگر، از ریشه‌ی عسف (ستم کردن).

عسّام (♂ عربی) کسی که در طلب روزی است.

عسکر (♂ عربی) لشکر [لقب امام یازدهم].

عشیره (♀ Asherah فنیقی) زنی که بر روی آب راه می‌رود، از ریشه‌ی

آرامی [ایزدبانوی بزرگ فنیقی].

عطا (♂ عربی) بخشش، از ریشه‌ی عطی.

عظیم (♂ عربی) سترگ، بزرگ، صفت از ریشه‌ی عظم (بزرگی) [از القاب

خداوند].

عقبه (♂ عربی) کوچکترین فرد خانواده، دسر (!)، از ریشه‌ی عقب.

عقیل (♂ عربی) عاقل، از ریشه‌ی عقل [برادر حضرت علی].

علال (♂ عربی) کسی که پی در پی می‌آشامد، از ریشه‌ی علل (نوشیدن)

[لقب روسای کشور مغرب].

علام (Elam ♂ عبری) جوان.

علی (♂ عربی) بلند مرتبه، والا، از ریشه‌ی علی (بالا) [امام اول و خلیفه‌ی

چهارم].

علیم (♂ عربی) داننده، خردمند، صفت از ریشه‌ی عربی علم (دانش) [از

القاب خداوند].

عَمَّار (♂ عربی) آباد کننده، تعمیر کننده، از ریشه‌ی عمر (آبادی) [از صحابه].

عُمَر (♂ عربی) آبادگر، از ریشه‌ی عمران [خلیفه‌ی اول].

عمید (♂ عربی) سرور، سفت از ریشه‌ی عمد.

عنان (♂ عربی) پیشرو.

عَوَف (♀ ♂ عربی) شیر و گرگ، کسی که برای خانواده‌اش زحمت می‌کشد

[عبدالرحمن بن عوف: از صحابی].

عیاش (♂ عربی) خوشگذران، اسم فاعل از ریشه‌ی عیش.

عیاض (♂ عربی) جبران کننده‌ی نیکی، اسم فاعل از ریشه‌ی عوض.

عیسی / جاشوآ (Jesus ♂ عبری) کسی که یهوه نجاتش داده، از ریشه‌ی

عبری یهو (یهوه) و شوآ (نجات دادن).

غ

غازان (♂ ترکی) امیرِ دیگ، یا اربابی که رکابش پهن است، از ریشه‌ی ترکی
غازان (دیگ یا رکابِ پهن) [هفتمین شاه دودمان ایلخانی که در 694ه.ق
مسلمان شد].

غازی (♂ عربی) جنگجو، اسم فاعل از ریشه‌ی غزوه.
غامِر (♂ عربی) بسیار نیکوکار، شکوهمند، اسم فاعل از ریشه‌ی غمر
(شکوه).

غدير (♀ عربی) آبگیر.
غزال (♂♀ عربی) بره‌ی آهوئی که آنقدر بزرگ شده که از مادر بی نیاز
است.

غسان (♂ عربی) تیزی و تندِ جوانی، از ریشه‌ی غسن (شور).

غطفان (♂ عربی) کسی که خوبزندگی می‌کند، کسی که مژه‌های بلند دارد.

غفار (♂ عربی) بخشاینده، چشم پوشنده، اسم فاعل از ریشه‌ی غفر (چشم

پوشی) [از القاب خداوند].

غِفار (♂ عربی) خالِ روی صورت.

غفور (♂ عربی) پوشنده‌ی گناه، اسم فاعل از ریشه‌ی غفر (چشم پوشی) [از

القاب خداوند].

غلام (♂ عربی) نوحط، پسر نوجوان.

غلوان (♂ عربی) نشاط جوانی.

غَنوم (♂ عربی) کسی که بسیار غنیمت می‌گیرد، از ریشه‌ی غنیمت.

غنی (♂ عربی) ثروتمند.

غنی (♂ عربی) ثروتمند، صفت از ریشه‌ی غنا [از القاب خداوند].

غَوْث (♂ عربی) یاری.

غیاث (♂ عربی) فریادرس، از ریشه‌ی غوث [غیاث‌الدین جمشید کاشانی:

ریاضیدان ایرانی].

غیثانه (♀ عربی) سیراب از باران، از ریشه‌ی غوث.

غینگ (Qing ♀) چینی) سبز-آبی.

غیو (Qiu (♂ ♀) چینی) پائیز.

ف

فائزه (♀ عربی) پیروز، رستگار، از ریشه‌ی فوز.

فائوستوس (♂ Faustus لاتین) خوش‌شانس، از ریشه‌ی لاتین

[شخصیت اصلی تراژدی مشهور گوته].

فابیوس (♂ Fabius لاتین) باقلا، از ریشه‌ی لاتین [از سرداران بزرگ

رومی].

فاتح (♂ عربی) پیروز، از ریشه‌ی فتح (گشودن).

فاختنا (♂ Fachtna سلت) دشمنانه، از ریشه‌ی سلتی [شوهر نسا].

فاخر (♂ عربی) باشکوه، اشرافی، از ریشه‌ی فخر (افتخار کردن).

فاروق (♂ عربی) تفکیک کننده‌ی راستی از ناراستی، اسم فاعل از ریشه‌ی
فرق [لقب عمر].

فاضل (♂ عربی) دانشمند، اسم فاعل از ریشه‌ی فضل.

فاطمه (♀ عربی) زنی که بچه‌اش را از شیر گرفته، از ریشه‌ی فطم (از شر
گرفتن) [نام دختر حضرت محمد و همسر حضرت علی].

فای (♀ Fay) آنگلساکسون) پری.

فتاح (♂ عربی) گشاینده، داور، اسم فاعل از ریشه‌ی فتح (گشودن) [از القاب
خداوند].

فتّاح (♂ عربی) گشاینده، قاضی، از ریشه‌ی فتح.

فتانه (♀ عربی) دلربا، فتنه‌انگیز، اسم فاعلی از ریشه‌ی فتن.

فخار (♂ عربی) کوزه‌گر، از ریشه‌ی فخر (کوزه‌گری کردن).

فرامرز (♂ پارسی) بخشنده‌ی دشمنان، از ریشه‌ی پهلوی فَرَا (پیش، رویارو،
دشمن) و آمرز (آمرزیدن، بخشیدن) [پسر رستم].

فرج (♂ عربی) رهایی از اندوه و سختی.

فرحان (♂ عربی) شادمان، صفت از ریشه‌ی فرح.

فَرُخ (♂ پارسی) زیبارو، خجسته، از ریشه‌ی پارسی.

فَرخار (♂ پارسی) معبد، از ریشه‌ی سغدی بُرْگهر (بتخانه) و سانسکریت
ویهارَه (معبد).

فردریک (Fredrick ♂ آلمانی) شاه صلحجو، از ریشه‌ی نوردیک
باستان frey (صلح، آرامش) و rick (شاه).

فردیناند (Ferdinand ♂ آلمانی) آماده‌ی سفر.

فرَشْئوشترَه (Frashaoshthra ♂ پارسی) صاحب شتران چابک، از
ریشه‌ی اوستایی [از سرداران ماد].

فرگوس (Fergus ♂ آنگلوساکسون) مرد نیرومند.

فَرَنگِیس (♀ پارسی) مبارک، خجسته، از ریشه‌ی اوستایی ویسْپیه فُریه [همسر
سیاوش و دختر افراسیاب].

فرهاد (♂ پارسی) تنهای فرخنده؟، از ریشه‌ی پارسی [پهلوانی در عصر
خسروپرویز].

فُرهود (♂♀ عربی) بچه بز کوهی، گوسفند.

فریا (Freya ♀ آلمانی) بانو، از ریشه‌ی نوردیک باستان.

فریبرز (♂ پارسی) فرخنده‌ی بلند مرتبه، از ریشه‌ی اوستایی بورز (بلند، بالا) و فره (فرخندگی)، شکل اولیه‌ی این نام برزفری بوده است [پسر کیکاووس].
 فرید (♂ عربی) یگانه، صفت از ریشه‌ی فرد [فریدالدین عطار نیشابوری]:
 عارف ایرانی].

فریدسَوید (Frideswide ♂ آنگلساکسون) صلح پایدار، از ریشه‌ی ساکسون frid (صلح) و swide نیرومند، استوار)

فریدون (♂ پارسی) سومین نفر، از ریشه‌ی اوستایی ثَرِئْثَوَنَه که با ثَرِئْتَه در سانسکریت و فَرْتَه در پهلوی همتاست [شکست دهنده‌ی ضحاک].

فریگ (♀ Frigg آلمانی) دوست داشتن، از ریشه‌ی نوردیک باستان.

فصیح (♂ عربی) شیوا، سخنگو، از ریشه‌ی فصاحت.

فضل (♂ عربی) خرد، برتری.

فلاح (♂ عربی) کشاورز، از ریشه‌ی فلاحه.

فلاویوس (♂ Flavius لاتین) بور، موطلایی، از ریشه‌ی لاتین.

فلیکس (♂ Felix لاتین) موفق، کامیاب، از ریشه‌ی لاتین.

فو (Fu ♂ چینی) ثروتمند.

فوبوس (♂ Phoebus یونانی) هراس، وحشت، از ریشه‌ی یونانی باستان

fohbus (هراس) [پسر آرس، یکی از ماه‌های سیاره‌ی بهرام].

فوزیه (♀ عربی) پیروز، از ریشه‌ی فوز.

فونیکس (♂ Phoenix یونانی) قرمز تیره، ارغوانی، از ریشه‌ی یونانی یا

فنیقی fohnix (ارغوانی) [استاد آخیلوس، اسم عامی برای مردم فنیقیه].

فهد (♂♀ عربی) یوزپلنگ [شاه عربستان].

فهیمه (♀ عربی) فهمیده، خردمند، صفت از ریشه‌ی فهم.

فیاخرا (♂ Fiachra سلت) کلاغ، از ریشه‌ی ایرلندی باستان fiach

(کلاغ) [یکی از چهار پسر لیر در اساطیر ایرلندی که پس از نهصد سال به یک

قو تبدیل شد].

فیاض (♂ عربی) بخشنده، از ریشه‌ی فیض.

فیدل (♂ Fidel اسپانیایی) وفادار، از ریشه‌ی لاتین.

فیصل (♂ عربی) حاکم، داور، از ریشه‌ی فصل (به سرانجام رساندن) [از

شیوخ عرب].

فیلمون (Philemon ♂ عبری) مهربان، دوست داشتنی، از ریشه‌ی یونانی filemon (دوست داشتنی).

فینئاس (Phineas ♂ مصری باستان) اهل نوبه، از ریشه‌ی مصری باستان پانئسی (نوبه‌ای، سیاهپوست) [نوه‌ی هارون].

فیون (Fionn ♂ سلت) سفید، تمیز، از ریشه‌ی ایرلندی باستان [قهرمانی همه‌چیزدان].

فیون (Fionn ♀ آنگلو ساکسون) تمیز، سفید، از ریشه‌ی سلتی.

فؤاد (♂ عربی) دل، قلب.

ق

قَاآن (♂ ترکی) خاقان، شاهنشاه [قویلائی قَاآن، شاهِ مغولِ چین].

قَابِس (♂ عربی) یاد گیرنده‌ی علم و هنر.

قابوس (♂ عربی) شکل عربی شده از کاووس پارسی است [اسم سنتی ملوک اردن].

قابیل (Cane ♂ عبری) به دست آمده، سیاه، از ریشه‌ی سامی [نخستین پسر آدم].

قاجار (♂ ترکی) تندرو، سریع [از قبایل ترک].

قادر (♂ عربی) توانا، اسم فاعل از ریشه‌ی قدرت.

قازن/ کازن (♂ پارسی) جنگجو، از ریشه‌ی پهلوی کارین (مربوط به جنگ، جنگی) [نام خاندانی بزرگ در عصر اشکانی].

قارون (♂ عربی) کبک، شترمرغ، در تورات به صورت قورح ثبت شده [از ثروتمندان عصر موسی].

قاسم (♂ عربی) قسم خورنده، تقسیم کننده، از ریشه‌ی قسم.

قاصد (♂ عربی) پیک، سفیر، از ریشه‌ی قصد.

قاکارع (qakare) ♂ مصری باستان) روح رع تواناست، از ریشه‌ی مصری باستان قا (نیرومند) و کا (روح) و رع [از فراعنه‌ی دودمان هفتم].

قانع (♂ عربی) قناعت کننده.

قُباد (♂ پارسی) شاهِ محبوب، از ریشه‌ی اوستایی کَوا (کی، شاه) و واَّته (محبوب) [نخستین پادشاه کیانی].

قتاده (♂ عربی) نوعی درخت خاردار.

قَتْلُغ خان (♂ ترکی) شاهِ خجسته، از ریشه‌ی ترکی قتلغ (مبارک، خجسته) و خان (ارباب، شاه) [حاکم کرمان از دودمان قراختایان].

قحطان (♂ عربی) بسیار ضربه زننده، از ریشه‌ی قحط (ضربه زدن) [جد اعراب یمن].

قدوس (♂ عربی) پاکیزه، مقدس، صفت از ریشه‌ی عربی قدس (ارجمند و مقدس) [از القاب خداوند].

قَراویونلو (♂ ترکی) صاحب گوسفندان سیاه، از ریشه‌ی ترکی قرا (سیاه)، قویون (گوسفند) و لو (پسوند مالکیت) [نام قبیله‌ای ترک که از 780 تا 874 هـ.ق بر شمال غربی ایران حکومت می‌کردند].

قَراگوزلو (♂ ترکی) چشم سیاه، از ریشه‌ی ترکی قرا (سیاه)، گوز (چشم) و لو (پسوند مالکیت).

قَرامان (♂ ترکی) برترِ سیاه، از ریشه‌ی ترکی قرا (سیاه) و مان (والا، برتر) [قرامان بن نوره، مؤسس دودمان قرامانیان در آسیای صغیر 654-868 هـ.ق].

قَرتکین (♂ ترکی) دلاور سیاه، از ریشه‌ی ترکی قرا (سیاه) و تکین (شاهزاده، دلاور) [از امیران سامانی].

قَرقیز (♂ ترکی) سرخ‌رو.

قریش (♂ عربی) کوسه‌ی کوچک، از کلمه‌ی آرامی کرشا □□□□ یا محل جمع

شدن از ریشه‌ی سریانی ܩܪܝܫ (قرش) [قبیله‌ی حضرت محمد]

قزل ارسلان (♂ ترکی) شیر سرخ، از ریشه‌ی ترکی قزل (سرخ) و ارسلان

(شیر) [نام دو تن از اتابکان آذربایجان].

قشقایی (♂ ترکی) اسبی که بر پیشانی‌اش لکه‌ای رنگی دارد، یا آلتی آهنین

شبه زره که بر پیشانی اسب می‌بندند، از ریشه‌ی جغتایی قاشقه به همین معنا

[از ایل‌های ترک].

قُصَّی (♂ عربی) دوراندیش، به هدف رسیده، اسم تصغیر قصا.

قُطام (♂♀ عربی) نوعی مرغ شکاری.

قَع (Qa'a) ♂ مصری باستان) دستانش برافراشته‌اند، از ریشه‌ی مصری

باستان [آخرین فرعون دودمان نخست].

قُلّی (♂ ترکی) بنده، برده.

قِلِیچ (♂ ترکی) شمشیر.

قُیَّئَه (♂ عربی) زودرنج و بداخلاق.

قیس (♂ عربی) کسی که با خودنمایی راه می‌رود، برازنده.

قینان (Qinan ♂ عبری) مالک، از ریشه‌ی سامی [پسر شیت].

قَیوم (♂ عبری) پایدار، خودبنیاد، صفت از ریشه‌ی عربی قیم (بر پا داشتن)

[از القاب خداوند].

ک

کاتاشی (♂ Katashi ژاپنی) استحکام.

کاتانا (♀ Katana ژاپنی) شمشیر.

کاتاهکاسا (♂ Katahecassa سرخپوستی) سُم سیاه، به زبان شاوَنی

[رئیس قبیله‌ی شایان در قرن هژدهم].

کاتب (♂ عربی) نویسنده، اسم فاعل از ریشه‌ی کتب.

کائسو (♂ Katsu ژاپنی) پیروزی.

کائسورو (♂ Katsuro ژاپنی) فرزند پیروزی.

کادُموس (♂ Cadmus یونانی) خاور، مشرق [جد خاندان شاهِ بئوسی].

کادیرُن (♂ Cadeyrn سلت) شاه جنگجو، از ریشه‌ی سلتی cad

(جنگ) و theyrn (شاه).

- کاران (Karan ♂ هندی) برآمده از گوش، از ریشه‌ی سانسکریتِ کرَنه (گوش) [پسر سوریه که از گوش‌اش زاده شد].
- کارمل (Carmel ♀ عبری) باغ مو، از ریشه‌ی کَرَمی (انگور).
- کارون (Charon ♂ یونانی) تند، ژیان [قایقران دوزخ].
- کاریا (Carya ♀ یونانی) درخت گردو.
- کازوئو (Kazuo ♂ ژاپنی) اولین پسر.
- کازوکو (Kazuko ♀ ژاپنی) فرزند دوستانه.
- کازوکی (Kazuki ♂ ژاپنی) صلح خوشایند.
- کاساندرا (Cassandra ♀ یونانی) در دام اندازنده‌ی مردان، از ریشه‌ی یونانی باستان kassa (تله) و Andros (مرد) [دختر پریام شاه تروا].
- کاستور (Castor ♂ یونانی) سگ آبی [پسر لدا از پهلوانان تروا].
- کاسیوس (Cassius ♂ لاتین) خالی، پوک، از ریشه‌ی لاتین [از امپراتوران روم].
- کاظم (عربی) شکيبا، فروخورنده‌ی خشم، اسم فاعل از ریشه‌ی کظم.
- کافی (عربی) فراوان، بس، اسم فاعل از ریشه‌ی کفی.

کالِب (Caleb ♂ عبری) سگ.

کالوس (Calus ♂ یونانی) زیبا.

کالی (Kali ♀ هندی) سیاه، از ریشه‌ی سانسکریت [زن شیوا].

کالیاس (Calias ♂ یونانی) تغییر رنگ دهنده.

کالیپسو (Calypso ♀ یونانی) پنهان [ایزدبانویی که اولیس را در جزیره‌اش گرفتار کرد].

کالیستو (Callisto ♀ یونانی) زیباترین [ندیمه‌ی آرتیمیس که به خاطر از دست دادن بکارتش دست او کشته شد].

کالیگولا (Calugula ♂ لاتین) چکمه‌های کوچک، از ریشه‌ی لاتین caligus (چکمه) و ula (پسوند کوچکی) [امپراتور دیوانه‌ی روم].

کالیئون (Callileon ♂ یونانی) شیر زیبا.

کالیوپه (Calliope ♀ یونانی) صاحب چهره‌ی زیبا، از ریشه‌ی یونانی kallos (زیبا) و ioph (چهره) [از موزها، ایزدبانوی حماسه].

کامران (♂ پارسی) خوشبخت، سعادت‌مند، از ریشه‌ی پارسی کام (بخت، شادمانی) و ران (هدایت کردن).

کامبیز (♂ پارسی) درهم کوبنده‌ی دشمنان، شکل یونانی شده‌ی کمبوجیه [پسر و جانشین کوروش بزرگ]

کانئونوسکاتو (♂ Kaneonuskatew سرخپوستی) کسی که بر پنجه‌های چهار دست و پایش راه می‌رود، از ریشه‌ی کری [رهبر قبیله‌ی کری در قرن نوزدهم].

کاندلاریا (♂ Candelaria اسپانیایی) شمعدان، از ریشه‌ی لاتین.
کانِفرِ رع (♂ Kaneferre مصری باستان) روح رع زیباست، از ریشه‌ی مصری باستان کا (روح) و نِفر (زیبا) و رع [از فراعنهی دودمان دهم].

کاواکاتوسیه (♂ Kawakatoose سرخپوستی) مرد فقیر و لاغر، از ریشه‌ی کری [رهبر قبیله‌ی کری در قرن نوزدهم].

کاووس (♂ پارسی) پادشاه ثروتمند، پادشاه خرسند، از ریشه‌ی اوستایی کَوَه (کی، شاه) و اوسَن (خرسند، دولتمند) [از پادشاهان بزرگ کیانی].

کاوه (♂ پارسی) مانند گاو، از ریشه‌ی پهلوی کاوگ که گویا از بخش اول عبارتِ اوستایی گَنوش دُرَفْشَه (درفش کاویانی) گرفته شده باشد [آهنگری که در برابر ضحاک طغیان کرد].

کاووس (♂ پارسی) سرور چشمه‌سارها، یا باراده و مصمم، شکل ساده شده‌ی گوی-اوسن اوستایی، که بخش دوم آن به معنای چشمه یا آرزو و خواست است [شاه نامدار کیانی].

کبیر (♂ عربی) بزرگ و پر عظمت، صفت از ریشه‌ی عربی کبر (بزرگی) [از القاب خداوند].

کتایون (♂ پارسی) مو بلند، دارای گیسوان دراز، از ریشه‌ی یونانی komhtw (گیسو، موی بلند) [همسر گشتاسپ، مادر اسفندیار و خواهر تئودورا، ملکه‌ی روم].

کُرئون (♂ Creon یونانی) حاکم [پدر مگاره، از پهلوانان اودیسه].

کراتوس (♂ Kratus یونانی) قدرت.

کرانائوس (♂ Cranaus یونانی) سنگی، صخره [از جزایر یونان].

کَرپ ارسلان (♂ ترکی) توله شیر، از ریشه‌ی ترکی کَرپ (توله) و ارسلان (شیر) [حاکم مراغه که نظامی هفت پیکرش را به او پیشکش کرده است].

کِرِتئوس (♂ Creteus یونانی) شاه.

کُرِتِه (♀ Crete یونانی) ملکه [جزیره‌ی بزرگی در جنوب یونان].

کُرْتِیس (♂ Curtis گُل - فرانسه‌ی کهن) بارگاه، دربار.

کُرِستِیا (♀ Crescentia لاتین) رشد یابنده، از ریشه‌ی لاتین.

کُرْسِیدا (♀ Cressida یونانی) زرین، از ریشه‌ی یونانی باستان crusw (زرین).

کُرْشاسپ / گرشاسپ (♂ پارسى) دارنده‌ی اسب لاغر، از ریشه‌ی اوستایی کِرْسَه (لاغر) و اَسپَه (اسب) [از پهلوانان ملی ایرانی].

کِرْمیت (♂ Kermit آنگلو ساکسون) مرد آزاده.

کروتوس (♂ Crotus یونانی) ضرب آهنگین.

کروتون (♂ Croton یونانی) ساسِ سگ.

کروکور (♂ Krokhor ارمنی) همان گریگوری است.

کریزوتِموس (♀ Chrysothemis یونانی) قانون زرین، از ریشه‌ی

یونانی باستان crusw (زرین) و qhmis (قانون) [دختر آگامنون].

کریسِه (♀ Chryse یونانی) زرین، از ریشه‌ی یونانی باستان crusw

(زرین) [منطقه‌ای در یونان].

کریسیپوس (Chryseppus ♂ یونانی) اسب زرین، از ریشه‌ی یونانی
باستان crusw (زرین) و 'ippos (اسب).

کریشنا (Krishna ♂ هندی) سیاه، تیره، از ریشه‌ی سانسکریت [از
خدایان هندو]

کریگ (Craig ♂ آنگلساکسون) صخره‌ها.
کریم (♂ عربی) بخشنده، صفت از ریشه‌ی عربی کرم (بخشش) [از القاب
خداوند].

کسانتیپه (Xanthipe ♀ یونانی) دارنده‌ی اسب زردۀ برساخته ازξανθός
(بور و زرد) و 'υππος (اسب) [زن سقراط]

کُسُچیپیلی (Xochipilli ♂ سرخپوستی) شاهزاده‌ی گل، در
زبان آزتک [خدای عشق آزتک‌ها].

کسُچیئِل (Xochitl ♀ سرخپوستی) گل، از ریشه‌ی ناهواتلان.
کسُچیکوِتْزال (Xochiquetzal ♀ سرخپوستی) شاهزاده‌ی گل
[ایزدبانوی عشق آزتک‌ها و خواهر دوقلوی کسُچیپیلی].

کِشواد (♂ پرسی) دارای سخنانِ شیوا [پهلوان شاهنامه‌ای و بنیانگذار دودمان گودرزیان].

کَعْب (♂ عربی) شرف، ارجمندی [کعب بن احبار، از راویان حدیث].

کفیل (♂ عربی) ضامن، سرپرست، صفت از ریشه‌ی کفل.

کلئوبیس (♂ Cleobis یونانی) نامدار در زندگی، از ریشه‌ی یونانی باستان klha (افتخار، شهرت) و bios (زندگی).

کلئوپاترا (♀ Cleopatra یونانی) دارای پدر نامدار، از ریشه‌ی یونانی باستان klha (افتخار) و patra (پدر) [زن ملثاگر در ایلیاد، ملکه‌ی یونانی مصر از دودمان بطلمیوسیان].

کلئوترا (♀ Cleothera یونانی) سرزمین مشهور، از ریشه‌ی یونانی باستان klha (افتخار، شهرت) و thra (زمین).

کلئودیسه (♀ Cleodice یونانی) عدالت مشهور، از ریشه‌ی یونانی باستان klha (شهرت) و dukh (عدالت).

کلئومِنِس (♂ Cleomenes یونانی) قدرت مشهور، از ریشه‌ی یونانی باستان klha (شهرت) و menes (قدرت).

کلئون (♂ Cleon یونانی) مشهور، از ریشه‌ی یونانی باستان klha (افتخار، شهرت).

کلِیستِیرا (♀ Cleisthyra یونانی) قفل کننده‌ی در.

کلارک (♂ Clark آنگلوساکسون) دانشمند.

کلانسی (♂ Clancy آنگلوساکسون) جنگجوی سرخ.

کلب (♂♀ عربی) سگ [بنی کلب: از قبایل جاهلی].

کَلبوم (♂ اکدی) سگ، از ریشه‌ی اکدی [از شاهان باستانی سومر].

کَلِته (♀ Clete یونانی) برگزیده.

کلثوم (♂♀ عربی) فیل.

کَلمومو (♂ اکدی) بره، از ریشه‌ی اکدی [از شاهان باستانی سومر].

کلوتو (♀ Clotho یونانی) ریسنده.

کلودیوس (♂ Claudius لاتین) لنگ، چلاق، از ریشه‌ی لاتین [امپراتور روم در قرن نخست میلادی].

کلوریس (♀ Chloris یونانی) سبز، از ریشه‌ی یونانی باستان clora (سبز).

کلیا (♀ Cleia یونانی) مشهور، از ریشه‌ی یونانی باستان klha (شهرت).

کلیتمِنِسْتِرا (♀ Clytemnestra یونانی) اظهار عشقِ ستایشگرانه [زن آگاممنون].

کلیتی (♂ Clytie یونانی) مشهور، از ریشه‌ی یونانی باستان klha (شهرت) [پسر لائومدون از بزرگان تروا].

کلیفورد (♂ Clifford آنگلوساکسون) گذارِ تپه، از ریشه‌ی انگلیسی باستان cliv (تپه) و ford (در، دروازه).

کلیم (♂ عربی) سخنگو، کسی که شیوا حرف می‌زند، صفت از ریشه‌ی کلم [لقب حضرت موسی].

کلیمنوس (♂ Clymenus یونانی) قدرت مشهور، از ریشه‌ی یونانی باستان klha (شهرت) و menes (قدرت) [از پهلوانان تروا].

کلینتون (♂ Clinton آنگلوساکسون) ساکن قله، از ریشه‌ی انگلیسی باستان cliv (تپه) و ton (پسوند نسبت).

کلیو (♂ Clio یونانی) جارچی، خبر رسان، از ریشه‌ی یونانی باستان

kilo (جارچی) [ایزدبانوی تاریخ، از موزها].

کلیو (♂ Clive آنگلو ساکسون) ساکن تپه، از ریشه‌ی انگلیسی باستان

cliv (تپه).

کلیودنا (♀ Cliodhna سلتی) زیبا، خوش اندام، از ریشه‌ی گل [در

اساطیر ایرلندی ایزدبانویی است که عاشق مردی از میان آدمیان می‌شود].

کمال (♂ عربی) کامل، از ریشه‌ی کمال [کمال‌الملک: نقاش].

کُمیل (♂ عربی) کوچکِ کامل، اسم تصغیر از ریشه‌ی کامل.

کِن (Ken ♂ ژاپنی) شمشیر یا سلامت.

کِنِت (Kenneth ♂ آنگلو ساکسون) زیبا.

کِنْتَا (Kenta ♂ ژاپنی) قوی و سالم.

کِنْجِی (Kenji ♂ ژاپنی) پسر دوم.

کُنْدَرَو (♂ پارسی) زرین پاشنه، از ریشه‌ی اوستایی گُنْدَرَوَه [در اوستا و ریگ

ودا غولی مهیب است، در شاهنامه به پیشکار ضحاک تبدیل شده است].

کُنراد (Conrad ♂ آلمانی) مشاور توانمند، از ریشه‌ی سلتی con (نیرومند) و rad (مشاور).

کُنستانتین (Constantine ♂ لاتین) پایدار، استوار، از ریشه‌ی لاتین constant (پایدار) [اولین امپراتور مسیحی روم، شهر قسطنطنیه به افتخار او نامگذاری شده است].

کُنشین (Kenshin ♂ ژاپنی) قلب شمشیر.

کنعان (♂ عربی) منقبض، آماده‌ی انجام کار، جد اساطیری اعراب سوریه.

کنعان (Canaan ♂ عبری) سرزمین پست، دشت [جد کنعانی‌ها].

کنفوسیوس (Confucius ♂ چینی) استاد مقدس، از ریشه‌ی چینی کونگ (مقدس)، فو (مرد، شوهر) و تسه (استاد) [فیلسوف بزرگ چینی در قرن پنجم پ.م].

کوآتزالکواتل (Quetzalcoatl ♂ سرخپوستی) مار بالدار، از ریشه‌ی ناهواتلان [خدای بزرگ آزتک‌ها].

کوامی (Kwami ♂ آفریقایی) زاده‌ی روز شنبه، از ریشه‌ی آفریکان،

کواناح (Quanah ♂ سرخپوستی) عطر [رهبر کومانچی در قرن نوزدهم].

کوپرئوس (♂ Copeus یونانی) کود دهنده، از ریشه‌ی یونانی باستان

koprhs (کود، مدفوع) [پسر پلوپس از پهلوانان ایلید].

کوت (♂ پارسی) دژ، قلعه، از ریشه‌ی هندی، کوتوال (صاحب قلعه) از همین

ریشه است [از پهلوانان شاهنامه].

کوثر (♀ عربی) فراوان، بسیار، از ریشه‌ی سامی باستان کثر [لقب دختر

حضرت محمد، در اصل نام ایزدبانوی فنیقی آبها].

کورڈیلیا (♀ Cordilia لاتین) قلب، از ریشه‌ی لاتین caria (قلب).

کوروش (♂ پارسی) جنگاور، مبارز، از ریشه‌ی هند و ایرانی کو (نابود کردن،

جنگیدن) [بنیانگذار دودمان هخامنشی].

کورنتین (♂ Corentine آلمانی) گردباد [کشیشی در بریتانی قرن

پنجم م].

کورنلیوس (♂ Cornelius لاتین) شاخدار، از ریشه‌ی لاتین

cornea (شاخ).

کورو (♂ Kuro ژاپنی) پسر نهم.

کورونئا (♀ Coronea یونانی) کلاغ.

کورونتا (♂ هیتی) کودک دشت گسترده، از ریشه‌ی هیتی [خدای روستاها].

کورونیس (Coronis ♂ یونانی) کلاغ.

کوریبانتس (Coribantes ♂ یونانی) رقص تاج‌دار.

کوریتوس (Corythus ♂ یونانی) صاحب کلاهخود.

کوریسیدا (Currissida ♀ یونانی) نوحه.

کورینتوس (Corinthus ♂ یونانی) عضو انجمن مردان.

کوش (Kush ♂ عبری) سیاه [جداتیوپیان].

کوفی (Kofi ♂ آفریقایی) زاده‌ی روز جمعه، از ریشه‌ی آفریکان،

کوکالوس (Cocalus ♂ یونانی) صدف مارپیچ.

کوکب (♀ عربی) ستاره.

کوکولان (Cuchulainn ♂ سلت) سگ تازیِ کولان، از ریشه‌ی

ایرلندی باستان [لقب یکی از پهلوانان اساطیری سلت که با نام سِتانِتا هم مشهور

است].

کومار (Kumar ♂ هندی) پسر.

کومتس (Cometes ♂ یونانی) دارای گیسوی بلند.

کومیکو (♀ Kumiko ژاپنی) فرزند جاودانه زیبا.

کون (♂ Kun چینی) جهان، دامنه‌ی کوه.

کونال (♂ Conall سلت) گرگ نیرومند، از ریشه‌ی سلتی con
(نیرومند) و wolf (گرگ).

کوندیچه (♀ Condice لاتین) سفید، از ریشه‌ی لاتین.

کیورک (♂ Kevork ارمنی) همان جرج است.

کوسس (♂ Cowessess سرخپوستی) بچه‌ی کوچک، از ریشه‌ی
اوجیوآ [رئیس قبیله‌ی سولتو در قرن هژدهم].

کوهار (♂ Kohar ارمنی) جواهر.

کوین (♂ Kevin آنگلساکسون) کودک زیبارو.

کهرم (♂ پارتی) اهورامزداي پهلوان، از ریشه‌ی پهلوی گئو (پهلوان) و
هرمیزد (هرمز) [پسر ارجاسپ].

کیادو (♀ chiado یونانی) دانه‌ی برف.

کیت (♀ Keith آنگلساکسون) چوب.

کیتن هوتران اوتاش (♂ ایلامی) فرّه هوتران مرا یاری کرد، از ریشه‌ی ایلامی
کبتن (نیروی الهی)، هوتران (از خدایان ایلامی) و اوتاش (مرا یاری کرد) [شاه
ایلام در 1235-1205 پ.م، فاتح میانرودان].

کیتیم (♂ Kitim عبری) کسی که کوبیده و کبود شده است [پسر یاوان].
کیرک (♂ Kirk آلمانی) کلیسا [به صورت ترکیبی آن در نام کیرکه‌گارد
(یعنی باغچه‌ی کلیسا) دیده می‌شود]

کیریریشا (♀ ایلامی) بانوی بزرگ، از ریشه‌ی ایلامی [مادر خدای ایلام].
کیسکاوچوک (♂ Kisacawchuck سرخپوستی) ستاره‌ی روز، از
ریشه‌ی کری [رهبر قبیله‌ی کری در قرن نوزدهم].

کیکاووس (♂ پارسی) شاه کاووس، شاه بااراده، یا شاه چشمه‌سارها، با افزوده
شدن یک کی (شاه) اضافی به نام اوستایی کوی-اوسن پدیده آمده که خود این
عنصر را پیشاپیش دارد [شاه نامدار کیانی]

کیکو (♀ Keiko ژاپنی) فرزند محترم.

کیکو (♀ Kiko ژاپنی) گل داوودی.

کیلوس (♂ Chylus یونانی) شیرهی گیاه.

کیمروس (Chimereus ♂ یونانی) عفریت، دیو، از ریشه‌ی پارسی
کیمیریا (نام قبیله‌ای ایرانی در حاشیه‌ی دریای سیاه) [هیولایی با تن شیر و پای
بز و دم اژدها].

کیمودوسه (Kymodoce ♀ یونانی) آماده‌ی برخورد با امواج.

کیمیکو (Kimiko ♀ ژاپنی) فرزند اشرافی.

کین (Kin ♀ ژاپنی) طلایی.

کیوشی (Kiyoshi ♂ ژاپنی) خلوص.

کیوکو (Kiyoko ♀ ژاپنی) فرزند پاکیزه.

کیومرث (♂ پارسی) آن زنده‌ای که خواهد مرد، از ریشه‌ی اوستایی گِیو
(جان، زندگی) و مَرْتَن (مردن)، در پهلوی به گِیومَرْت تبدیل شده [نخستین
انسان در اساطیر ایرانی].

گ

گابریل (Gabriel ♂ عبری) مرد نیرومندِ خدا، از ریشه‌ی عبری گابر (پهلوان) و ایل (خدا).

گاد (Gad ♂ عبری) بختِ نیک [از قبایل دوازده‌گانه‌ی یهودی].

گادار (Gadar ♀ ارمنی) قله.

گاڈفری / گوفری (Godfrey/Geoffrey ♂ آلمانی) صلح الهی، از ریشه‌ی نوردیک باستان god/geo (خدا) و frey (صلح، آرامش).

گارث (Garth ♂ آلمانی) باغ.

گالاتئا (Galatea ♀ یونانی) شیر سپید [از فرشتگان دریا].

گالِن / جالینوس (Galen ♂ یونانی) آرام [پزشک مشهور یونانی].

گالوس (Gallus ♂ لاتین) جوجه خروس، از ریشه‌ی لاتین.

گامالیل (Gamaliel ♂ عبری) سودِ خداوند، از ریشه‌ی عبری گامَه
(سود) و ایل (خدا).

گانش (Ganesh ♂ هندی) خدای قبیله، ایلخان، از ریشه‌ی سانسکریت
gan (قبیله) و isa (ارباب).

گانیمِد (Ganymede ♂ یونانی) از ریشه‌ی یونانی باستان [از پهلوانان
تروا، ساقی زئوس].

گاوری (Gauri ♀ هندی) سفید، از ریشه‌ی سانسکریت [همسر شیوا]
گاوین (Gawin ♂ سلت) عقاب سفید، از ریشه‌ی ولشی
gwalchgwyn (عقاب سفید) [از دلاوران میزگرد].

گای (Guy ♂ آلمانی) خوب.

گیثر (Gether ♂ عبری) دره‌ی آزمون [پسر آرام].

گرانَت (Grant ♂ گل-فرانسه‌ی کهن) بزرگ.

گراهام (Graham ♂ آنگلوساکسون) خانه‌ی خاکستری، از ریشه‌ی
انگلیسی باستان gra (خاکستری) و ham (کلبه).

گراین (♀ Grainne سلت) دانه، غله، از ریشه‌ی گل gran (غله، دانه)
[ایزدبانوی غله و دروگری].

گرت/ گری (♂ Gareth/ Gary آنگلوساکسون) ظریف.

گرترود (♂ Gertrude آلمانی) قدرت نیزه، از ریشه‌ی ساکسونی
gar (نیزه) و trude (قدرت).

گرزم/ قرزم/ کرزم (♂ پارسی) رزم کیانی، در اوستا به شکل گوارسمن دیده
می‌شود [خویشاوند نیرنگ‌باز اسفندیار در شاهنامه].

گرد (♀ Gerd آلمانی) خانه‌دار، محافظ خانه، از ریشه‌ی نوردیک باستان
gardr (چهار دیواری) [ایزدبانوی نگهبان خانه‌ها].

گرسپوز (♂ پارسی) ناستوار، دارای پایداری اندک، از ریشه‌ی اوستایی کرسه
(لاغر، اندک) و وزده (نیرو، پایداری) [برادر اسفندیار].

گرشوم (♂ Gershome عبری) تبعید، خروج.

گُرگین (♂ پارسی) همچون گرگ، از ریشه‌ی پهلوی وورک (گرگ) [از
پهلوانان شاهنامه].

گِرمَانیکوس (Germanicus ♂ لاتین) آلمانی، از ریشه‌ی لاتین

Germania (سرزمین آلمان) [سردار بزرگ رومی و فاتح آلمان].

گرید (Grid ♀ آلمانی) صلح، از ریشه‌ی نوردیک باستان.

گُستَهَم (♂ پارسی) گسترنده‌ی قدرت، از ریشه‌ی پهلوی ویس (گستردن) و تَخْمَه (نیرو، قدرت) [از پهلوانان شاهنامه].

گُشتاسپ / وِشتاسپ (♂ پارسی) دارنده‌ی اسب رمنده، صاحب اسب پیر، از ریشه‌ی پارسی باستان وِشت (از کار افتاده، پیر) و اَسپَه (اسب) [نخستین شاه زرتشتی و پشتیبان زرتشت، پدر اسفندیار].

گُشَسپ (♂ پارسی) صاحب اسب نر، از ریشه‌ی اوستایی گُشن (نرینه) و اَسپَه (اسب) [از پهلوانان شاهنامه].

گلاوکوپیس (Glaucopis ♂ یونانی) دارای چشمانی همچون جغد.

گلاوکون (Glaucou ♂ یونانی) چشم جغدی یا چشم خاکستری، کوتاه

شده‌ی γλαυκόμματος، یعنی وقف شده برای آتنا [نام برادر افلاطون]

گلاوکونومه (♀ Glaukonome یونانی) ارباب دریای خاکستری، از

ریشه‌ی یونانی باستان glaukos (خاکستری) و nomos (قانون).

گلاوکه (♀ Glauce یونانی) خاکستری، از ریشه‌ی یونانی باستان

glaukos (خاکستری) [از فرشتگان دریا].

گُلباد (♂ پارسی) بوی گل [از پهلوانان شاهنامه].

گُندَقَرَنَه (♂ پارسی) فرهمندی جنگاوران، بر ساخته از گوند (ارتش، سپاه) و

فَرَنَه (فَره، فرهمندی) [شاهی از دودمان سکاها‌ی سیستان، و احتمالاً نام رستم

تاریخی است]

گو (♂ پارسی) دلیر، پهلوان، از ریشه‌ی پارسی باستان گئو (دلیر، پهلوان) [از

پهلوانان شاهنامه].

گوادلوپ (♂ Guadaloپ اسپانیایی) رودِ گرگ، از ریشه‌ی لاتین

gua (رود)، حرف ربطِ del و lupus (گرگ).

گوئُخی (♂ Gutxi باسک) کوچک

گودِآ (♂ سومری) کسی که به قدرت فراخوانده شده، از ریشه‌ی سومری

[شاه لاگاش در 2150 پ.م].

گودآلیم (♂ سومری) هیولای گاو وحشی [شاهی در میانرودان باستان که به دست نینورتا کشته شد]

گودرز (♂ پارسی) سرآمد پهلوانان، از ریشه‌ی پهلوی گُترز [پهلوانی مشهور در عصر اشکانی، سپهسالار ایران در شاهنامه].

گورتیرن (♂ Gwrtheyrn سلت) برترین پادشاه، از ریشه‌ی ولشیِ gwr (برتر) و theyrn (شاه).

گورخان/گورکان (♂ ترکی) شاه سرزمینهای پهناور، از ریشه‌ی ترکی گور (پهناور، جهان) و خان (ارباب، شاه) [موسس دودمان گورکانیان].

گوردون (♂ Gordon آنگلساکسون) تپه.

گوردون (♀ Gurdun آلمانی) حکمت الهی، از ریشه‌ی نوردیک باستان gud (خدا) و run (دانش رمزآمیز) [زنِ سیگورد در اساطیر ژرمنی].

گورکا (♂ Gorka باسک) جرج

گورگون (♀ Gorgon یونانی) دیو، هیولا، از ریشه‌ی یونانی باستان gorgona (عفریت مادینه) [عفریتهایی که به جای مو مار داشتند و نگاهشان آدمیان را سنگ می‌کرد].

گورو (♂ Goro ژاپنی) پسر پنجم.
گوسله (♂ هندی) آخورِ گاو، برساخته از ریشه‌ی سانسکریت گو (گاو) و سله (خانه، آخور) [لقبِ ماکالی کوسله از راهبان نامدار بودایی]

گوشکا (♂ هندی) گاو مقدس سکاها (؟) برساخته از گئو (گاو) و سکا (؟) [راهبی سکا-تخاری که دین بودا را به بلخ آورد]

گوماتا (♂ Geomata پارسی) دانا به صفت گاو، از ریشه‌ی پارسی باستان گئو (گاو) و ماته (دانستن) [بردیای دروغین که به دست داریوش کشته شد].

گومر (♂ Gomer عبری) کمال [پسر یافت، جد زردپوستان].
گونزالو (♂ Gonzalo آلمانی/ اسپانیایی) نبرد رهایی‌بخش، از ریشه‌ی آلمانی باستان gund (نبرد) و salvo (نجات دادن).

گوئگونوم (♂ سومری) صدای طبل جنگ، از ریشه‌ی سومری [شاه لارسا در
اواخر هزاره‌ی دوم پ.م].

گویاتلای (Goyathlay ♂ سرخپوستی) کسی که خمیازه می‌کشد،
اصمِ اصلیِ جِرونیمو است [آخرین رئیس قبیله‌ی آپاچی].

گویینیا (Goibnia ♂ سلت) آهنین، از ریشه‌ی ایرلندی باستانِ
gobha (آهن) [خدای آهنِ ایرلندی‌ها].

گویینیو (Goibniu ♂ سلت) آهنگر، از ریشه‌ی ایرلندی باستانِ
gobha (آهن) [خدای آهنگری].

گویلدِهَرِن (Gwilherm ♂ آلمانی) همان ویلیام است.

گیدِئُون (Gideon ♂ عبری) بُرنده، تیز (صفت جنگجو).

گیلبرت (Gilbert ♂ آلمانی) وثیقه‌ی درخشان، امانت نورانی، از
ریشه‌ی آلمانی gil (امانت) و bert (درخشان).

گینا (♀ Gina ژاپنی) نقره‌ای.

گیو (♂ پارسی) پهلوانانه؟، از ریشه‌ی اوستایی گِئُونِی که در پهلوی به ویر
تبدیل شده است [پدر گودرز].

ل

لِئا (♀ Lea عبری) پوشیده.

لِئاگورا (♀ Leagora یونانی) گرد آورنده‌ی مردم، از ریشه‌ی یونانی

باستان laos (مردم) و agora (بازار، محل گردهم‌آیی).

لئوپولد (♂ Leopold آلمانی) مردمی همچون شیر شجاع، از ریشه‌ی

لاتین leon (شیر) و pol (مردم).

لئونارد (♂ Leonard آلمانی) شیر شجاع، از ریشه‌ی لاتین leon

(شیر) و wald (شجاع).

لائومِدا (♀ Laomedea یونانی) رهبر مردم، از ریشه‌ی یونانی باستان

laos (مردم) و medes (راهبری).

لابارناس (♂ هیتی) شاه، از ریشه‌ی هیتی [نخستین شاه هیتی].

لاخِسیس (Lachesis ♂ یونانی) تعیین کننده.

لاکُشمی (♀ Lakshmi هندی) نماد، علامت، از ریشه‌ی سانسکریت

[ایزدبانوی خانواده]

لالا (♀ Lala بلغاری) لاله، از ریشه‌ی پارسی (؟).

لالاوتیکا (Lalawethica ♂ سرخپوستی) او صدا می‌کند، از ریشه‌ی

شاوونی [رهبر قبیله‌ی شایان].

لامِش (Lamesh ♂ عبری) ویرانگر، از ریشه‌ی سامی [پسر قابیل].

لامع (♂ عربی) روشن، نورانی، اسم فاعل از ریشه‌ی لمع.

لان (♀ Lan چینی) ارکیده،

لاورنتی (Lavrenti ♂ بلغاری) همان لاورنس است.

لاورنس (Lawrence ♂ لاتین) دارای تاج برگ غار، پرافتخار، از

ریشه‌ی لاتین.

لایل (Lyle ♂ گل - فرانسه‌ی کهن) جزیره‌ای، اهل جزیره، از ریشه‌ی

گل، L (حرف تعریف) و aile (جزیره).

لیب (♂ عربی) بینا، خردمند، از ریشه‌ی لَب.

لِیتِیا (♀ Letitia لاتین) خوشحال، از ریشه‌ی لاتین letia (شادی، سرور).

لِدا (♀ Leda یونانی) زن، از ریشه‌ی لیسیه‌ای باستان "لادا" (زن) [همان نمسیس، زن زئوس].

لِروی (♂ Leroy گُل - فرانسه‌ی کهن) شاه.

لِسلِی (♂ Lesley آنگلوساکسون) چمنزار، از ریشه‌ی انگلیسی باستان les (چمن) و ley (دشت).

لَطِیف (♂ عربی) مهربان، صفت از ریشه‌ی عربی لطف (مهربانی) [از القاب خداوند].

لَقِمان (♂ عربی) خاموش کننده‌ی دشمن، اسم از ریشه‌ی لقم [پادشاه افسانه‌ای حِمیر که به خردمندی مشهور بود].

لِمعان (♂ عربی) روشن، نورانی، اسم از ریشه‌ی لمع.

لوْتِر (♂ Luther آلمانی) ارتش مردم، از ریشه‌ی نوردیک باستان lud (جنگجو) و ter (مردم).

لودیم (♂ Ludim عبری) خمیده [پسر نیزرائیم].

لوز (♂ Luz اسپانیایی) نور، از ریشه‌ی لاتین.

لوسینا (♀ Lucina لاتین) نور، روشن، از ریشه‌ی لاتین lucia
(روشنایی)، در لاتین لوکینا خوانده می‌شده است.

لوسینه (♀ Lucine ارمنی) ماه.

لوط (♂ عربی) چسبیده، اسم مفعول از ریشه‌ی اللوط (چسبیدگی) [پیامبری
از امونیان، برادر زاده‌ی ابراهیم خلیل].

لوط (♂ Lut عبری) پنهان [پیامبر عبرانی].

لوقا (♂ Lucas عبری) اهل منطقه‌ی لوکانیا، از ریشه‌ی لاتین
Lucania که نام منطقه‌ایست در ایتالیا.

لوکرس (♀ Locres یونانی) از ریشه‌ی یونانی باستان [منطقه‌ای در یونان].

لوگکشِمَه (♂ هندی) بهروزیِ جهانیان [از راهبان مشهور بودایی در قرن دوم
میلادی]

لوگ (Lugh ♂ آلمانی) آن درخشنده (صفت خورشید)، از ریشه‌ی ایرلندی باستان.

لوگال زاگیسی (♂ سومری) شاهی که مکان مقدس را اشغال می‌کند، از ریشه‌ی سومری لو (مرد)، گال (بزرگ)، زاگیسی (اشغال کردن مکان مقدس) [شاه اومه در 1123-2340 پ.م.].

لیوون (Levon ♂ ارمنی) همان لئون است.

لوی (Levi ♂ عبری) پیوسته [از قبایل دوازده‌گانه‌ی یهودی].

لوید (Lloyd ♂ آنگلساکسون) خاکستری.

لوئیس / لودوویچ / لودویگ / لویی (♂ Ludwig /Lewis/) Ludovice/Luis آلمانی) جنگجوی مشهور، از ریشه‌ی نوردیک باستان lud (جنگجو) و wig (مشهور).

لهابیم (Lehabim ♂ عبری) شعله [پسر نیزرائیم].

لهراسپ (♂ پارسی) دارای اسب چابک، از ریشه‌ی اوستایی ائوروَت (چابک، تندرو) و آسپَه (اسب) [از پادشاهان کیانی].

لی (♂ ♀ Li) چینی) سیاه، تیز، نیرومند.

لیث (♂ ♀ عربی) شیر درنده [یعقوب لیث: بنیانگذار دودمان صفاری].

لیر (♂ Llyr سلت) دریا، از ریشه‌ی ولش.

لیکورگوس (♂ Lyncurgos یونانی) کردار گرگ، از ریشه‌ی یونانی

باستان lukus (گرگ) و ergos (کردار، عمل)، در گویش یونانی

لوکورگوس خوانده می‌شده است [شاه باستانی اسپارت و واضع اولین قانون

مدنی اسپارت‌ها].

لیلی (♀ عربی) سیاه (صفت شب)، مست از می، از ریشه‌ی لیل [معشوقه‌ی

مشهور قیس بن ملوح (مجنون)].

لیلیت (♀ Lilith فنیقی) شب، از ریشه‌ی سامی [زنِ اول حضرت آدم].

لین (♂ Lynn آلمانی) آبشار.

لین (♀ ♂ Lin چینی) جنگل، یشم.

لیندا (♀ Linda انگلوساکسون) مار، از ریشه‌ی ساکسون

linda (نجیب).

م

می (♀ Mei چینی) پر، بال.

مآت کارع (♀ Maatkare مصری باستان) روح رع عدالت اس، از
ریشه‌ی مصری باستان مات (عدالت)، کا (روح) و رع [لقب حت شپ سوت،
ملکه‌ای از دودمان هژدهم].

مآخرورع (♂ Maakherure مصری باستان) رع صدای راستین است،
از ریشه‌ی مصری باستان مآ (راستین)، خرو (صدا) و رع [لقب آمن‌محت
چهارم، از فراعنه‌ی دودمان دوازدهم].

مائیوه (♀ Maeve سلت) مسموم، همان مائِب است [ملکه‌ای افسانه‌ای].

مابون (♂ Mabon سلت) پسر، از ریشه‌ی سلتی.

ماتیلدا (♀ Matilda آلمانی) قدرت جنگ، از ریشه‌ی آلمانی باستان
mat (قدرت) و Hilda (جنگ).

ماتیو (♂ Mathew عبری) هدیه‌ی خداوند، از ریشه‌ی عبری مَتّی (هدیه
دادن) و یهو (یهوه) [از حواریون مسیح].

ماجد (♂ عربی) بخشنده، اصیل، اسم فاعل از ریشه‌ی عربی مجد (بزرگی،
بخشش) [از القاب خداوند].

مارال (♀ Maral ترکی) آهو.

مارتا (♀ Martha عبری) بانوی خانه، از ریشه‌ی آرامی.

مارس (♂ Mars لاتین) مردانه، از ریشه‌ی لاتینی mas/mar (مرد،
نرینه) [خدای جنگ رومیان].

مارکوس (♂ Marcus لاتین) اهلِ مارس، از ریشه‌ی لاتین [آخرین
امپراتور بزرگ روم].

ماریا (♀ Maria مصری باستان) آرزومند فرزند، معشوق، از ریشه‌ی
مصری باستان مر (عشق) و مری (معشوق) [نام خواهر حضرت موسی].
ماریان (♀ Mariane لاتین) دریایی، از ریشه‌ی لاتین maria (دریا).
ماریکو (♀ Mariko ژاپنی) فرزند توپ.
ماریه (♀ عربی) زن سفید و براق، گاوی ماده که گوساله‌ای بی‌مو و نوزاد
داشته باشد [نام همسر قبلی حضرت محمد].
مازن (♂ عربی) تخم مورچه، کنابه به چهره‌ی روشن، اسم فاعل از ریشه‌ی
مزن.
ماسویو (Masuyo ♂ ژاپنی) افزودن بر جهان.
ماسیست / ماسیس (♂ پارسی) بزرگترین، برترین، شکل یونانی شده‌ی مهبشت
است [شهبازی پارسی در نبرد پلاته]
ماکارنا (♀ Macarena اسپانیایی) محل زندگی رستگاران، از ریشه‌ی
makarias (رستگار) که خودش از ریشه‌ی یونانی باستان makaros
(خوشبخت) مشتق شده.

ماگدا (♀ اکدی) جلیل، مجید، از ریشه‌ی سامی اتیوپیایی مَجد (عظمت، شکوه) [ملکه‌ی صبا؟، ملکه‌ی اتیپوی در قرن دهم پ.م].

ماگدالنا (♀ Magdalena عبری) ساکنِ برج، اهل مجدلیه، از ریشه‌ی مَجدَلَه (برج) که منطقه‌ایست در فلسطین [روسی‌ای که توسط مسیح نجات یافت].

ماگوگ (Magoge ♂ عبری) گسترش [پسر یافت، جد چینیان].

مالاچی (Malachi ♂ عبری) پیامبر خدا.

مالکوم (Malcolm ♂ آنگلوساکسون) دخمه یا انضباط.

مانتو (Manetho ♂ مصری باستان) نگهبانِ اسبها، از ریشه‌ی مصری [مورخ بزرگ مصری].

مانفرد (Manfred ♂ آلمانی) قدرت صلحجو، از ریشه‌ی آلمانی باستان mat (قدرت) و frey (صلح).

مانی (♂ پارسی) [پهلوان ایرانی عصر شاپور ساسانی].

مانی (♀ Mani هندی) جواهر، از ریشه‌ی سانسکریت.

ماویس (Mavis ♂ گُل - فرانسه‌ی کهن) آواز.

مایا (♀ Maia لاتین) بزرگ (صفتِ بهار)، از ریشه‌ی لاتین.

مایبرع (♂ Mayebre مصری باستان) قلب رع بیناست، از ریشه‌ی

مصری باستان ما (دیدن)، ایب (قلب) و رع [قلب شِشی، نخستین فرعونِ

هیکسوس و بنیانگذارِ دودمان پانزدهم].

مایته (♀ Maite باسک) ماریاترزا

مایکل / میشل / میچل / میخائیل / میگل (Michael ♂ عبری) چه کسی

به خدا شبیه است؟ از ریشه‌ی می (چه کسی؟) کَی (همچون) اِل (خدا).

مأمون (♂ عربی) قابل اطمینان، اسم مفعول از ریشه‌ی امن [خلیفه‌ی عباسی].

مبارک (♂ عربی) خجسته، صفت از ریشه‌ی برکت.

مبارگسی (♂ سومری) قانون بر تخت جلوس می‌کند، از ریشه‌ی سومری می

(قانون)، باراک (تخت) و سی (نشستن) [شاه کیش در 2700 پ.م.].

مبشر (♂ عربی) نوید دهنده، اسم فاعل از ریشه‌ی بشر.

متقی (♂ عربی) پرهیزکار، اسم فاعل از ریشه‌ی تقی.

متواتاسکه (♀ Methoataske سرخپوستی) لاک‌پشت تخم می‌گذارد،

از ریشه‌ی زبان شاونی.

متوشائل (Metoshael ♂ عبری) مرد خدا، از ریشه‌ی سامی [پسر قابیل].

متوشلح (Matoshelah ♂ عبری) فرستاده شده، کسی که بعدش از مرگش خواهد آمد (صفتِ توفان) [فرزند شیث].

متوکل (♂ عربی) کسی که به دیگری اعتماد می‌کند، اسم فاعل از ریشه‌ی وکل [از خلفای عباسی].

مُتَوَلَّى (♂ عربی) سرپرست، اسم فاعل از ریشه‌ی ولی.

مِتیس (Metis ♂ یونانی) خرد، از ریشه‌ی یونانی باستان mhtis (خرد).

متین (♂ عربی) نیرومند، استوار، صفت از ریشه‌ی متن (استواری).

مجاهد (♂ عربی) جهاد کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی جهد.

مُجِیب (♂ عربی) پاسخگو، صفت از ریشه‌ی جوب (پاسخ دادن).

مجید (♂ عربی) بلندمرتبه، صفت از ریشه‌ی مجد (بزرگی، عظمت) [از القاب خداوند].

محتشم (♂ عربی) باشکوه، از ریشه‌ی حشم.

محمود (♂ عربی) ستوده شده، اسم مفعول از ریشه‌ی حمد.

مختار (♂ عربی) مستقل، خود محور، صفت از ریشه‌ی اختیار.

مُدَبِّر (♂ عربی) اندیشمند، صفت از ریشه‌ی عربی دبر (تدبیر کردن) [از القاب خداوند].

مِدوزا (♀ Medusa یونانی) نقشه کشنده، فریکار، از ریشه‌ی یونانی باستان medumai (نقشه کشیدن) [از گورگون‌ها که به دست پرسئوس کشته شد].

مَدَی (♂ Madai عبری) میانه [پسر یافت].

مُرابط (♂ عربی) کسی که در مرزهای دشمن ساکن است، اسم فاعل از ریشه‌ی ربط [نام دودمانی از جنگجویان شمال آفریقا].

مراد (♂ عربی) مقصود، هدف، خواسته، اسم مفعول از ریشه‌ی رید.

مرداد (♂ پارسی) میرا، در اصل از ریشه‌ی پهلوی امرداد به معنای نامیرا [نام پنجمین ماه سال].

مرداس (♂ عربی) ابزار کشاورزی که برای صاف کردن زمین به کار می‌رود [نام پدر ضحاک].

مَرَداس (♂ پارسی) میرنده، از ریشه‌ی ایرانی کهن مَر (مردن) [نام پدر ضحاک].

مردان خوره (♂ پارسى) فرهنگىِ مردانه، بر ساخته از مردان و خوره/ فرّه [از سرداران فریدون]

مردخای (Mordchai ♂ عبرى) بنده‌ی مردوک، از ریشه‌ی بابلیِ مردوک (اسم خدای بزرگ بابلیان) [عموی استر].

مردوک (♂ بابلی) گوساله‌ی خورشید، تغییر یافته‌ی کلمه‌ی اکدی اَمَر-اوتوکه از دو بخشِ اَمَر (گوساله) و اوتو (خدای سومری خورشید) گرفته شده است. این نام در تورات به صورت مِروداخ (מֵרֹדַח) و در منابع یونانی به شکل مَرِدوخائوس (Μαρδοχαῖος) ثبت شده است. [ایزد بزرگ بابلیان]

مَرِدوک نادین آخِه (♂ بابلی) مردوک برادری عطا می‌کند، از ریشه‌ی بابلیِ مردوک (خدای بزرگ بابلیان)، نادین (عطا می‌کند)، و آخِه (برادر) [جانشین نبوکدنصر، شاه بابل].

مِرِرامونِر (Mereramunre ♂ مصرى باستان) محبوب آمون رع، از ریشه‌ی مصرى باستان مِرِر (محبوب) و آمون رع [لقب ستناخته، از فراعنه‌ی دودمان بیستم].

مرسدس (Mercedes ♀ لاتین) رحم، بخشش، از ریشه‌ی لاتین.

مِرکوری (Mercury ♂ یونانی) بازرگان، از ریشه‌ی یونانی باستان

merkari (تجارت) [خدای دانش و تجارت].

مِرلین (Merlin ♂ سلت) دژ دریایی، از ریشه‌ی ولش myr (دریا) و

din (دژ، قلعه) [جادوگری افسانه‌ای که مشاور شاه آرتور بود].

مِرِن رع (Meren-re ♂ مصری باستان) معشوق رع، از ریشه‌ی مصری

باستان مِرِن (معشوق) و رع [از فراغنه‌ی دودمان ششم].

مِرِن پتاح (Meryenptah ♂ مصری باستان) محبوب پتاح، از ریشه‌ی

مصری باستان مِرِن (محبوب) و پتاح (نام خدایی است) [نام چند تن از

فراغنه‌ی دودمان نوزدهم].

مِرِنِفِرْع (Merneferre ♂ مصری باستان) عشق رع زیباست، از

ریشه‌ی مصری باستان مِر (عشق)، نفر (زیبا) و رع [لقب "آی"، از فراغنه‌ی

دودمان سیزدهم].

مِروان (♂ عربی) صندوق، کمد لباس [آخرین خلیفه‌ی اموی].

مِروسیرع (Meruserre ♂ مصری باستان) عشق رع نیرومند است، از ریشه‌ی مصری باستان مِر (عشق)، اوسیر (نیرومند) و رع [لقبِ یاکوب‌جر، از فراغنه‌ی دودمان پانزدهم].

مِری رع (Mery-re ♂ مصری باستان) محبوب رع، از ریشه‌ی مصری باستان مِری (محبوب) و رع [از فراغنه‌ی دودمان ششم، با نام پپی نخست هم شناخته می‌شود].

مِری ایبرع (Meryibre ♂ مصری باستان) قلب رع محبوب است، از ریشه‌ی مصری باستان مِری (محبوب)، ایب (قلب) و رع [نخستین فرعون دودمان نهم].

مِری کارع (Merykare ♂ مصری باستان) روح کا محبوب است، از ریشه‌ی مصری باستان مِری (محبوب) و کا (روح) و رع [از فراغنه‌ی دودمان نهم].

مِریامون سِتپنرع (Meryamunsetepenre ♂ مصری باستان) محبوب آمون و برگزیده‌ی رع، از ریشه‌ی مصری باستان مِری (محبوب)، آمون،

سِتپِن (برگزیدن)، و رِع [لقب اسکندر مقدونی و فیلیپ آریدایوس، بنیانگذار، و

دومین شاه دودمان مقدونی].

مزدک (♂ پارسی) منسوب به مزدا، از ریشه‌ی پهلوی [پیامبر ایرانی عصر قباد

ساسانی].

مزهر (♂ عربی) شکوفه، گل، از ریشه‌ی زهر (گل).

مِسَانِه پادِه (♂ سومری) قهرمان برگزیده‌ی اِن، از ریشه‌ی سومری مِس

(قهرمان)، اِن (خدای آسمان)، و پادِه (برگزیده) [شاه اور در 2550 پ.م].

مستجیر (♂ عربی) پناهنده، زنه‌ار خواهنده، از ریشه‌ی جار.

مسرور (♂ عربی) خوشنود، صفت از ریشه‌ی سرور [اسم جلاد

هارون الرشید].

مَسعود (♂ عربی) نیکبخت، اسم مفعول از ریشه‌ی سعد (خوشبختی) [شاه

غزنوی].

مِسْکَلَم دوگ (♂ سومری) قهرمانِ خوبِ شرق، از ریشه‌ی سومری مِس

(قهرمان)، کِلِمَد (شرق) و دوگ (خوب) [شاه اور در 2600-2550 پ.م].

مِسوتیرِ (Mesutire ♂ مصری باستان) نوزادِ رع، از ریشه‌ی مصری باستان مِسوت (نوزاد) و رع [لقب کمبوجیه، اولین فرعون دودمان بیست و هفتم].

مسیح (♂ عربی) لمس شده توسط خداوند، تقدیس شده، برگرفته از لقب کوروش در تورات: 𐎠𐎫𐎷𐎡𐎴

مشتاق (♂ عربی) علاقه‌مند، صفت از ریشه‌ی شوق.

مِشخ (Meshekh ♂ عبری) بیرون کشیده شده.

مشکور (♂ عربی) کسی که مورد سپاسگزاری واقع شده، اسم مفعول از ریشه‌ی شکر.

مِشولام (Meshullam ♂ عبری) پرداخته شده، ارزشمند.

مِشی / موسی (Moses ♂ عبری) از آب گرفته شده، از ریشه‌ی عبری مِشی (آب) [پیامبر یهود].

مِشیر (♂ عربی) طرفِ مشورت، از ریشه‌ی شور.

مُصدِّق (♂ عربی) راستگو، اسم فاعل از ریشه‌ی صدق.

مصطفی (♂ عربی) برگزیده، اسم مفعول از ریشه‌ی صفو.

مصطفی (♂ عربی) برگزیده، اسم مفعول از ریشه‌ی صفی (برگزیدن) [لقب حضرت محمد].

مُصْعَب (♀ ♂ عربی) شتر نر سرکش، اسبی که زیر زین نرفته [مصعب بن عمیر: از صحابی].

مصیب (♂ عربی) راستگو، اسم فاعل از ریشه‌ی صوب (صواب).

مظهر (♂ عربی) محل آشکار شدن، اسم مکان از ریشه‌ی ظهر (ظهور).

مُعَاذ (♂ عربی) پناهنده، اسم فاعل از ریشه‌ی عوض.

معاویه (♀ ♂ عربی) توله روباه [اولین خلیفه‌ی اموی].

معتصم (♂ عربی) نگاه دارنده از گناه، اسم فاعل از ریشه‌ی عصم [از خلفای عباسی].

مُعِزّ (♂ عربی) گرامی دارنده، اسم فاعل از ریشه‌ی عربی عزز (گرامی داشتن) [از القاب خداوند].

معصوم (♂ عربی) بی‌گناه، اسم مفعول از ریشه‌ی عصم.

معصومه (♀ عربی) بیگناه، اسم مفعول از ریشه‌ی عصمت.

مُعَمَّر (♂ عربی) کلان‌سال، کسی که زیاد عمر کند، اسم فاعل از ریشه‌ی عمر.

مَعَن (♂ عربی) بلند و کوتاه، کم و زیاد.

معین (♂ عربی) یاور، همراه، اسم فاعل از ریشه‌ی عون.

مغنی (♂ عربی) بخشنده‌ی ثروت، خواننده‌ی سرود، اسم فاعل از ریشه‌ی غنا.

مُغِيرَة (♂ عربی) بسیار تاخ و تاز کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی غور.

مفید (♂ عربی) سودمند، صفت از ریشه‌ی فید (فایده).

مقداد (♂ عربی) بسیار قطع کننده، از ریشه‌ی کَنَدَه، صفت از ریشه‌ی قَدَّ.

مقدم (♂ عربی) پیشتاز، پیشرو، صفت از ریشه‌ی قدم [از القاب خداوند].

مقصود (♂ عربی) هدف، آماج، اسم مفعول از ریشه‌ی قصد.

مُکْرَم (♂ عربی) ارجمند، بخشنده، اسم فاعل از ریشه‌ی کرم.

مگابیز (♂ پارسی) بخشش خداوند، خداداد، تحریفِ یونانیِ نام پارسی باستان

بَگه‌بخشَه که از دو کلمه‌ی بَگه (بغ، خدا) و بَخشَه (بخشش، داده شده) تشکیل

یافته [از اشراف مهم دوران هخامنشی]

مِگابرن (♂ پارسی) شکوه خداوند، فره‌مندیِ بغ، تحریف شده‌ی یونانیِ اسمِ پارسی باستانِ بَگه‌فرنه که از بَگه (بغ، خدا) و فرنه (فره‌مندی، شکوه) تشکیل یافته [پسر راشتی‌ویگه، آخرین شاه ماد]

مُلجِم (♂ عربی) کسی که بدن پر گوشت دارد، صفت از ریشه‌ی لحم (گوشت).

مِلْقارت اَزَر (Melquartazar ♂ فنیقی) ملقارت یاری کرد، از ریشه‌ی سامی ازَر (کمک کردن).

مِلْقارت شما (Melquartshema ♂ فنیقی) ملقارت (دعاهای ما را) شنید.

ملک (♂ عربی) دارنده، شاه، اسم فاعل از ریشه‌ی عربی ملک (داشتن) [از القاب خداوند].

مَلْکُوس (♂ پارسی) مرگ، از ریشه‌ی اوستایی مَهْرَکْسَه (مرگ‌آور) [قاتل زرتشت].

مِلوبوسیس (Melobosis ♂ یونانی) بارور همچون میوه.

مِلیسئوس (Mellisseus ♂ یونانی) مردِ عسلی، از ریشه‌ی یونانی
 باستان mellis عسل، شیرین).

مِمنون (Memnon ♂ یونانی) با اراده، مصمم، از ریشه‌ی یونانی باستان
 memnon (اراده) [پادشاه اتیوپی در اودیسه].

مَنات (♀ عربی) بخت، تقدیر، از ریشه‌ی مُنیة [بت مشهور اعراب جاهلی]

مِناهیم / مناخیم (Menahem ♂ عبری) آرامش دهنده، راحت کننده.

مِنیپتیر (Menpehtyre ♂ مصری باستان) نیروی رع جاودان است،
 از ریشه‌ی مصری باستان مِن (جاویدان)، پختی (قدرت) و رع [لقب رامسس
 اول، نخستین فرعون دودمان نوزدهم].

مِنتوحتپ (Mentuhotep ♂ مصری باستان) مونثو راضی است، از
 ریشه‌ی مصری باستان مونثو (اسم خدایی است) و حتپ (راضی بودن) [نام
 چند تن از فراعنه‌ی دودمان یازدهم].

مِنْخِپْرِعْ (Menkheperre ♂ مصری باستان) جلوه‌ی رع جاویدان است، از ریشه‌ی مصری باستان مِّن (جاویدان) خِپِر (ظهور) و رع [لقب توت‌موزیس سوم، از فراعنه‌ی دودمان هژدهم].

مِنْخِپِرورِعْ (Menkheperure ♂ مصری باستان) تجلیات رع جاویدان است، از ریشه‌ی مصری باستان مِّن (جاویدان)، خِپِر (ظهور) و رع [لقب توت‌موزیس چهارم، از فراعنه‌ی دودمان هژدهم].

مُنْذِر (♂ عربی) تهدید کننده، هشدار دهنده، اسم فاعل از ریشه‌ی نذر [نعمان بن منذر: امیر افسانه‌ای یمن].

مَنْسَه (Manasa ♂ عبری) فراموش سازنده [از قبایل دوازده‌گانه‌ی یهودی].

مَنْصُور (♂ عربی) پیروز، اسم مفعول از ریشه‌ی نصر.

مُنْعَم (♂ عربی) برخوردار، ثروتمند، صفت از ریشه‌ی نعمت.

مِنْکاوَحور (Menkauhor ♂ مصری باستان) ارواح هوروس جاویدان هستند، از ریشه‌ی مصری باستان مِّن (جاویدان) و کا (روح) و حور (هوروس، خدای خورشید) [از فراعنه‌ی دودمان پنجم].

مینکورع (Menkaure ♂ مصری باستان) جاودان همچون روح رع، از ریشه‌ی مصری باستان مین (جاویدان) و کا (روح) و رع [از فراغنه‌ی دودمان چهارم و سازنده‌ی یکی از هرمهای سه گانه].

منگو تیمور (♂ ترکی) آهِنِ جاویدان، از ریشه‌ی ترکی مُنْکُکو (جاویدان) و تیمور (آهن) [پسر هلاکو].

منگو قَاآن (♂ ترکی) شاهِ جاویدان، از ریشه‌ی ترکی مُنْکُکو (جاویدان) و قَاآن (شاهنشاه) [پسر تولو و نوه‌ی چنگیز].

مُنْگو (♂ ترکی) جاویدان، از ریشه‌ی ترکی مُنْکُکو (جاویدان) [پسر تولو و نوه‌ی چنگیز].

مینائوس (Menelaus ♂ یونانی) کسی که در کنار مردم ایستاده، از ریشه‌ی یونانی باستان menei (ایستادن) و laos (مردم) [پهلوانی یونانی در نبرد تروا].

مینموزینه (♀ Mnemosyne یونانی) حافظه، از ریشه‌ی یونانی mnemosunh (حافظه) [مادر موزها].

مَنوچهر (♂ پارسى) از نژادِ مَنوش، از ریشه‌ی اوستایی مَنوش (نام جد لهراسپ) و چیثرَه (نژاد، دودمان) [پادشاه کیانی].

مُنیب (♂ عربی) جانشین، بارانِ زیاد، اسم فاعل از ریشه‌ی نیب (نایب).

مَنِپِه (♀ Menippe یونانی) قدرت اسبها، از ریشه‌ی یونانی باستان menes (قدرت) و 'ippos (اسب).

مُنیر (♂ عربی) نورانی، صفت از ریشه‌ی نور.

مَنِزَه (♀ پارسى) از نژادِ مَنوش، شکل مادینه‌ی منوچهر.

مَنیش توسو (♂ اکدی) همراهش کیست؟، از ریشه‌ی اکدی مَنی (کیست؟) و توسو (همراه) [امپراتور اکد و پسر شروکین].

مو (♀ ♂ Mu چینی) چوب.

موئِرا (♀ Moera یونانی) مرحله، از ریشه‌ی یونانی باستان mohra (دوره‌ی زندگی) [ایزدبانوهای سرنوشت].

موآب (♂ Moab عبری) آرزو [از قبایل کنعانی].

مورانا (♀ Morana اسلاو) مرگ (صفت زمستان)، از ریشه‌ی روسی.

موریکو (♀ Moriko ژاپنی) فرزند جنگل.

موریگان (♀ Morrigan سلت) ملکه‌ی بزرگِ جنگجو، از ریشه‌ی ایرلندی باستان mhor (بزرگ) و rioghain (ملکه‌ی جنگجو) [ملکه‌ای در انگلستان سلت].

موسکوکوان (♂ Muscovequan سرخپوستی) تیغ سخت، از ریشه‌ی کری [رهبر قبیله‌ی کری در قرن نوزدهم].

موکوش (♀ Mokosh اسلاو) خیس، مرطوب (صفت چیزهای بارور)، از ریشه‌ی روسی.

مولوتوف (♂ Molotoff اسلاو) چکش [رهبر شوروی].

مونته‌سرات (♀ Montserrat اسپانیایی) کوه دنداندار، نام کوهی است نزدیک بارسلون، از ریشه‌ی لاتین mont (کوه) و serrata (دنداندار) مونس (♂ عربی) همدم، اسم فاعل از ریشه‌ی انس.

مویرگن (♀ Muirgen سلت) زاده‌ی دریا، از ریشه‌ی سلتی muir (دریا) و gen (زادن).

مویریان (♀ Muireann سلت) دریای پاک، از ریشه‌ی سلتی muir
(دریا) و fionn/eann (سفید، پاک) [مادر فیون‌مک‌کومایل در اساطیر
ایرلندی].

مهاثما (♂ Mahatma هندی) روح بزرگ، از ریشه‌ی هندی مُها (بزرگ)
و آتمَن (روح) [رهبر جنبش استقلال هند].

مهارته (♂ هندی) دارنده‌ی گردونه‌ی بزرگ، از ریشه‌ی سانسکریت مها
(بزرگ) و رته (گردونه) [پهلوان ودایی و بزرگترین پسرِ رئیس قبیله‌ی کورو]
مهاده (♂ هندی) خدای بزرگ، بر ساخته از مُها (بزرگ) و دِوه (خدا)
[بنیانگذار فرقه‌ی بودایی چایتیکه]

مهاویره (♂ هندی) قهرمان، ابرمرد، در سانسکریت (महावीर) از ریشه‌ی مُها
(بزرگ) و ویره (مرد) [بنیانگذار کیش جین در هند قرن شش و پنجم پ.م]
مُهتدی (♂ عربی) هدایت شده، صفت از ریشه‌ی هدی.

مُهدَب (♂ عربی) پاکیزه، بی‌عیب، صفت از ریشه‌ی هذب.

مَهِسا (♀ پارسی) همچون ماه، از ریشه‌ی پارسی ماه و پسوند شباهت (ـسا).

مهلائیل (Mahlael ♂ عبری) ستایش خداوند، از ریشه‌ی عبری مهلا (ستایش) و ایل (خدا) [فرزند شیث].

مُهَنَّا (♂ عربی) شادمان، گوارا، اسم فاعل از ریشه‌ی هنی.

مهُوجائیل (Mehojael ♂ عبری) خدا می‌جنگد، از ریشه‌ی عبری مهوجا (جنگیدن) و ایل (خدا) [پسر قابیل].

مِهیتابِل (Mehitabel ♂ عبری) خدا شادمان می‌سازد، از ریشه‌ی عبری مهیتا (شادمان کردن) و ایل (خدا).

میا ♀ Mia مال من، از ریشه‌ی لاتین.

میاکو ♀ Miyako ژاپنی) فرزند زیبای اسفند.

مِیبل (Mabel ♂ گُل - فرانسه‌ی کهن) مستخدمِ امین من، از ریشه‌ی گل m' (ضمیر ملکی اول شخص) و abel (مستخدم).

میتسوکو ♀ Mitsuko ژاپنی) فرزند نور.

میثاق (♂ عربی) پیمان، اسم مکان از ریشه‌ی وثق (وثیقه).

میچیکو ♀ Michiko ژاپنی) فرزند زیبای خردمند.

میدوری (♀ Midori ژاپنی) سبز.

میرزا (♂ پارسى) اميرزاده، بزرگ مرتبه، شكل کوتاه شده‌ی امير زاده است.

میرمدون (♂ Myrmedon يونانى) مردم مورچه، از ریشه‌ی يونانى باستان

murmekos (مورچه) [نام قبیله‌ای در یونان].

میرن (♀ Miren باسک) ماریا

میعاد (♂ عربی) محل بازگشتن، اسم مکان از ریشه‌ی عود.

میکاه (♂ Mikah عبری) کسی که شبیه یهوه است (مایکل).

میکی (♀ Miki ژاپنی) تنه‌ی درخت.

میلاَد (♂ پارسى) هدیه‌ی ایزد مهر، مهرداد، زاده شده، زاد روز، از ریشه‌ی

یَلَدِ عبری به معنای تولد آمده است اما گاه به عنوان شكل تغییر یافته‌ی مهرداد

در نظر گرفته می‌شود [پدر گرگین].

میلاَد (♂ عربی) محل/زمان زاده شدن، اسم زمان از ریشه‌ی ولد.

میلاگروس (♂ Milagros اسپانیایی) معجزه، از ریشه‌ی لاتین.

میمون (♂ عربی) مبارک، فرخنده، اسم مفعول از ریشه‌ی یمن.

- مینا (♀ پارسی) آسمانی، شیشه‌ای، از ریشه‌ی پهلوی مینوگ (آسمان، گنبد فلک) (قدما جنس آسمان را از سنگ یا شیشه می‌دانستند).
- مینا (♀ Meena هندی) ماهی، از ریشه‌ی سانسکریت.
- مینروا (♀ Minerva لاتین) خردمند، از ریشه‌ی یونانی menes (اندیشه، خرد) [ایزدبانوی صنعت و کار دستی].
- مینگ (♂ ♀ Ming چینی) درخشان، روشن.
- مینوتور (♂ Minotaur یونانی) گاوِ کوچک، از ریشه‌ی یونانی باستان minos (کوچک) و tauros (گاو) [دیوی با بدن انسان و سر گاو که فرزند پادشاه کرت بود و تزئوس کشته شد].
- مینورو (♂ Minoru ژاپنی) بذر.
- مؤمن (♂ عربی) ایمان آورنده، باتقوا، اسم فاعل از ریشه‌ی اَمِن.
- مؤید (♂ عربی) تأیید کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی اَیَد (تأیید).

ن

نئوس (♀ Neus اسپانیایی) برف، از ریشه‌ی لاتین.

نائیل (♂ عربی) گردآورنده‌ی چیزی، اسم فاعل از ریشه‌ی نیل.

نائوکو (♀ Naoko ژاپنی) فرزند مطیع.

نائومی (♀ Naomi ژاپنی) زیبا، برتر.

ناپلئون (♂ Napoleon یونانی) شیرِ ناپل، از ریشه‌ی یونانی باستان

neapolis (ناپل = شهر جدید) و leon (شیر) [امپراتور فرانسه و فاتح

اروپا].

ناپیر آسو (♀ ایلامی) ماه بانو، از ریشه‌ی ایلامی [زن اونتاش ناپیرشا].

ناتالی (♀ Nathalie لاتین) کریسمس،

ناتان (♂ Nathan عبری) بخشنده.

ناتسوکو (♀ Ntsuko ژاپنی) فرزند تابستان.

ناثر (♂ عربی) نویسنده‌ی نثر، اسم فاعل از ریشه‌ی نثر.

ناجی (♂ عربی) نجات دهنده، اسم فاعل از ریشه‌ی نجیب (نجات).

ناحور (Nahur ♂ عبری) کسی که خرناس می‌کشد.

ناحوم (Nahum ♂ عبری) غمخوار.

ناختحورحب (Nakhthorheb ♂ مصری باستان) سرور او، هوروس،

نیرومند است، از ریشه‌ی مصری باستان ناخْت (نیرومند)، حور (هوروس) و

حِب (سرور) [آخرین فرعون دودمان سی‌ام].

ناخْتَنِیف (Nakhtnebef ♂ مصری باستان) سرور او نیرومند است،

از ریشه‌ی مصری باستان ناخْت (نیرومند) و نِب (سرور) [از فراغنه‌ی دودمان

سی‌ام].

ناخوْنْتِه‌اوْتو (♀ ایلامی) کسی که زهدانش همچون خورشید است، از ریشه‌ی

ایلامی ناخوْنْتِه (خورشید) و اوْتو (زهدان) [زن شیلهاک اینشوشیناک].

نادر (♂ عربی) کمیاب، برجسته، اسم فاعل از ریشه‌ی ندرت.

نادیا (♀ Nadia اسلاو) اسیر،

نارایان (Narayan ♂ هندی) زاده‌ی مرد، از ریشه‌ی سانسکریت [صفتِ

برهما]

نارسیه (Narceae ♀ یونانی) بی‌حس کننده.

نارمر (Narmer ♂ مصری باستان) گربه ماهیِ مهاجم [نخستین فرعون

مصر].

نازک (♂ پارسی) دوست داشتنی و زیبارو [خانِ سغد و بلخ که در 708 م

مهاجمان عرب را از این منطقه بیرون راند]

ناسق (♂ عربی) منظم کننده، تنظیم کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی نسق.

ناصح (♂ عربی) نصیحت کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی نصح.

ناظم (♂ عربی) نظم دهنده، اداره کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی نظم.

ناکجِ نِبْتِپِ نِفِر (Naktjnebtetpnefer ♂ مصری باستان) قهرمان

زیبا و نیرومند، از ریشه‌ی مصری باستان ناکج (قهرمان)، نِبْتِپ (نیرومند) و نفر

(زیبا) [از فراعنه‌ی دودمان یازدهم، لقب مشهورترش ایتِفِ سوم است].

نانا (Nana ♀ ژاپنی) سیب.

ناناشی (♀ Nanashi ژاپنی) بی نام.

ناهوئیه / ناخونته (♂ ایلامی) خالق روز، از ریشه‌ی ایلامی نان‌هونده (خالق روز) [خدای خورشید].

ناهی (♂ عربی) نهی کننده، بازدارنده، اسم فاعل از ریشه‌ی نهی.

ناهید (♀ پارسی) بی آرایش، پاکیزه، شکل کوتاه شده‌ی آناهیتا [نام سیاره‌ی زهره].

نایلی (♀ Nayeli سرخپوستی) دوستت دارم، در زبان زاپوتک.

نِب حِتپ رع (♂ Nebhetepre مصری باستان) سرورمان رع خوشنود است، از ریشه‌ی مصری باستان نِب (سرور)، حِتپ (راضی است) و رع [از فراغنه‌ی دودمان یازدهم، لقب مشهورترش متوحوتپ اول است].

نِب مآت رع (♂ Nebmaatre مصری باستان) رع سرور عدالت است، از ریشه‌ی مصری باستان نِب (سرور)، مآت (عدالت)، و رع [لقب رامسس ششم، از فراغنه‌ی دودمان بیستم].

نِپْچ تیرِ (Nebephtyre ♂ مصری باستان) رع ارباب قدرت است،
از ریشه‌ی مصری باستان نِب (سرور)، پِحتی (نیرو) و رع [لقب آحموسه از
فراعنه‌ی دودمان هژدهم].

نِبتاویِرِ (Nebtawyre ♂ مصری باستان) رع ارباب دو سرزمین است،
از ریشه‌ی مصری باستان نِب (سرور)، تاوی (دو سرزمین) و رع [آخرین فرعون
دودمان یازدهم، لقب مشهورترش متوحتپ سوم است].

نِپْخِپِرورِ (Nebkheperure ♂ مصری باستان) رع سرورِ تجلیات
است، از ریشه‌ی مصری باستان نِب (سرور)، خِپِر (ظهور) و رع [لقب
توتانخامون، از فراعنه‌ی دودمان هژدهم].

نِبْکاورِ (Nebkaure ♂ مصری باستان) ارواح رع زرین هستند، از
ریشه‌ی مصری باستان نوب (طلایی) و کا (روح) و رع [از فراعنه‌ی دودمان
دهم].

نِبوپولسَر (♂ بابلی) ای نبو پسرَم را حفظ کن، از ریشه‌ی بابلی نبو (از
خدایان)، اِپله (پسرَم را) و اوسور (حفظ کن) [رهبر قبایل کلدانی و شاه بابل در
اوایل قرن هفتم پ.م].

نَبُوگَدَنْصَر/ بُخت النَّصر (♂ بابلی) ای نبو فرزندانم را حفظ کن، از ریشه‌ی بابلی نبو (اسم خدایی‌ست)، کودور (حفظ کن)، و اوسوری (فرزندانم) [شاه بابل در 1 ♀ 41-1103 پ.م.]

نَبُوْنَعِید (♂ بابلی) نبو مرا متعالی ساخت، از ریشه‌ی بابلی نبو (از خدایان) و نَعِید (متعالی ساختن) [آخرین شاه بابل].

نَبهان (♂ عربی) زیرک و باشرف [جد جاهلی قبیله‌ی طی].

نَبیل (♂ عربی) شریف و فاضل، صفت از ریشه‌ی نبل.

نَجَاد (♂ عربی) بسیار نیرومند و دلیر، اسم فاعل از ریشه‌ی نجد.

نَجِری- خِت (Netjeri-khet ♂ مصری باستان) دارای کالبد الهی، از ریشه‌ی مصری باستان نَجِر (الهی) و خِت (بدن) [از فراعنه‌ی دودمان سوم، که بیشتر با اسم یونانی زوسر یا جوسیر شهرت دارد].

نَجِیب (♂ عربی) اشرافزاده، بزرگوار، صفت از ریشه‌ی نجب (نجابت).

نَرام سین (♂ اکدی) محبوب سین، از ریشه‌ی اکدی نَرام (محبوب) و سین (خدای ماه) [امپراتور اکد در 2254-2218 پ.م.]

نرگس (♀ پارسی) نام گلی است که به زیبایی شهرت دارد، برگرفته از شکلِ یونانی اسمِ اوستایی نریوسنگ.

نَرسِه (♂ پارسی) جلوه‌ی مردانه، زیبایی انسانی، مشتق شده از اسم فرشته‌ای اوستایی (نَریوسَنگَه) که واسطه‌ی انسان و خداوند است.

نارسیس (♂ یونانی و ارمنی) از ریشه‌ی یونانی narsisus، در اساطیر یونانی مرد جوان زیبارویی بود که عاشق تصویر خود شد. این واژه در یونانی از نریوسنگ/نرسه‌ی پارسی وامگیری شده است.

نَریاه (Neriah ♂ عبری) بره‌ی یهوه، از ریشه‌ی عبری نَری (بره) و یاه (یهوه).

نِسا/نِسو Nesaea/Neso از-م) جزیره.

نِسابَنبَد (Nesbanebdjed ♂ مصری باستان) آن که به رام، سرورِ مِندِس مربوط است، از ریشه‌ی مصری باستان نِسا (مربوط بودن به خدای رام)، نِب (سرور)، و جِد (اسم دیگرِ شهرِ مندس) [لقب سِمنَدس اول، از فراعنه‌ی دودمان بیست و یکم].

نِصوح (♂ عربی) اندرز دهنده، اسم فاعل از ریشه‌ی نصح.

نصیب (♂ عربی) بر پای دارنده، اسم فاعل از ریشه‌ی نصب.

نظیف (♂ عربی) تمیز، پاکیزه، صفت از ریشه‌ی نظف.

نُعامة (♂ ♀ عربی) شتر مرغ.

نِفارود (Nefaarud ♂ مصری باستان) ثروتِ بزرگان، از ریشه‌ی مصری

باستانِ نف (ثروت) و رود (بزرگان) [از فراعنه‌ی دودمان بیست و نهم].

نِفَتالی (Naphtali ♂ عبری) چیزی که هنگام کشتی گرفتن به دست

آمده، مبارز [از قبایل دوازده‌گانه‌ی یهودی].

نِفرتاری (♀ Neferkari مصری باستان) زیباترین، از ریشه‌ی مصری

باستانِ نِفِر (زیبا) و تاری (پسوند مخصوص صفت برتر) [ملکه‌ای مصری].

نِفرتی‌تی (♀ Nefertiti مصری باستان) آن زیبا می‌آید، از ریشه‌ی

مصری باستانِ نِفِر (زیبا) و تی (آمدن) [ملکه‌ای از دودمان هژدهم، زنِ

آخن‌آتون].

نِفِر حوْتپ (Neferhotep ♂ مصری باستان) زیبای خوشنود، از

ریشه‌ی مصری باستانِ نفر (زیبا) و حوتپ (خوشنود) [نام دو تن از فراعنه‌ی

دودمان سیزدهم].

نِفِرْخِپِرورِع (Neferkheperure ♂ مصری باستان) تجلیات رع
زیبا هستند، از ریشه‌ی مصری باستان نِفِر (زیبا)، خِپِر (ظهور) و رع [لقب
آخنانین، از فراعنه‌ی دودمان هژدهم].

نِفِرْفِرِع (Neferefre ♂ مصری باستان) رع زیباست، از ریشه‌ی
مصری باستان نِفِر (زیبا) و رع [از فراعنه‌ی دودمان پنجم].

نِفِرْکَارِع (Neferkare ♂ مصری باستان) روح رع زیباست، از ریشه‌ی
مصری باستان نِفِر (زیبا) و کا (روح) و رع [آخرین فرعون دودمان ششم، با نام
پپی دوم هم شناخته می‌شود].

نِفِرْیرْکَارِع (Neferirkare ♂ مصری باستان) روح رع زیباست، از
ریشه‌ی مصری باستان نِفِر (زیبا) و کا (روح) و رع [از فراعنه‌ی دودمان پنجم].

نِلسون (Nelson ♂ آلمانی) پسرِ نِیل، از ریشه‌ی ساکسونی nel (اسم)
و son (پسر).

نماح (Nemah ♂ عبری) شیرینی [همسر نوح].

نِمتیم ساف (Nemtiemsaf ♂ مصری باستان) نِمتی حافظ اوست، از ریشه‌ی مصری باستان نِمتی (اسم خدایی‌ست) و اِمْساف (نگهبانِ او) [نام دیگر مرن‌رع است].

نِمرتس (Nemertes ♂ یونانی) خطاناپذیر.
نِمسِیس (Nemesis ♀ یونانی) انتقام، از ریشه‌ی یونانی nemesis (انتقام) [ایزدبانوی خشم و انتقام، زنِ زئوس].
نو (Nuo ♀ چینی) پرافتخار.

نوئل (Noel ♂ گُل - فرانسه‌ی کهن) کریسمس، از ریشه‌ی عبری.
نوادا (Nuada ♂ سلت) نگهبان، از ریشه‌ی سلتی [خدای پشتیبان و رهبر تواتا دِنوان].

نوئِخِپرْ (Nubkheperre ♂ مصری باستان) رع همچون طلا هستی می‌یابد، از ریشه‌ی مصری باستان نوب (طلایی)، خِپرْ (هستی یافتن) و رع [لقب ایتف هفتم، از فراعنه‌ی دودمان هفدهم].

نوٲکاورع (Nubkaure ♂ مصری باستان) ارواح رع زرین هستند، از ریشه‌ی مصری باستان نوب (طلایی) و کا (روح) و رع [لقب آمن‌حت دوم، از فراعنه‌ی دودمان دوازدهم].

نوب‌مات‌رع (Nubmaatire ♂ مصری باستان) رع سرور عدالت است، از ریشه‌ی مصری باستان نِب (سرور)، مات (عدالت) و رع [لقب آمن حوتپ سوم، از فراعنه‌ی دودمان هژدهم].

نوبو (Nobu ♂ ژاپنی) گسترش.

نوح (Noah ♂ عبری) آسودگی [پیامبر عبرانی].

نوذَر (♂ پارسی) از ریشه‌ی اوستایی نُوثرَه [نام خاندان گشتاسپ].

نوری (Nori ♂ ژاپنی) قانون.

نوریا (♀ Nuria اسپانیایی) [صومعه‌ایست در اسپانیا که تندیس مریم باکره‌اش مشهور است].

نوفَل (♂ عربی) جوان زیبارو.

نوویو (Novio ♂ اسپانیایی) دوست پسر، از ریشه‌ی اسپانیایی.

نویان (♂ ترکی) امیر سپاه.

نویل (Nevil ♂ گُل - فرانسه‌ی کهن) شهر جدید، از ریشه‌ی سلتی
ne (نو، جدید) و vil (شهر).

نهمیاه (Nehemiah ♂ عبری) کسی که توسط یهوه آسوده گشته، از
ریشه‌ی عبری نوح (آسوده) و یاه (یهوه).

نیام (Niamh ♀ سلت) درخشان، روشن، از ریشه‌ی سلتی [دختر خدای
دریا].

نیبلونگن (Nibelungen ♂ آلمانی) پسرانِ مه [اسم اپرای مشهور
واگنر].

نیبوری (Nibori ♂ ژاپنی) برخاسته به جاه.
نیرَم / نَریمان (♂ پارسی) مردانه، از ریشه‌ی پارسی نَری (نرینه، مرد) و مان
(پسوند نسبت) [از پهلوان شاهنامه].

نیزرائیم (Nizraem ♂ عبری) آزار و اذیت [پسر کوش، جد مصریان].
نیکه (Nike ♀ یونانی) پیروزی، از ریشه‌ی یونانی باستان nikh (پیروزی)
[ایزدبانوی پیروزی].

نیل / نیگل (Neil/ Nigel ♂ آنگلو ساکسون) قهرمان.

نی‌مات‌رع (Nymaatre ♂ مصری باستان) متعلق به عدالتِ رع، از ریشه‌ی مصری باستان نی (متعلق به) مات (عدالت) و رع [لقب آمن‌محت سوم، از فراعنه‌ی دودمان دوازدهم].

نیم‌رود (Nimrud ♂ عبری) شکارچی [پسر کوش].
نینا (♀ بابل‌ی) تله‌ی ماهیگیری، از ریشه‌ی بابل‌ی [ایزدبانوی نگهبان شهر نینوا و نماد باروری].

نینِجر (Ninetjer ♂ مصری باستان) خداگونه، از ریشه‌ی مصری باستان [از فراعنه‌ی دودمان دوم].

نین‌خورساگ (♀ سومری) بانوی کوهستان، از ریشه‌ی سومری نین (بانو) و خورساگ (کوهستان) [خدای باروری و زایمان].

نینگ (♀ ♂ Ning) چینی صلح، آرامش.
نین‌گیرسو (♀ سومری) بانوی گیرسو (اسم محله‌ای در دولت‌شهر لاگاش) [ایزدبانوی جنگ].

نین‌لیل (♀ سومری) بانوی آسمان، از ریشه‌ی سومری نین (بانو) و لیل (آسمان) [ایزدبانوی پدیده‌های جوی].

نیو (Niu ♀ چینی) دختر.

نیوس (Nieves ♂ اسپانیایی) برفها، از ریشه‌ی لاتین.

نیوسِر (Niuserre ♂ مصری باستان) دارای قدرتِ رع، از ریشه‌ی

مصری باستان نیوسِر (حامل قدرت) و رع [از فراعنه‌ی دودمان پنجم].

و

وئی (Wei ♂ چینی) بزرگ، قوی.

واپ (Wapvawet) گشاینده‌ی راه [راهنمای قایق مردگان].

واپاشا (Wapasha ♂ سرخپوستی) برگ سرخ، از ریشه‌ی داکوتا [چند

تن از روسای قبیله‌ی سو].

واثق (♂ عربی) اعتماد کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی وثق.

واجخِپرْ (Wadjkheperre ♂ مصری باستان) ظهور رع شکوفاست،

از ریشه‌ی مصری باستان واج (شکفتن)، خِپرْ (هستی یافتن) و رع [لقب

کاموسیه، آخرین فرعون از دودمان هفدهم].

واجد (♂ عربی) دارنده، توانگر، اسم فاعل از ریشه‌ی وجد.

واجکارع (♂ wadjkare مصری باستان) روح رع کامیاب است، از ریشه‌ی مصری باستان واج (کامیابی) و کا (روح) و رع [اولین فرعون دودمان هفتم].

واخانخ (♂ wahankh مصری باستان) دارای زندگی قدرتمند، از ریشه‌ی مصری باستان واح (نیرومند) و آنخ (حیات) [از فراعنه‌ی دودمان یازدهم، لقب مشهورترش ایتیف دوم است].

واحد (♂ عربی) یکتا، اسم فاعل از ریشه‌ی وحد (یک) [از القاب خداوند].
 واحیبرع (♂ wahibre مصری باستان) قلب رع پاینده است، از ریشه‌ی مصری باستان واح (پاینده)، ایب (قلب) و رع [لقب پسامتیک نخست، و چهارمین فرعون دودمان بیست و هفتم].

وارتوهی (♀ Vartouhi ارمنی) بانوی گل سرخ.

وارث (♂ عربی) ارث برنده، اسم فاعل از ریشه‌ی ورث (به ارث بردن).

وارن (♂ warren گل-فرانسه‌ی کهن) محل بازی.

وارن (♂ warren آلمانی) چهار دیواری.

وارونا (♂ هندی) استوار دارنده، محکم کننده، از ریشه‌ی هند و ایرانی وَر- به

معنای گره زدن و بستن [در وداها वरुण ایزد گنبد آسمان و حامی نظم و قانون

آسمانی است]

واسع (♂ عربی) در بر گیرنده، اسم فاعل از ریشه‌ی وسع (گستردن) [از

القاب خداوند].

واسکو/ ولاسکوئز (Velasquez/Vasco ♂ اسپانیایی) کلاغ، از

ریشه‌ی اسپانیایی.

واصل (♂ عربی) رسیده، متصل شده، اسم فاعل از ریشه‌ی وصل.

واعظ (♂ عربی) موعظه کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی وعظ.

واقد (♂ عربی) فروزنده‌ی آتش، اسم فاعل از ریشه‌ی وقد.

والتر/ والت (walt/ wahlter ♂ آلمانی) قانون مردم،

والتر (walter ♂ آلمانی) قانون مردم، از ریشه‌ی آلمانی wal (قانون)

و ter/der (مردم).

والنتیانوس / والنس (Valentianus/ Valence ♂ لاتین)

قدرتمند، سالم، از ریشه‌ی لاتین valent (توانایی) [امپراتور روم که به ایران حمله کرد و از پاپور ساسانی شکست خورد].

والکیرا (♀ Valkyra آلمانی) برگزینده‌ی کشته شدگان، از ریشه‌ی نوردیک باستان valr (مقتول) و kyrja (برگزینده) [ایزدبانویی که پهلوانان کشته شده در میدان نبرد را به بهشت ژرمن‌ها (والهالا) راهنمایی می‌کند].

والنسیا (♀ Valencia اسپانیایی) قدرت، از ریشه‌ی لاتین valent (قدرت).

والی (♂ عربی) حاکم، جانشین شاه، اسم فاعل از ریشه‌ی ولی.

واهان (♂ Vahan ارمنی) پسر.

واهاراگن (♂ Vaharagen ارمنی) همان بهرام پارسی است.

واهب (♂ عربی) بخشنده، اسم فاعل از ریشه‌ی وهب (موهبت).

واین (♂ Wayne آنگلو ساکسون) ارابه‌ساز.

وایو (♂ پارسی) باد [ایزد باد و توفان در ایران باستان]

وجیه (♂ عربی) خوشرو، زیبارو، صفت از ریشه‌ی وجه.

وحید (♂ عربی) یکتاپرست، یگانه، صفت از ریشه‌ی وحد (وحدت).

وَحْش‌آرْتَه (♂ پارسی) آورنده‌ی پارسایی، در پارسی باستان از دو بخش وَحْشو

(آورنده) و اَرْتَه (پارسایی) تشکیل یافته [برادر داریوش سوم هخامنشی که با

اسکندر جنگید و شاه افغانستان کنونی شد]

ودود (♂ عربی) دوستدار، صفت از ریشه‌ی ودد (دوست داشتن).

ورتره (♂ هندی) مسدود کننده، از ریشه‌ی پیشاهندواروپایی *wel یعنی بستن

و گره زدن [دیوی که در وداها هم‌آورد اصلی ایندره است و به دست او کشته

می‌شود]

وَرَد سین (♂ اکدی) بنده‌ی سین، از ریشه‌ی اکدی ورد (بنده) و سین (خدای

ماه) [شاه ایلامی لارسا، برادر ریم‌سین].

وَرْدَهَمَنَه (Vardhamana ♂ هندی) بُرزمند و افزاینده، در شکل

سانسکریت‌اش वधमान با برز و ورز ایرانی هم‌ریشه است [نام اصلی

مهاویره، بنیانگذار آیین جَین در قرن ششم پ.م.]

ورسین گتوریکس (Vercingetorix ♂ سلت) برترین شاه جنگجو،
ترکیبی از ریشه‌ی سلتی ver (برتر)، و cingeta (جنگجو) و rix
(شاه) [شورشِ مشهور گل که با سزار جنگید و او را شکست داد].

ورنا (♀ Verna اسلاو) ایمان.

وسلی (♂ Wesly آنگلوساکسون) چمنزار غربی، از ریشه‌ی انگلیسی
باستان wes (غرب) و ley (دشت).

وسنا (♀ Vesna اسلاو) بهار، از ریشه‌ی کرواسی.

وقاص (♂ عربی) شکننده، گردن شکن، اسم فاعل از ریشه‌ی وقص.

وُلکان (♂ Vulcan لاتین) آتشفشان، از ریشه‌ی لاتین fulgere
(جرقه زدن، شعله کشیدن) [خدای آهنگری].

ولی (♂ عربی) صاحب امر، اسم فاعل از ریشه‌ی عربی ولی (فرمان راندن)
[از القاب خداوند].

ولید (♂ عربی) نوزاد، کودک، اسم از ریشه‌ی ولد.

ون (♀ Wen چینی) فرهیخته.

وِنچِسْلاَس (Wenceslas ♂ اسلاو) افتخارِ بیشتر، از ریشه‌ی اسلاو
wenc (بیشتر) و eslas (افتخار) [دوک بوهم در قرن دهم م، قدیس
نگهبان ملت چک].

وَتَداد/ بُنداد (♂ پارسی) بنیاد، ریشه و اصل، از ریشه‌ی پهلوی وِندَت (بنیاد)
وو (♀ ♂ Wu) چینی) جادوگر، گروهانِ ارتش.
ووسنگی (♀ Vosgi) ارمنی) طلا.

وولوس (Volos ♂ اسلاو) گاو، از ریشه‌ی روسی [خدای رَمه‌ها].
وَهَاب (♂ عربی) روزی دهنده، صفت از ریشه‌ی وهب (روزی دادن) [از
القاب خداوند].

وهب (♂ عربی) بخشش بلاعوض.
وهرز (♂ پارسی) دولتمند، ثروتمند و بخشنده، تغییر یافته‌ی وهریز یا وهریچ
در زبان پهلوی [سرداری که در دوران انوشیروان یمن را فتح کرد]

وهیزدآته (♂ پارسی) بخششِ بهتر، آنچه که بهتر بود داده شده، از ریشه‌ی
پارسی باستان وهیز (بهتر) و دآته (بخشش) [سردار پارسی رقیب داریوش
بزرگ]

ویجی (Vijay ♂ هندی) پیروزی، از ریشه‌ی سانسکریت.
ویرجینیا (♀ Virginia لاتین) باکره، دوشیزه، از ریشه‌ی لاتین
virgo (دوشیزه، باکره).

ویرژیل (Virgil ♂ لاتین) عصا [ادیب و شاعر بزرگ رومی].
ویرگو (♀ Vtigo لاتین) باکره، دوشیزه، از ریشه‌ی لاتین vierge
(خوشه) [ایزدبانوی دوشیزگان، دختر زئوس].

ویسه (♂ پارسی) از ریشه‌ی اوستایی وِسْکَه که در پهلوی به وِسک تبدیل
شده [نام پدر پیران تورانی].

ویشپا (♂ هندی) زهراب، سم، نامش در سانسکریت از دو بخشِ ویش (زهر)
و آپَه (آب) ساخته شده [دیوی که به دست ایندره کشته می‌شود]

ویشنو (Vishnu ♂ هندی) فراگیر، از ریشه‌ی سانسکریت [خدای نگهدارنده و محافظ، یکی از سه خدای بزرگ هندوان].

ویکانینیش (Wickannish ♂ سرخپوستی) هیچکس در زورق جلوش نیست، از ریشه‌ی کلایوکوت [رهبر قبیله‌ی کلایوکوت در قرن هژدهم].

ویلفرد (Wilfred ♂ آلمانی) آرزوی صلح، از ریشه‌ی آلمانی باستان wil (آرزو، اراده) و frey (صلح).

ویلیام (William ♂ آلمانی) آرزوی کلاهخود، از ریشه‌ی آلمانی باستان wil (آرزو، اراده) و liam (کلاهخود).

وینستون (Winston ♂ آنگلو ساکسون) سنگِ شادی، از ریشه‌ی انگلیسی باستان win (پیروزی، شادی) و ston (سنگ).

وینونا (Winona ♀ سرخپوستی) نخست‌زاده، اولین فرزند، از ریشه‌ی داکوتا [شاهزاده‌ای اساطیری].

ویویان (Vivian ♂ لاتین) زنده، از ریشه‌ی لاتین vivere (زنده بودن).

هابیل (Abel ♂ عبری) چمنزار، سرخ، از ریشه‌ی سامی [دومین پسر آدم].

هابیل کین‌اوم (♂ سومری) دریغا پسر قبلی‌ام، از ریشه‌ی گوتی باستان [از شاهان گوتی].

هاتور (♀ Hathor مصری باستان) خانه‌ی خورشید، از ریشه‌ی مصری باستان حت/هوت (خانه) و هورو (هوروس، خدای خورشید) [ایزدبانوی عشق].

هاجر (♀ Hajer عبری) مهاجر [زن ابراهیم].

هاچیرو (Hachiro ♂ ژاپنی) پسر هشتم.

هاذریان (Hadrianus ♂ لاتین) اهلِ هاذریا، از ریشه‌ی لاتین
Hadria (اسم روستایی است در شمال ایتالیا) [امپراتور روم در قرن دوم
میلادی].

هادِس (Hades ♂ یونانی) ناپیدا، از ریشه‌ی یونانی باستان 'ades
(پنهان) [خدای قلمرو مردگان].

هادی (♂ عربی) راهنما، اسم فاعل از ریشه‌ی هدی (رهبری کردن).

هاروکو (♀ Haruko ژاپنی) فرزند بهار.

هارولد (Harold ♂ آنگلوساکسون) سپهسالار، از ریشه‌ی نوردیک
باستان har (رهبر) و wald (قدرت).

هارون (Aaron ♂ عبری) تلخی، کوه مرتفع [برادر موسی].

هاسدروبال (Hasdrubal ♂ فنیقی) بعل یاری خواهد کرد، از ریشه‌ی
فنیقی آزو (یاری کردن) و بعل (خدای بزرگ فنیقیان) [سردار بزرگ کارتاژی].
هاشم (♂ عربی) بخشنده، جوانمرد، اسم فاعل از ریشه‌ی هشم (خُرد کردنِ
نان، تلید کردن) [نام جد حضرت محمد].

هاگ (Hugh ♂ آلمانی) روح، روان، از ریشه‌ی آلمانی hu (قلب، جوهر).

هاگار (♀ Hagar عبری) پرنده.

هاگوپ (♂ Hagop ارمنی) همان جاکوب است.

هالوتوش اینشوشیناک (♂ ایلامی) اینشوشیناک (خدای شوش) با سرزمین ما
مهربان بود، از ریشه‌ی ایلامی هاله لوتوش (با زمین مهربان بود) [شاه ایلام در
1185-1205 پ.م.].

هالیا (♀ Halia یونانی) نمکی، از ریشه‌ی یونانی باستان 'alis (نمک)
[از فرشتگان دریا].

هامیلکار (♂ Hamilkar فنیقی) دوستِ ملکارت، از ریشه‌ی فنیقی هی
(دوست) و ملکارت (خدا/پهلوانی فنیقی) [سردار بزرگ کارتاژی در قرن سوم
پ.م.].

هانی (♂ عربی) شادمان، اسم فاعل از ریشه‌ی هنی.

هانیبال (♂ Hannibal فنیقی) شکوه بعل، عظمت خدا، از ریشه‌ی سامی
هانی (شکوه) و بعل (اسم یک خدای مهم سامی) [سردار بزرگ کارتاژی].

های (♂ Hai چینی) دریا.

هایدن (♂ Hayden آلمانی) بت پرست.

هایل (♂ عربی) ترساننده، اسم فاعل از ریشه‌ی هول.

هایلی (Hayly ♂ آنگلو ساکسون) دشتِ علفِ خشک، از ریشه‌ی

انگلیسی باستان hay (کاه) و ley (دشت).

هَیَل (♂ عربی) آن خدا، احتمالا کوتاه شده‌ی حرف تعریف هه و نام بعل

(خداوند) [بت مشهور اعراب در صدر اسلام]

هَیبه (♀ Hebe یونانی) جوان، از ریشه‌ی یونانی باستان hbh (جوان) [دختر

زنوس و هرا، ساقی خدایان].

هَخامنش (♂ پارسی) خیراندیش، نیکخواه، از ریشه‌ی پارسی باستان هَخَی

(دوست) و مَنیش (اندیشه) [رهبر پارسها و نیای کوروش].

هَهدی (♀ عربی) بیان، راستی، راهنمایی، هم‌ریشه‌ی هدایت.

هَهدیر (♂ عربی) صدای رعد و برق.

هَرا (♀ Hera یونانی) کدبانو، از ریشه‌ی یونانی hra (بانو) [خواهر و زن

زنوس].

هَرافن (Hrafn ♂ آلمانی) کلاغ، از ریشه‌ی نوردیک باستان.

هراکلیس (Heracles ♂ یونانی) افتخارِ هرا، hra (هرا)، و Klha (افتخار) [ابریهلوان یونانیان].

هربرت (Herbert ♂ آلمانی) ارتش درخشان، از ریشه‌ی آلمانی her (جنگجو، ارتشی) و bert (درخشان).

هرمان (Hermann ♂ آلمانی) مرد جنگی، از ریشه‌ی آلمانی her (جنگجو، ارتشی) و mann (مرد).

هرمز (♂ پارسی) مقدسِ خردمند، دانای آسمانی، از ریشه‌ی اوستایی آهورَه (آسمانی، الهی) و مَزَدَه (دانا، خردمند) [نام خدای بزرگ زرتشتیان].

هرمس (Hermes ♂ یونانی) تپه‌ی سنگی [خدای سفر و تجارت].

هرمینگیلدو (Hermenegildo ♂ آلمانی) قربانیِ کامل، از ریشه‌ی آلمانی باستان hermen کامل، خالص) و gildos (قربانی).

هرودوت (Herodotus ♂ یونانی) به قهرمان داده شده، از ریشه‌ی یونانی باستان hros' (قهرمان) و dota (داده شده) [مورخ مشهور یونانی].

هزیود (Hesiod ♂ یونانی) سرودخوان، از ریشه‌ی یونانی باستان heio (انداختن) و oides (سرود) [مورخ رومی قرن هشتم میلادی].

هَژیر/ هَجیر (♂ پارسى) زیبارو، نژاده، از ریشه‌ی پهلویِ هو (خوب، زیبا) و
چِثَرَه (نژاد، چهره) [از پهلوانان شاهنامه].

هستیا (♀ Hestia یونانى) آتشدان [ایزدبانوی خانواده].

هَشام (♂ عربى) بخشش، کرم، اسم از ریشه‌ی هشم (بخشش) [ابن هشام،
نویسنده یکی از کهنترین تواریخ اسلام].

هَفْتَوان (♂ پارسى) رستگار شده به کمک هفت امشاسپند، شکل تحریف
شده‌ی هَفْت‌بوختِ پهلوی [از بزرگان کرمان در شاهنامه].

هَکتور (♂ Hector یونانى) صاحب، سرور، از ریشه‌ی یونانى باستان
ecein (صاحب بودن، داشتن) [پهلوان بزرگ تروا].

هَگمونه (♀ Hegemone یونانى) سلطه‌گر، از ریشه‌ی یونانى hgeomonh
(سلطه) [دختر زئوس و اورینمه، از کاریت‌ها].

هِلگا (♀ Helga آلمانى) شادمان.

هَمام (♂ عربى) دلیر، سخاوتمند، اسم فاعل از ریشه‌ی همّ (همت).

هَمام (♀ ♂ عربى) شیر، کنایه از آدم با اراده.

- هُمای (♀ پارسى) مایه‌ی نیکی، جوهر خوبی، از ریشه‌ی پهلوی هو (خوب)،
 مای (مایه، جوهر) [نام دختر گشتاسپ].
- همایون (♂ پارسى) خجسته، فرخنده، از ریشه‌ی پهلوی هو (خوب)، مای
 (مایه) و اون (پسوند نسبت).
- همفری (Humphrey ♂ آنگلو ساکسون) خانه‌ی آرام، از ریشه‌ی
 انگلیسی باستان hum (خانه) و phrey (آرامش، صلح).
- هَناد (♂ عربی) تیز کننده‌ی شمشیر، اسم فاعل از ریشه‌ی هند.
- هِنَد (♀ عربی) صد یا دویست شتر [نام همسر حضرت محمد].
- هِنری (Henry ♂ آلمانی) حاکم خانه.
- هِنگ (Heng ♂ چینی) جاویدان.
- هِنگیست (Hengist ♂ آلمانی) اسب نر، از ریشه‌ی آلمانی باستان.
- هو (♀ ♂ Hua چینی) آتش.
- هُوارد (Howard ♂ آلمانی) جسور، شجاع، از ریشه‌ی آلمانی hu (قلب)
 و wald (شجاع).

هَواری (♂ عربی) چریک، تکاور، مفرد هواره (گروه شبه نظامی) [هواری
بومَدین: رئیس جمهور الجزایر].

هوان (♀ Huan ♂ چینی) شادمانی.

هوانگ (♀ Huang ♂ چینی) زرد.

هوِبرت (♂ Hubert آلمانی) قلب درخشان، از ریشه ی آلمانی hu
(قلب) و bert (درخشان).

هوتارو (♀ Hotaru ژاپنی) کرم شب تاب.

هوتاکا (♂ Hotaka ژاپنی) اسم کوهی است در ژاپن.

هوتن/ اوتانس (♂ پارسی) دارنده ی تن زیبا و سالم، بر ساخته از دو بخش هو
(نیک و زیبا) و تن، یونانیان اسمش را به اوتانس (Eutanhs) تحریف
کرده اند [از اشراف دوران داریوش بزرگ]

هود (♂ عربی) توبه کنندگان، اسم جمع هائِد (توبه گر) [پیامبر قوم عاد].

هور-آحا (♂ Hor-Aha مصری باستان) شاهین جنگجو، از ریشه ی
مصری باستان هور (شاهین) و آحا (جنگیدن) [اولین فرعون دودمان نخست].

هوراتیوس / هوراس (♂ Horatius لاتین) ساعت، زمان، از ریشه‌ی
اتروسکی hora (زمان).

هوراس (♂ Horace لاتین) دارای چشمان تیزبین، از ریشه‌ی لاتین
[ادیب و نویسنده‌ی برجسته‌ی رومی]

هورچیتَرَه (♂ پارسی) خروشیدچهر، هورچهر، بر ساخته از ریشه‌ی اوستایی
هور (خورشید) و چیتَرَه (چهر، سرشت) [نام پسر زرتشت]
هوریگ (♀ Hourig ارمنی) آتش کوچک.

هوشنگ (♂ پارسی) سازنده‌ی خانه‌های خوب، از ریشه‌ی اوستایی هئو
(خوب) و شَنگَه (خانه، آشیان) [از پادشاهان کیانی].
هوشی (♀ Hoshi ژاپنی) ستاره.

هوکولسکوا (♂ Hokesqua سرخپوستی) ساقه‌ی ذرت، از ریشه‌ی
شاوونی [رئیس قبیله‌ی شایان در قرن هژدهم].
هول (♂ Hol عبری) دایره [پسر آرام].

هوم (♂ پارسی) فشرده و کوبیده شده، از ریشه‌ی اوستایی هو (خرد کردن، کوبیدن) [ایزدی گیاهی در ایران باستان و فرشته‌ای زرتشتی که بخشنده‌ی جاودانگی است]

هومان (♂ پارسی) نیک اندیش، از ریشه‌ی پهلوی هو (خوب) و مَنه (اندیشه) [از پهلوانان شاهنامه].

هون (♂ ترکی) خلق، مردم، از ریشه‌ی ترکی خون (مردم) [قبیله‌ی بزرگی از زردپوستان آسیای میانه].

هونوراتوس (♂ لاتین) متمایز، مشهور، از ریشه‌ی لاتین honoratus افتخار). honora

هونی (Huni ♂ مصری باستان) خُرد کننده، ویرانگر، از ریشه‌ی مصری باستان [آخرین فرعون دودمان سوم].

هووَخِشترَه (♂ پارسی) شاه خوب، بر ساخته از دو بخشِ هوَوَه (نیک) و خِشترَه (شاه) [شاه نامدار ماد]

هوَوُسِپ (Hovsep ♂ ارمنی) همان یوسف است.

هوَوَهائِس (Hovhannes ♂ ارمنی) همان یوحنا است.

هیاواتا (Hiawatha ♂ سرخپوستی) سازنده‌ی رودخانه، از ریشه‌ی
ایروکوآیی هائیو-هواثا [رئیس قبیله‌ی ماهاوک در قرن هژدهم].
هیپولیت / هیپولیتوس (Hyppolitos ♂ یونانی) رها کننده‌ی اسبها، از
ریشه‌ی یونانی باستان Ippos' (اسب) و ilitos (رها کننده) [پسر تزئوس
و آنتیوپه].

هیتومی (Hitomi ♀ ژاپنی) چشم.
هیدِاکی (Hideaki ♂ ژاپنی) بی نقص و درخشان.
هیربد (♂ پارسی) آموزشگر، آموزگار، از ریشه‌ی اوستایی ائثرَه (آموزش) و
پیتی (صاحب، مولا) [از سمتهای دینی زرتشتیان].
هیرود (Hirod ♂ عبری) پسر قهرمان [حاکم یهودیه هنگام تولد مسیح].
هیروشی (Hiroshi ♂ ژاپنی) سخاوتمند.
هیروکو (Hiroko ♀ ژاپنی) فرزند سخاوتمند.
هیکاری (Hikari ♀ ژاپنی) نور.
هیلاری (Hilary ♀ لاتین) شاد، از ریشه‌ی لاتین.

ی

یار (Jar ♂ آلمانی) اشرافی، نجیب‌زاده، از ریشه‌ی نوردیک باستان [پسر ریگ در اساطیر اسکاندیناوی].

یارل (Jarl ♂ آلمانی) اشرافی، نجیب‌زاده، از ریشه‌ی نوردیک باستان [پسر ریگ].

یاسر (♂ عربی) آسان‌کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی یسر (آسانی).

یاسِر (♂ عربی) آسان‌کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی یسر [عمار یاسر، از صحابه‌ی قدیمی].

یاسو (♀ Yasu ژاپنی) آرام.

یافث (Yafeth ♂ عبری) رشید، مجبور کننده [پسر نوح، جد زردپوستان].

یاقوت (♂ عربی) سنگی قیمتی [یاقوت حموی: مورخ بزرگ].

یامین (Jamin ♂ عبری) دست راست.

یانیک/ یان (Yannick/ Yann ♂ آلمانی) جان.

یاوان (Javan ♂ عبری) یونانی، برگرفته از اسم منطقه‌ی ایونیه [پسر یافث، جد مدیترانه‌ای‌ها].

یحیی (♂ عربی) زنده، از ریشه‌ی حی (زندگی).

یرلیغ (♂ ترکی) فرمان و حکم شاه.

یرمیاہ/ جرמیا/ جرמי (Jermiah ♂ عبری) برکشیده‌ی یهوه، از ریشه‌ی

عبری یرمی (برکشیدن) و یاه (یهوه) [از نبی‌های یهودی].

یروبوآم (Yeruboaam ♂ عبری) توسعه یافته.

یزدگرد (♂ پارسی) خداداد، آفریده‌ی ایزد، از ریشه‌ی اوستایی یَزَتو (ایزد)

کِرَتَه (آفریدن، خلق کردن) [آخرین شاه ساسانی].

یزید (♂ عربی) زیاده شدن، از ریشه‌ی زیاد [خلیفه‌ی اموی].

یسار (♂ عربی) بسیار آسان کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی یسر.

یعقوب (Jacob ♂ عبری) ریشه‌کن کننده [پیامبر و جد یهودیان].

یقظان (♂ عربی) بیدار، هوشیار، صفت از ریشه‌ی قظی [حی بن یقظام: اسم

کتاب بوعلی سینا].

یمانی (♂ عربی) اهل یمن.

یمه (♂ هندی) دوقلو، همزاد، برگرفته از ریشه‌ی سانکسريت यम به همین

معنا [خدای مرگ و عدالت در وداها و همتای جمشید ایرانی].

یوآب (Joab ♂ عبری) یهوه پدر است، از ریشه‌ی عبری یوه (یهوه) و آب

(پدر).

یوآخ (Joach ♂ عبری) آتش یهوه، از ریشه‌ی عبری یوه (یهوه) و آشی

(آتش).

یوآخیم (Joachim ♂ عبری) مستحکم شده توسط یهوه، از ریشه‌ی

عبری یوه (یهوه) و آخیم (محکم کردن).

یوا (Yeva ♀ ارمنی) همان حوا است.

یوحنا (Johanah ♂ عبری) یهوه پرافتخار است، از ریشه‌ی عبری ایو

(یهوه) و آناه (افتخار) [از حواریون].

یوری (Yori ♂ ژاپنی) وابستگی.

یوری (Yuri ♀ ژاپنی) زنیق.

یوستیتیا (Justitia ♀ لاتین) عدالت، از ریشه‌ی لاتین [ایزدبانوی

عدالت، همان هِبه است].

یوسف (Yoseph ♂ عبری) او (نسل مرا) خواهد افزود (𐤓𐤕𐤔𐤓) [پیامبر،

نیای یکی از قبایل دوازده‌گانه‌ی یهودی].

یوشی (Yushi ♀ ♂ ژاپنی) بخت، نیکی.

یوشیرو (Yoshiro ♂ ژاپنی) پسر خوب.

یوشیکو (Yoshiko ♀ ژاپنی) فرزند خوب.

یوکو (Yoko ♀ ژاپنی) فرزند خورشید.

یوکو (Yuko ♀ ژاپنی) فرزند پرافتخار.

یوکی (Yuki ♂ ژاپنی) برف.

یوکیکو (Yukiko ♀ ژاپنی) فرزند برف.

یومی (♀ Yumi ژاپنی) تعظیم زیبا.

یون (♀ Yun چینی) ابرها.

یونانان / جانانان (♂ Jonathan عبری) یهوه بخشیده است، از ریشه‌ی

عبری یوه (یهوه) و ناتان (بخشیدن).

یوناه (♂ Yunah عبری) کبوتر.

یونون (♀ Junon لاتین) کدبانو، از ریشه‌ی لاتین [همان هرا است].

یوونتوس (♀ Juventus لاتین) جوان [زن هرکول، دختر زئوس و هرا].

یهلیل (♂ Jahleel عبری) خدا منتظر است، از ریشه‌ی عبری یوه

(یهوه) و لیل (منتظر بودن).

یهودا (♂ Yahuda عبری) ستایش خدا، از ریشه‌ی عبری یوه (یهوه) و

آدا (ستایش) [از قبایل دوازده‌گانه‌ی یهودی].

یهودا (♂ Judah عبری) خداوند پرستش می‌شود [پسر چهارم یعقوب و لیه]

یهوه (♂ Yahweh عبری) زنده، از ریشه‌ی عبری حی (زنده)، در متون

باستانی عبری به صورت «ی.ه.و.ه.» ثبت شده و به دلیل مقدس بودن این نام و

ممنوع بودن تلفظِ کردنش در میان یهودیان، از شکل اولیه‌ی خواندش چیزی

نمی‌دانیم [خدای یهودیان].

یین (Yin ♀ چینی) سالم، نقره، با ادب.